

نماز

بسم الله الرحمن الرحيم

نماز

نماز

- به کوشش: یونس باقری
- طرح روی جلد: جعفر وافی
- صفحه آرایي: الهام الیکایی
- شمارگان: ۲۰۰ نسخه
- سال انتشار: ۱۴۰۰
- نوبت چاپ: اول



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

فهرست

مقدمه / ۵

- خورشید، سرچشمه روزهاست / حجت الاسلام سیدجواد بهشتی / ۷
- ذکر خدا / حجت الاسلام و المسلمین محمدرضا دهدست / ۲۴
- چرا باید نماز را به عربی بخوانیم؟ / حسن حسینزاده طاهر / ۳۹
- چگونه دانش آموزان را به نماز علاقه مند کنیم؟ / محمدرضا نوروزی / ۴۷
- چرا انسان به نماز خواندن محتاج است؟ / رضا حیدری فرد، وجیهه بدری / ۶۶
- تصویر نماز / دکتر فضل الله خالقیان / ۷۳
- در خانه ما رونق اگر نیست صفا هست / دکتر محسن ایمانی / ۷۳
- احکام نماز / حجت الاسلام محمود متوسل آرائی / ۹۲
- رازهای نماز / دکتر محمدمهدی اعتصامی / ۱۰۱
- چراهایی درباره نماز / محمدرضا دهدست / ۱۱۸
- نمازخوانی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان / علیرضا محمدنژاد، حسن امین پور، زینب سیدلاهیجانی / ۱۳۴
- مسجد و جنگ نرم / محمدرضا قاسمی گل افشانی، طوبی زارع / ۱۴۵
- نماز از منظر امام رضا(ع) / فرشته رضیان / ۱۵۵
- لحظه ای که سراب دریا غرق می شود / دکتر فریال آمار / ۱۶۳
- هرگز حدیث حاضر و غایب شنیده ای / احمد محفوظی / ۱۷۴
- حضور زنان در مسجد / محمود شهنازی / ۱۹۳
- پرسش هایی درباره نماز / فاطمه سادات لنگرانی / ۲۰۰
- اقامه نماز یا اقامه نماز جماعت؟ / رمضانعلی ابراهیمزاده گرچی، یونس باقری / ۲۰۳

در دهه شصت مجلات رشد به همت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی یکی پس از دیگری منتشر و با عناوین مختلف راهی مدارس می‌شد تا معلمان گرامی با توشه‌ای افزون بر کتاب‌های درسی دانش‌آموزان عزیز را آموزش داده و تربیت کنند، در دهه‌ای که از فضای مجازی خبری نبود و اینترنت به شکل فعلی وجود خارجی نداشت و برنامه‌های تلویزیون عموماً در یک قاب و آن هم به صورت سیاه و سفید پخش می‌شد. مجلات رشد بار گرانی را بر دوش گرفته و به سر منزل مقصود رساندند و استقبال مدیران، دبیران و دانش‌آموزان از این مجلات نشان موفقیت این مجلات بوده است.

از میان مجلات منتشر شده، یکی مجله «رشد معارف اسلامی» بود که به همت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در اختیار دبیران قرآن، معارف اسلامی، فلسفه، منطق و عربی قرار می‌گرفت.

البته بعدها برای چندسالی مجله رشد قرآن از معارف اسلامی مستقل و به صورت جداگانه چاپ شد و بعد از مدتی مجدداً مجله رشد قرآن نیز با عنوان رشد قرآن و معارف اسلامی با هم و در یک مجلد منتشر شدند و در سال ۱۴۰۰ نیز مجدداً به دلیل تفکیک حوزه‌های یادگیری درس قرآن و

عربی از دروس معارف اسلامی و حکمت مجله رشد قرآن و عربی از مجله معارف اسلامی مستقل شده است.

در مجلات قرآن و معارف اسلامی مطالب متنوعی چاپ و در اختیار دبیران گرامی قرار گرفته است و استمرار چاپ این مجله نشان از موفقیت آن بوده است.

پس از گذشته چندین دهه از انتشار مجله رشد قرآن و معارف اسلامی دفتر انتشارات و فناوری آموزشی اقدام به نشر گلچینی از مقالات و گفت‌وگوهای منتخب کرده است.

کتاب پیش‌روی شما با عنوان «نماز» محصول بیش از چهار دهه زحمات دست‌اندرکاران و معلمان عزیز در انتشار این مجله است که به صورت یکجا در اختیار شما عزیزان قرار می‌گیرد.

امید است در سال‌های آتی مجموعه‌های دیگر نیز تکمیل شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار بگیرد.

خورشید، سرچشمه روزهاست

نماز در قرآن و نهج البلاغه

حجت السلام سید جواد بهشتی

پژوهشگر و نویسنده

مقدمه

با بررسی موضوع نماز در قرآن و نهج البلاغه، به اهمیت و جایگاه آن در جغرافیای دین پی می‌بریم. واژه «صلوة» و مشتقات آن بیش از ۹۰ بار و واژه‌های مرتبط به نماز مثل عبادت، رکوع، سجده، وضو، غسل، تیمم، مسجد، قبله، قیام، قعود، قنوت، تسبیح، تکبیر، اذان، وقت، ذکر، حمد و شکر بیش از ۹۰۰ بار در قرآن آمده است و این هزار مورد نشانگر نقش بی‌نظیر این فریضه است که رسول خدا آن را ستون خیمهٔ دین، کلید بهشت، سیمای دین و مرز کفر و اسلام دانست.

مقاله حاضر ضمن بررسی برخی از آیات نماز، به جایگاه آن در نهج البلاغه نیز نگاهی اجمالی دارد.

نماز در قرآن

تاریخ نماز به آفرینش انسان برمی گردد. قرآن کریم فلسفه خلقت جن و انس را عبادت می داند:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات، ۵۶): جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام.

و فلسفه بعثت پیامبران را نیز عبادت و مبارزه با طاغوت می شمارد: وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (نحل، ۳۶): ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید.

قرآن نماز را از مشترکات ادیان دانسته و برای آن در نهضت‌های انبیا(ع) جایگاهی والا قائل است. به نمونه‌هایی از آن توجه کنید:

حضرت ابراهیم (ع)

۱. هدف از مأموریت حساس و دشوار خود از سرزمین خوش آب‌وهوای فلسطین به سرزمین سوزان حجاز را اقامه نماز اعلام می کند:

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ (ابراهیم ۳۷): پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند.

۲. با پسرش اسماعیل به بازسازی کعبه برمی خیزد و در پایان برای قبولی کار خود دعا می کند:

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۲۷ بقره): و (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می بردند (و می گفتند): پروردگارا! از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی.

۳. از جانب خداوند مأمور می شود تا به اتفاق پسرش اسماعیل مسجد را برای

طواف کنندگان، اعتکاف کنندگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاکیزه کنند:
وَعَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ
(۱۲۵ بقره): و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانهٔ مرا برای طواف کنندگان و
مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنید.
۴. آرزو و آرمان بزرگ ابراهیم (ع) برای نسل آینده و فرزندانش این است که خدایا مرا
و ذریه‌ام را از اقامه کنندگان نماز قرار ده:
رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَايَ (۴۰ ابراهیم): پروردگار، مرا
برپا دارندهٔ نماز قرار ده و از فرزندان من نیز. پروردگارا و دعای مرا بپذیر.

حضرت موسی (ع)

۱. در صدر مأموریتش عبادت و اقامه نماز می‌درخشد:
إِنِّنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (طه، ۱۴): منم، خدایی که جز
من خدایی نیست، پس مرا پرستش کن و به یاد من نماز برپا دار.
۲. هدف خود را از مبارزه با فرعون و تشکیل حکومت دینی جامعه‌ای سرشار از
تسبیح خدا و لبریز از ذکر خدا اعلام می‌کند: كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا وَ نَذْكُرَكَ كَثِيرًا
(طه ۳۳ و ۳۴): تا تو را فراوان تسبیح گوئیم و بسیار به یاد تو باشیم.
۳. پس از پیروزی انقلاب از جانب خداوند مأمور می‌شود شهری جدید با معماری
جدید بسازد که اقامهٔ نماز اصلی‌ترین برنامه شهروندان باشد: وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ
وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْوتًا وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ بَشِّرِ
الْمُؤْمِنِينَ (یونس، ۸۷): و به موسی و برادرش وحی کردیم که برای قوم خود در مصر
خانه‌هایی آماده سازید و خانه‌های خود را پرستشگاه - یا روبه‌روی هم - قرار دهید
و نماز را برپا دارید و مؤمنان را مژده ده.
۴. و زمانی که برای دریافت الواح تورات به کوه طور می‌رود یکی از فرمان‌های خدا

را نماز می‌یابد:

وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَآئِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ
وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا
قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ (بقره، ۸۳): و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل
پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و نزدیکان
یتیمان و یتیمان و بنویان نیکی کنید و به مردم نیک بگویید. نماز را برپا دارید و زکات بدهید.
سپس (با این که پیمان بسته بودید) همه شما - جز عده کمی - سرپیچی کردید (و
از وفای به پیمان خود) روی گردان شدید.

۵. و در فرمانی دیگر به برگزاری نماز جماعت مأمور می‌شوید: وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا
الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (بقره، ۴۳): و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و
همراه رکوع کنندگان رکوع کنید (و نماز را با جماعت بگذارید).

حضرت مریم (س)

۱. مادرش نذر می‌کند طفلی را که در شکم دارد به خدمت مسجد بگمارد:
إِذْ قَالَتْ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (آل عمران، ۳۵): (به یاد آورید) هنگامی را که همسر «عمران» گفت:
خداوندا، آنچه را در رحم دارم برای تو نذر کردم، که «محرر» (و آزاد، برای خدمت
خانه تو) باشد. از من بپذیر، که تو شنوا و دانایی.

۲. مادر نام دختر را مریم یعنی عبادت‌کننده می‌گذارد؛
فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَئِيسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ
وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (آل عمران، ۳۶): ولی
هنگامی که او را به دنیا آورد، (و او را دختر یافت)، گفت خداوندا، من او را دختر
آوردم - ولی خدا از آنچه او به دنیا آورده بود، آگاه‌تر بود - و پسر، همانند دختر نیست

(دختر نمی تواند وظیفه خدمت گزاری معبد را همانند پسر انجام دهد). من او را مریم نام گذاردم و او و فرزندانش را از (وسوسه های) شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می دهم.

۲. سرپرستی اش را پیامبری بزرگ به عهده می گیرد:
 فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا (آل عمران ۳۷): خداوند، او [مریم] را به طرز نیکویی پذیرفت و به طرز شایسته ای، (نهاد وجود) او را رویانید (و پرورش داد) و کفالت او را به «زکریا» سپرد.

۳. مریم نوجوان در پرتو عبادت طعام آسمانی دریافت می کند و پیامبر خود را شگفت زده می کند:

كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (آل عمران، ۳۷): هر زمان زکریا وارد محراب او می شد، غذای مخصوصی در آن جا می دید. از او پرسید ای مریم، این را از کجا آورده ای؟! گفت: این از سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می دهد.

۴. از طریق فرشتگان مطلع می شود که برگزیده شده است:
 وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (آل عمران، ۴۲): و (به یاد آوردید) هنگامی را که فرشتگان گفتند ای مریم، خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان، برتری داده است.

۵. پس از گزینش مسیر کمال او در بندگی تعریف می شود: يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (آل عمران، ۴۳): ای مریم، (به شکرانه این نعمت) برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده به جا آر و با رکوع کنندگان، رکوع کن.

حضرت عیسی (ع)

به فرمان خدا در آغاز تولد به زبان می آید و اعلام می کند که من بنده خدا هستم،

به من کتاب داده شده و من فرستادهٔ خدایم و خداوند تا زنده‌ام مرا به نماز و زکات سفارش فرموده است:

وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (مریم، ۳۱): و مرا - هر جا که باشم - وجودی پر برکت قرار داده است و تا زمانی که زنده‌ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است.

حضرت زکریا (ع)

۱. با دیدن طعام آسمانی در کنار مریم عذرا دست به دعا برداشت و از خداوند فرزند طلب کرد:

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (آل عمران، ۳۸): در آنجا بود که زکریا، (با مشاهدهٔ آن همه شایستگی در مریم)، پروردگار خویش را خواند و عرض کرد خداوندا، از طرف خود، فرزند پاکیزه‌ای (نیز) به من عطا فرما، که تو دعا را می‌شنوی.

۲. در حال نماز بود که مژده فرزنددار شدن را شنید: فَانَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ سَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ (آل عمران، ۳۹): و هنگامی که او در محراب ایستاده، مشغول نیایش بود، فرشتگان او را صدا زدند که خدا تو را به یحیی بشارت می‌دهد (کسی) که کلمهٔ خدا [مسیح] را تصدیق می‌کند و رهبر خواهد بود و از هوس‌های سرکش برکنار، و پیامبری از صالحان است.

۳. متحیر بود که چگونه در سن پیری صاحب فرزند شده است که پیام آمد تا سه روز جز ذکر خدا مگو و پیوسته به تسبیح پرداز: قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا زَمْزًا وَ اذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَ سَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ (آل عمران، ۴۱): (زکریا) عرض کرد پروردگارا، نشانه‌ای برای من قرار ده. گفت نشانهٔ تو آن است

که سه روز، جز به اشاره و رمز، با مردم سخن نخواهی گفت (و زبان تو، بدون هیچ علت ظاهری، برای گفت‌وگو با مردم از کار می‌افتد). پروردگار خود را (به شکرانه این نعمت بزرگ)، بسیار یاد کن و به هنگام صبح و شام، او را تسبیح بگو.

حضرت شعیب (ع)

آن قدر نماز در عملکرد این پیامبر می‌درخشید که مردم به او می‌گفتند: آیا نماز تو ما را از پرستش بت‌ها و این‌که هرگونه که دوست داریم در دارایی خود تصرف کنیم باز می‌دارد:

قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتِكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ (هود، ۸۷): گفتند ای شعیب، آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترک کنیم یا آنچه را می‌خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده‌ای هستی!

حضرت لقمان (ع)

حکمت‌های این شخصیت بزرگ و مربی حقیقی زبانزد است. جالب اینجاست که در صدر سخنان خود به فرزندش نماز را قرار می‌دهد:

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (لقمان، ۱۷): پسر، نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصایبی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است!

حضرت محمد (ص)

۱. رسول خدا فرمود: اولین چیزی که خداوند بر امتم واجب فرمود نماز بود، از این‌روست که می‌بینیم از روز اول بعثت نماز را به جماعت برگزار می‌کرد. دیری

نیائید که ابوجهل کمریست تا این نماز را تعطیل کند که آیاتی از سوره علق به آن اشاره دارد: **أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى (علق، ۹ و ۱۰):** آیا دیدی آن کس را که باز می‌داشت بنده‌ای را آن‌گاه که نماز می‌گزارد؟

۲. چون از مکه به سوی مدینه حرکت کرد نزدیک مدینه به روستای قبا رسید و منتظر ماند تا امیرالمؤمنین برسد. در همین چند روز مسجد قبا را ساخت و قرآن آن‌را این‌گونه توصیف می‌کند:

لَمَسْجِدَ أُسَسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ (توبه، ۱۰۸): مسجدی که از روز نخست بر پرهیزگاری بنیان شده شایسته‌تر است که در آنجا نماز کنی. در آنجا مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند، زیرا خدا پاکیزگان را دوست دارد.

۳. به محض ورود به مدینه به رغم کارهای فراوانی که داشت اولویت خود را ساختن مسجد قرار داد و مسجدالنبی را ساخت.

۴. با پیش آمدن جنگ‌ها، نماز و جنگ را درهم آمیخت و جنگی متفاوت از همه جنگ‌های دنیا را که آمیزه‌ای از حماسه و عرفان بود، به نمایش گذاشت، به‌طوری که خداوند او را موظف کرد در میدان جنگ در برابر دیدگان دشمن نماز را به جماعت برگزار کند:

وَ إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلَتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَ لِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَ لَتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَ لِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَ أَسْلِحَتَهُمْ (نساء، ۱۰۲): و هنگامی که در میان آن‌ها باشی و (در میدان جنگ) برای آن‌ها نماز را برپا کنی، باید دسته‌ای از آن‌ها با تو (به نماز) برخیزند و سلاح‌هایشان را با خود بگیرند و هنگامی که سجده کردند (و نماز را به پایان رساندند)، باید به پشت سر شما (به میدان نبرد) بروند و آن دسته دیگر که نماز نخوانده‌اند (و مشغول پیکار بوده‌اند) بیایند و با تو نماز بخوانند. آن‌ها باید وسایل

دفاعی و سلاح‌هایشان (را در حال نماز) با خود حمل کنند.

۵. به دلیل اهمیت نقش خانواده در تربیت دینی فرزندان، خداوند او را موظف کرد که خانواده‌اش را به نماز سفارش کند و بر این امر پایداری ورزد: **وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا** (طه، ۱۳۲): خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش.

امام رضا(ع) فرمود: پس از نزول این آیه پیامبر تا نه ماه هنگام هر نماز که می‌شد در خانه علی(ع) و دخترش حضرت فاطمه را می‌زد و نماز را یادآوری می‌فرمود (تفسیر صافی).

۶. و آن گاه که به حکومت رسید خداوند نماز را در صدر برنامه‌های حکومت صالحان قرار داد:

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج، ۴۱): همان کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست.

اسرار و آثار نماز

احکام دین و دستورات شریعت چون از جانب خدای حکیم صادر شده دارای حکمت و دلیل و فلسفه است و در قرآن و در رهنمودهای پیامبر و امامان به بسیاری از آن‌ها اشاره شده است و در طول زمان عالمان بزرگی مجموعه‌هایی تحت عنوان علل الشرائع تدوین نموده‌اند. بدیهی است که پرسشگری در نهاد هر انسانی است و دین پاسخ‌گوی پرسش‌های مردم است. البته نباید فراموش کرد که گاهی انگیزه پرسشگر دانستن و فهمیدن نیست بلکه قصد او انکار یک موضوع یا استهزاء و به سخریه گرفتن آن یا ایجاد شبهه و آلوده کردن افکار است، که نمونه‌های بسیاری از

این نوع پرسش‌ها در قرآن و احادیث به چشم می‌خورد. نکته دیگر این است که ما براساس عقل سلیم اصول اعتقادی خود را پذیرفته‌ایم و تسلیم دستورات الهی هستیم و به آن تعبد داریم و با این احساس به سراغ فلسفه احکام می‌رویم نه این که دربند فلسفه حکمی باشیم و تا آن را ندانیم عمل نکنیم، بلکه بیان اسرار و آثار احکام بصیرتی به ما می‌دهد تا با انگیزه‌ای بیشتر به احکام خدا پایبند باشیم.

اینک به برخی از آیات قرآن پیرامون حکمت‌ها و آثار نماز می‌پردازیم:

۱. نماز تشکر از خداست

قرآن کریم همه انسان‌ها را مخاطب قرار داده است و می‌فرماید به شکرانه این که خدا شما را آفرید، زمین را برایتان گسترد و آسمان را برافراشت و از آسمان برایتان باران فرستاد و گیاهان را برایتان رویاند تا رزق شما باشد، خدا را عبادت کنید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره، ۲۱ و ۲۲): ای مردم، پروردگار خویش را که شما و پیشینیان شما را آفریده بپرستید، باشد که پرهیزگار شوید. آن که زمین را برای شما بستری [گسترده] و آسمان را بنایی - سقفی برافراشته - ساخت و از آسمان آبی فرو آورد پس به آن [آب] از میوه‌ها روزی برای شما بیرون آورد، پس برای خدا همتایان قرار مدهید و خود می‌دانید [که خدا بی‌همتاست].

۲. نماز راه درست زندگی است

وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (یس، ۶۱): و این که مرا بپرستید، که این است راه راست.

۳. نماز نجات بخش در بحران ها و مشکلات است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (بقره، ۱۵۳): ای کسانی که ایمان آورده اید از صبر و نماز کمک بجوئید، که همانا خداوند با صابران است.

۴. نماز نهیب زننده و باز دارنده انسان از زشتی ها و بدی ها است

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (عنکبوت، ۴۵): و نماز را برپا دار، که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا می داند چه می کنی.

۵. نماز عامل قرب به خداست

وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ (علق، ۱۹): سجده نما و (به خدا) تقرب جوی.

نماز عامل اعتدال و بهداشت روان است

قرآن می فرماید: انسان به گونه ای است که وقتی سختی و مصیبت به او می رسد بی قراری و جزع و فزع می کند و چون به رفاه می رسد از دیگران دریغ می دارد، مگر نمازگزاران:

۱۷

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ (معارج، ۱۹ تا ۲۳): به یقین انسان، حریص و کم طاقت آفریده شده است؛ هنگامی که بدی به او رسد بی تاب می کند و هنگامی که خوبی به او رسد مانع دیگران می شود (و بخل می ورزد)، مگر نمازگزاران آن ها که نمازها را پیوسته به جا می آورند.

ویژگی‌های نماز مطلوب

راز این که بسیاری از ناکارآمدی نماز شکایت دارند این است که نمازی را که قرآن از ما خواسته انجام نمی‌دهیم، نمازی که قرآن از ما می‌خواهد دارای این خصوصیات است:

۱. با آگاهی و شناخت

از آغاز اذان تا پایان نماز اذکاری که به‌زبان جاری می‌کنیم حدود ۳۵ جمله است؛ جملاتی کوتاه با مضامینی بلند. نمازگزار باید پیوسته شناخت خود را نسبت به این اذکار افزایش دهد و نماز را با آگاهی و نه غفلت به‌جا آورد: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ** ... (نساء، ۴۳): ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا بدانید چه می‌گویید.

۲. با اخلاص و به‌دور از ریا

نیت رکن نماز است و نمازگزار از آغاز تا پایان باید توجه داشته باشد که قصدش از این کار جلب رضا و خشنودی خداست: **قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** (انعام، ۱۶۲): بگو نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من همه برای خداوند پروردگار جهانیان است.

قرآن کریم در سوره ماعون نمازگزار ریاکار را بی‌دین معرفی می‌کند: **الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ**: همان کسانی که ریا می‌کنند.

۳. با خشوع و احساس کوچکی

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (مؤمنون، ۱ و ۲): به راستی که مؤمنان رستگار شدند، (۱) همانان که در نمازشان فروتن‌اند.

۴. با حضور قلب

قرآن کریم نسبت به نمازگزارانی که سهل انگارند و در نماز حضور قلب ندارند به شدت هشدار می‌دهد:

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (ماعون، ۴ و ۵): پس وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافل‌اند.

۵. به جماعت

قرآن به زنان و مردان خداپرست فرمان می‌دهد که این فریضه را به جماعت بخوانید و پیامبر عزیز اسلام از روز اول با دو نفر (امیرالمؤمنین و حضرت خدیجه) نماز را به جماعت خواند:

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (بقره، ۴۳): و نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید (و نماز را با جماعت بگزارید).

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (آل عمران، ۴۳): ای مریم، خدای خود را با فروتنی فرمانبردار باش و با نمازگزاران سجود و رکوع کن.

۶. در وقت معین شده

قرآن می‌فرماید نماز واجبی است وقت‌دار و وقت جزء جوهره نماز است: إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا (نساء، ۱۰۳): نماز بر مؤمنان فریضه‌ای زماندار است تا نمازگزار بیاموزد که از وقتش بهترین استفاده را بکند و برای وقتش برنامه‌ریزی کند. آیات متعددی در قرآن می‌فرماید نماز را در این وقت‌ها بپادارید و فقیهان بزرگ ما می‌فرمایند نماز قبل از وقت باطل و نماز در اول وقت بهترین است. نماز با تأخیر ثواب کمتر دارد:

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهَبُ السَّيِّئَاتِ ذَٰلِكَ ذِكْرِي

لِلذَّكْرِينَ (هود، ۱۱۴): و نماز را در دو طرف روز و اوایل شب که نزدیک روز است برپا دار (نماز صبح را در نیمه اول روز و ظهر و عصر را در نیمه دوم آن و مغرب و عشا را در اوایل شب بخوان)، که به یقین نیکی‌ها (که نماز در رأس آن‌هاست) گناهان را از بین می‌برد (پلیدی گناه را از نفس، مفساد آن را از آفاق، سیاهی آن را از نامه عمل و استحقاق عذاب را از عامل می‌زداید)، این تذکری است برای یادکنندگان.

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا (اسراء، ۷۸): از اول زوال خورشید (از دائرة نصف النهار، درباره هر شخصی نسبت به محیط خود) تا نهایت تاریکی شب (تا نیمه آن) نماز را برپا دار (چهار نماز فريضة يومية: ظهر و عصر و مغرب و عشاء و بیست و یک رکعت نافله‌های آن‌ها را اقامه کن) و نیز قرآن صبح را (نماز صبح و نافله صبح را)، همانا قرآن صبح مشهود (فرشتگان شب و روز برای نوشتن آن) است.

همراهان نماز

غالباً نسخه طیب حاوی چند قلم داروست که اگر همه داروها با هم استفاده شود بهبودی حاصل می‌شود. خدای حکیم در کتاب خود نسخه‌های شفابخشی به انسان راهنمایی کرده که در صورت عمل به همه آن‌ها درمان می‌یابد. نتیجه این که چینش موضوعات در قرآن حکیمانه و معنادار است.

با بررسی‌هایی که به عمل آمده نماز در قرآن در کنار ۵۰ موضوع قرار گرفته است که به چند نمونه توجه می‌کنیم:

۱. سوره بقره، آیات ۳ تا ۵، اوصاف متقین را بیان می‌کند در این تصویر ایمان به غیب، نماز، انفاق، ایمان به قرآن، ایمان به کتاب‌های آسمانی و یقین به آخرت در کنار هم قرار گرفته‌اند:

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا

أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ: آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند و آنان که به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده، ایمان می‌آورند و به رستاخیز یقین دارند. آنان بر طریق هدایت پروردگارشان‌اند و آنان رستگاران‌اند.

۲. سوره مؤمنون، آیات ۱ تا ۹، اوصاف مؤمنین را به نمایش گذاشته و خشوع در نماز، دوری از بیهوده‌گویی، پرداخت زکات، پاکدامنی، امانتداری، وفای به عهد و در پایان پاسداری از نماز کنار هم چیده شده است. جالب این که در این مجموعه دوبار نماز را مطرح می‌کند. آری این نسخه شفابخش الهی است که نمازگزار نه تنها در اندیشه برگزاری نمازی خوب بلکه برای تمام رفتار، منش و اخلاق خود باید برنامه داشته باشد. چنین نمازگزاری چون آهن‌ربا مردم را به نماز مشتاق می‌کند:

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ: مؤمنان رستگار شدند آن‌ها که در نمازشان خشوع دارند و آن‌ها که از لغو و بیهودگی روی گردان‌اند و آن‌ها که زکات را انجام می‌دهند و آن‌ها که دامن خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند، تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوز گردند و آن‌ها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند و آن‌ها که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند.

نماز در نهج البلاغه

امیرالمؤمنین (ع) اولین نمازگزار و تجسم واقعی بندگی بود و با جمله فُزْتُ و

رب‌الکعبه در محراب عبادت جان نورانی‌اش به ملکوت پر کشید. رهنمودهای مولا درباره نماز در نهج‌البلاغه فراوان است، که به چند فقره آن می‌پردازیم:

۱. تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ وَ حَافِظُوا عَلَيْهَا وَ اسْتَكْثِرُوا مِنْهَا وَ تَقَرَّبُوا بِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا أَلَا تَسْمَعُونَ إِلَى جَوَابِ أَهْلِ النَّارِ حِينَ سُئِلُوا مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ وَ إِنَّهَا لَتَحْتَ الذُّنُوبِ حَتَّ الْوَرَقِ وَ تَطْلِقُهَا إِطْلَاقَ الرَّيْقِ وَ سَبَّهَهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِالْحَمَّةِ تَكُونُ عَلَى بَابِ الرَّجُلِ فَهُوَ يَغْتَسِلُ مِنْهَا فِي الْيَوْمِ وَ اللَّيْلَةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ فَمَا عَسَى أَنْ يَبْقَى عَلَيْهِ مِنَ الدَّرَنِ وَ قَدْ عَرَفَ حَقَّهَا رَجُلًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ لَا تَشْغَلُهُمْ عَنْهَا زِينَةُ مَتَاعٍ وَ لَا قُرَّةُ عَيْنٍ مَنْ وَلَدٍ وَ لَأَمَّا يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ رَجُلًا لَا تُلْهِمُهُمْ تِجَارَةً وَ لَا بَيْعَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) نَصَبًا بِالصَّلَاةِ بَعْدَ التَّبَشِيرِ لَهُ بِالْجَنَّةِ لِقَوْلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ أَمْرٍ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اضْطَرَّ عَلَيْهَا فَكَانَ يَأْمُرُ بِهَا أَهْلَهُ وَ يَصْبِرُ عَلَيْهَا نَفْسَهُ (خطبة ۱۹۰).

نماز را به پا دارید، محافظت آن را برعهده گیرید، زیاد به آن توجه کنید و فراوان نماز بخوانید و به وسیله آن به خدا تقرب جوئید، زیرا نماز «به عنوان فریضه واجب در اوقات مختلف شبانه‌روز بر مؤمنان مقرر شده است»، مگر به پاسخ دوزخیان در برابر این پرسش که «چه چیز شما را به دوزخ کشانیده است» گوش فرانداده‌اید که می‌گویند «ما از نماز گزاران نبودیم...»

نماز گناهان را هم‌چون برگ‌های پائیزی می‌ریزد و غل و زنجیرهای معاصی را از گردن‌های گشاید.

پیامبر (ص) «نماز را به چشمه آب گرمی که بر در خانه کسی باشد و شبانه‌روزی پنج بار خود را در آن شست‌وشو دهد تشبیه کرده است» که بدون تردید چرک و آلودگی در بدن چنین کسی باقی نخواهد ماند.

گروهی از مؤمنان که زینت و متاع این جهان و چشم روشنی آن؛ یعنی فرزندان

و اموال، آنان را به خود مشغول نداشته‌اند، حق نماز را خوب شناخته‌اند. خداوند سبحان می‌گوید: «مردانی هستند که تجارت و داد و ستد آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد».

رسول خدا(ص) بعد از بشارت به بهشت، خویش را در مورد نماز به تعب و مشقت انداخته بود، زیرا خداوند به او فرموده بود: «خانواده خویش را به نماز فرمان ده و در برابر آن شکیبا باش» لذا آن حضرت اهل بیت خود را به نماز امر می‌کرد و خود نیز در انجام آن شکیبایی داشت.

۲. در وصیت‌نامه‌ای که علی(ع) برای فرزندان و همهٔ دوستانش در طول تاریخ نوشته است به نماز توصیه می‌کند: **اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ**: خدا را خدا را در مورد «نماز» چرا که ستون دین شماست (نامهٔ ۴۸).

۳. به کارگزارانش نماز را به عنوان محور و ملاک کارها معرفی می‌کند: **صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْ قَتَلَهَا الْمُؤَقَّتِ لَهَا وَلَا تَعْجَلْ وَقْتَهَا لِفَرَاغٍ وَلَا تُؤَخِّرْهَا عَنْ وَقْتِهَا لِاسْتِعْجَالٍ وَاعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبَعٌ لِصَلَاتِكَ** (نامهٔ ۲۷):

نماز را در اوقات خودش به جای آر نه آن که به هنگام بیکاری در انجامش تعجیل کنی ... و به هنگام اشتغال به کار آن را تأخیر اندازی و بدان که تمام اعمال تابع نماز خواهند بود.

ذکر خدا

حجت الاسلام و المسلمین محمدرضا دهنرست

مدرس دانشگاه فرهنگیان

مقدمه

موضوع ذکر خدا، به یاد او بودن، او را حاضر و ناظر دانستن و اهمیت آن در زندگی عملی انسان‌ها، از موضوع‌هایی است بنیانی که نوع عملکرد همه ما به آن بستگی دارد. جالب آن است که این موضوع تقریباً در همه پایه‌های درس دین و زندگی آمده؛ چه مستقیم و چه غیرمستقیم. شایسته است همکاران دبیر ما برای تبیین موضوع در کلاس درس، پشتوانه و منبعی فراتر از کتاب درسی داشته باشند تا با دست پر در کلاس حاضر شوند. این مقاله شاید بتواند از عهده این کار برآید.

۲۴

کلیدواژه‌ها: یاد خدا، ذکر زبانی، ذکر قلبی، ذکر موجودات عالم

معنای لغوی و اصطلاحی

ذکرُ ذِکْرًا و ذِکْرًا، یعنی: به یاد آورد، یادآور شد، و دانست. ذکر به معانی متفاوتی

آمده است؛ مثل شهرت، آوازه، نام نیک، حمد و ثناء، شرافت، نماز و دعا کردن، صرف محکم و با ارزش و ... [بندریگی- ۱۷۲].

در اصطلاح، وقتی کسی به یاد چیزی است، آن را می‌داند و می‌شناسد، از آن یاد می‌کند و می‌فهمد که آن هست یا من نزد اویم، گوینده نسبت به آن «ذکر» دارد: ... و الذکر يقال اعتباراً باستحضاره و لحضور الشيء القلب أو القول... فمن الذكر، باللسان و ... من الذكر بالقلب و اللسان معاً [راغب اصفهانی، ۱۸۱].

از آن رو ذکر به معنی درک حضور آمده، برای حضور چیزی نزد قلب (باور) یا نزد زبان (در حد سخن فقط). گاهی ذکر چیزی فقط با زبان است و گاهی با دل و باور انسان نیز پیوند دارد.

با این تعریف، وقتی می‌گوییم ذکر خدا، یعنی گاهی خدا را به زبان یاد می‌کنیم و گاهی با توجهی عمیق و قلبی او را به یاد می‌آوریم و احساس می‌کنیم در حضور اویم. پس ذکر خدا یعنی به کار بردن کلماتی که به ما یادآور می‌شوند که او هست، او را ستایش می‌کنیم، و ما نزد اویم. این احساس و باور در مسیر زندگی ما می‌تواند بسیار نقش‌آفرین باشد.

نقطهٔ مقابل ذکر، «غفلت» است. یعنی از یاد بردن چیزی که هست و ما نزد او بوده‌ایم. زیرا خداوند در کریمهٔ ۲۴ سورهٔ کهف می‌فرماید: «و اذکر ربک اذا نسیت و قل عسی ان یهدین ربی لاقرب من هذا رشدا»: پروردگارت را یاد کن و بگو باشد که پروردگارم مرا به راهی نزدیک‌تر از این به صواب هدایت کند.

اهمیت ذکر خدا

ذکر خدا چه در مراحل مقدماتی مثل ذکر زبانی، و چه گامی فراتر، یعنی ذکر قلبی، و چه در درجه‌ای والا، یعنی ذکر عملی، انسان را از مرحلهٔ حیوانی جدا می‌کند و او را به مقام انسانی می‌رساند. ذکر تأثیر خارق‌العاده‌ای بر جان انسان می‌گذارد.

در آیات ۴۱ تا ۴۳ سورة «احزاب» می‌خوانیم: «یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکرًا کثیراً و سبحوه بکرهً و اصیلاً هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخر حکم من الظلمات الی النور و کان بالمؤمنین رحیمًا»: ای مؤمنین! خدا را بسیار یاد کنید و صبحگاه و شامگاه او را منزه دانید. هموست و فرشتگانش که به شما درود می‌فرستند تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آورند و خدا با باور داران مهربان است.

امام صادق (ع) در تفسیر آیه «ذکرًا کثیراً» می‌فرماید: «اذا ذکر العبد ربه فی الیوم مائه مرة کان ذلک کثیراً». هر گاه بنده، پروردگار خویش را روزی صد بار یاد کند، این معنای ذکر بسیار است [محدث قمی، ۳-۲۰۰].

بدیهی است که معنی صد بار یاد کردن از خدا فقط به معنی صد بار تکبیر گفتن نیست، بلکه حداقل صد بار بداند و یادآور شود که خدا مرا می‌بیند، من در حضور اویم و ادب حضور را باید رعایت کنم.

ذکر زبانی

ذکری است که در حد زبان بماند و به دل راه پیدا نکند. انسان به مصداق آن و مفهومی نیندیشد و فقط بر زبان براند. سؤال مهم این است که: «آیا ذکر زبانی به تنهایی و بدون اتصال و فهم درونی و قلبی، ارزش دارد یا نه؟»

محدث خبیر و کارشناس بزرگ احادیث، مرحوم عباس قمی، در کتاب پر قیمت «سفینه» نکته قابل ملاحظه‌ای در جواب این سؤال دارد: «اگر چه اصل ذکر، همان ارتباط قلبی است که به وسیله زبان ادا می‌شود و زبان وسیله‌ای برای بیان می‌گردد تا جایی که هر وقت می‌گوییم ذکر چیزی، بلافاصله ذهن ما به سوی ذکر زبانی می‌رود، با این حال ذکر زبانی به تنهایی فایده‌ای دارد و بدون امتیاز نیست. حداقل آن است که زبان از لغوگویی و بیهوده‌سرایی باز می‌ماند و به ذکر خدا مشغول می‌شود؛ و البته این فایده کمی نیست. با این وضع، زبان آدمی کم‌کم با یاد خدا مأنوس می‌شود یا

الفت پیدا می‌کند. به یاد خدا می‌شود (حتی بدون ارتباط و باور قلبی) و این به خودی خود یک ارزش است. ولی اینجا شیطان برای ضایع کردن این ارزش وارد عمل می‌شود و به او القا می‌کند که ذکر زبانی به تنهایی ارزش ندارد و آن را ترک کن! در اینجا ذاکر باید بفهمد که همین ذکرهای زبانی خودش امتیاز خوبی محسوب می‌شود و بکوشد که به آن‌ها معرفت یابد و مفاهیم والایش را درک کند و به قلب اتصال دهد. اگر سعی کرد و نتوانست ارتباط قلبی به آن دهد، حداقل این است که همان ذکر ظاهری زبانی را ترک نکند» [محدث قمی، ۳-۲۰۹].

مرحوم مولی احمد نراقی در «معراج السعاده» بعضی شرایط را ذکر می‌کند که اگر ذکرها با آن‌ها همراه باشند، بهتر و پرارزش‌تر می‌شوند؛ مثلاً:

۱. ذکر در شب‌های قدر، سحرگاهان و شب و روز جمعه باشد.

۲. ذکر با طهارت ظاهری همراه باشد.

۳. ذکر رو به قبله ارزش بیشتری دارد.

۴. ذکر را بلند نگوید، مگر آن را که شرع مقدس دستور به بلندگویی داده است (خیرالذکر الخفی).

۵. کمی فکر کند که چه می‌گوید و معنی ذکر را بفهمد.

۶. خوراک حلال خورده باشد و ذکر بگوید.

۷. با دهان خوش‌بو ذکر بگوید.

ذکر قلبی

آن است که انسان بداند و توجه کند، با زبان خود چه می‌گوید و دل، زبان را همراهی کند و انسان به آنچه بر زبان می‌راند، باورداشته باشد. مثلاً اگر تکبیر می‌گوید، واقعاً خدا را از همه چیز و همه کس بزرگ‌تر و با عظمت‌تر بداند و این باور در قلب وجودی او رسوخ کرده باشد.

رسول خدا (ص) فرمود: «اگر ذاکر این گونه باشد، بین اهل غفلت مانند درخت سبز در میان گیاهان خشک است و او که می‌فهمد چه می‌گوید و به آن باور دارد، مانند زنده‌ای میان مردگان است.»

و فرمود: «خدایم می‌فرماید: من همراه بنده‌ام هستم، زمانی که به یاد من است و دو لبش برای من حرکت می‌کند و دلش او را همراهی می‌نماید.»

و فرمود: «خدا به عیسی پسر مریم وحی فرمود: ای عیسی! در ذات و درونت مرا یاد کن تا در ذاتم تو را یاد کنم. دلت را برای من نرم کن تا رضایت مرا به کف آری. رضایت من به آن است که تملق کنان به سویم آیی. این گونه زنده باش و از مردگی پرهیز.»

در نتیجه ذکر قلبی آن است که با پوست و گوشت و خون آدمی آمیخته شده باشد و دل آن را همراهی کند. پس اگر انسان در این حال ذکر خدا بگوید، همه سلول‌های بدنش ذاکر است و همه عالم او را همراهی و مشایعت می‌کنند. زیرا داشتن معرفت نسبت به چیزی، ارزش آن را چند برابر می‌کند.

ذکر عملی

آن است که در صحنه‌های زندگی آدمی در مقام عمل به ظهور آید و خود را بنمایاند. مثلاً اگر به زبان «الله اکبر» می‌گوید، در قلب مقام تکبیر را بفهمد و باور داشته باشد و در صحنه عملی زندگی خدا را بزرگ شمارد و غیر از او هیچ‌کس را بزرگ نداند.

پس مقام ذکر عملی، لباس زیبا و سندسی شایسته برای ذکرهای زبانی و قلبی است که به آن‌ها پوشانده می‌شود. نشانه مهم ذکر عملی آن است که انسان را از حرام خدا دور و بتواند دست انسان را از نافرمانی حق کوتاه کند در صحنه‌های مقدماتی گناه و سرازیری سقوط، معصیت انسان را یادآور شود و چون ترمزی انسان را از

سراشویی سقوط از انسانیت نگه دارد.

رسول خدا (ص) فرمود: «یا علی! سه چیز است که عمل به آن بر مردم سنگین و سخت است... و یاد خدا در هر حال است. ولی یاد خدا تنها به گفتن «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» نیست، بلکه به آن است که اگر در برابر گناهی قرار گرفت، ذکر خدا وی را از ارتکاب به حرام باز دارد و آن نافرمانی از خدا را ترک گوید [محدث قمی، ۲۰۰۳].

اصبغ بن نباته، از اصحاب بزرگ امیرالمؤمنین علی (ع) است. وی گوید: «روزی امام به من توجه فرمود و گفت: ای اصبغ! می‌خواهی مقامی را به تو معرفی کنم که از ذکر خدا هنگام مصیبت هم بالاتر باشد؟

عرض کردم: بله یا امیرالمؤمنین!

فرمود: یاد خدا آن هنگام که انسان مقابل حرام قرار می‌گیرد، پس آن ذکر به قدری قدرت داشته باشد که بین انسان و صحنه گناه پرده و حایل شود و انسان را از زشتی در امان نگه دارد» [پیشین].

از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود:

«من اطاع الله فقد ذکر الله و ان قلت صلاته و صیامه و تلاوته للقرآن و من عصی الله فقد نسی الله و ان کثرت صلاته و صیامه و تلاوته للقرآن» [المیزان عربی، ۳۴۲/۱] هر که از خدا پیروی کند، خدا را یاد کرده است؛ حتی اگر نماز و روزه و قرآن خواندنش کم باشد (فقط به نماز واجب خود اکتفا کند). و هر که خدا را معصیت کند، او را از یاد برده است؛ حتی اگر نماز و روزه و قرآن خواندنش بسیار باشد.

فواید ذکر

۱. آمرزش گناه

والذین اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذکروا الله (آل عمران/۱۳۵).

آنان که هر گاه کار یا عمل بد کردند یا بر خویشتن ستم روا نمودند، خدا را یاد می کنند (و آمرزش می خواهند).

۲. نورانی شدن دل ها

انما المؤمنون الذين اذا ذكر الله وجلت قلوبهم (انفال/۲)
همانا مؤمنان آنان اند که هر گاه خدا یاد شود، دل هایشان جلا گیرد و نورانی شود.

۳. آرامش دل و رفع اضطراب

الا بذكر الله تطمئن القلوب (رعد/۲۸)
همانا با یاد خدا دل ها آرام گیرند.

۴. برای سالم سازی قلب و دفع شیطان

امام علی (ع) فرمود: «ذكر الله مطردة للشيطان»: یاد خدا موجب طرد شیطان است
[محمّدی ری شهری، ۵-۲۸۴].

شرایط تأثیر ذکر

۱. استمداد از خداوند و دعا کردن.

شرط اساسی و بنیانی تأثیر همه اذکار ظاهری و باطنی و قلبی آن است که انسان رو به جانب حق تعالی کند و از او بخواهد که ذکرها را به جان وی راه دهد و جانش را ظرف پاک و طاهری برای فرود آمدن معانی واقعی اذکار کند، آن گاه است که روح انسان مظهر اذکار می شود.

خداوند نیز وعده داده که اگر ذکر ت برای من باشد آن را مایه هدایت و سعادت قرار می دهم.

-والدین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین (عنکیوت/۶۹)
و کسانی که برای به دست آوردن خشنودی ما کوشیدند بی تردید آنان را به راه
رشد و مقام قرب راهنمایی می کنیم و یقیناً خدا با نیکوکاران است.

۲. طهارت باطنی، فکری و عقلی

۲/۱. نیت خالص

تائیت انسان از ذکر برای خدا خالص و پاکیزه نباشد، اذکار تأثیر چندانی در انسان
ندارد. قرآن مجید کیفیت عمل را بر کمیت آن مقدم می کند و درباره حضرات اهل
بیت (ع) که با نیتی خالص در راه خدا عمل کردند، می فرماید:
«انما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء و لا شکوراً» (دهر/۹): ما شما را فقط برای
خشنودی خدا غذا می دهیم و انتظار هیچ پاداش و سپاسی را از شما نداریم.
نقطه مقابل آن ریاکاری و درخواست اجر از مردم است که بسیار خطرناک محسوب
می شود و ارزش عمل را نابود و بی تأثیر می کند.

۲/۲. تقویت قوای عقلانی

بیان کردن یک سلسله اذکار و وردها و به زبان راندن آنها، اگر بدون پشتوانه
عقلی باشد، انسان را در مسیر حق قرار نمی دهد. مثلاً مداوم استغفار می کند، ولی
با بی عقلی در راه گناهان قدم می گذارد و به دیگران اجازه سوءاستفاده از خود را
می دهد. نشانه های حق را می بیند، اما در آنها تفکر نمی کند.
قرآن مجید انواع نعمت ها را می شمارد و در آخر آیه می فرماید: «افلا تعقلون؟» آیا
در این نعمت ها نمی اندیشید؟ معلوم می شود که در نعمت های خدا باید قوای عقلی
را به کار انداخت و منشأ وجود آنها را شناخت.

موانع ذکر

۱. موانع داخلی (که از درون انسان نشئت می گیرد)

مثل دلبستگی های دنیایی و مادی و علاقه مفراط به مال و صورت های زیبا و خانه های مجلل و مقام های اعتباری و دروغین دنیا:

● رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله و اقام الصلاة و ايتاء الزكاة يخافون يوماً تتقلب فيه القلوب و الابصار (نور/۲۷): مردانی که هیچ داد و ستد و خرید و فروشی ایشان را از یاد خداوند و بر پا داشتن نماز و پرداختن زکات باز نمی دارد، و از روزی که در آن دل ها و دیدگان دگرگون شوند، بیمناکند.

● یا ایها الذین آمنوا لا تلهکم اموالکم و لا اولادکم عن ذکرالله و من یفعل ذلک فاولئک هم الخاسرون (منافقون/۹):

ای کسانی که ایمان آوردید اموال و اولادتان شما را از یاد خداوند باز ندارد و کسانی که چنین کنند، آنان خود زیانکارند.

۲. موانع خارجی (که از بیرون انسان به سوی او هجوم می آورند و او را از یاد خدا

باز می دارند)

مثل ابلیس و شیاطین:

● انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوة و البغضاء فی الخمر و المیسر و یرصدکم عن ذکرالله و عن الصلاة... (مائده/۹۱): همانا شیطان می خواهد در پرداختن به شراب و قمار، بین شما دشمنی و کینه بیندازد و شما را از یاد خداوند و از نماز باز دارد.

● ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا... : (اعراف / ۲۰۱) پرهیزگاران هر گاه خیال شیطانی عارضشان شود، یاد خدا کنند...

ذکر موجودات عالم

در فرهنگ قرآنی، همه موجودات عالم ذکر خدا می گویند، اما هر کدامشان به زبان

خود. این یعنی ای انسان! گمان مبر که فقط تو با خدا رابطه داری، بلکه همهٔ عالم مطیع و فرمان‌بر اویند. مبدا تواز مسیر بندگی عقب بمانی!

قرآن و تسبیح موجودات

الف) بعضی آیات قرآن به‌طور کلی موجودات عالم را تسبیح‌گوی خدا می‌دانند؛
مثل:

- تسبیح له السماوات السبع و الارض و من فیهن [اسراء/۴۴]
- یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض [جمعه/۱]
- ب) بعضی آیات قرآن صنف و گروه معینی را در مقام ذکر بر می‌شمارند؛ از آن جمله است:

۱. ذکر ملائکه

- قالوا اتجعل فیها عن یفسد فیها و یسفک الدماء و نحن نسبح بحمدک [بقره/۳۰].
- و یشیح الرعد بحمده و الملائکه من خیفته [رعد/۱۳].
- ... و من عنده لا یشکرون عن عبادته و لا یشکسرون، یشبحون اللیل و النهار لا یفترون [انبیاء/۱۹ و ۲۰].
- و ترى الملائکه حافین من حول العرش یشبحون بحمد ربهم [زمر/۷۵].

۲. ذکر کوه‌ها

- و سخرنا مع داود الجبال یشبحن [انبیاء/۷۹].

۳. ذکر پرندگان

- الم تر ان الله یشیح له من فی السموات و الارض و الطیر صافات. [نور/۴۱]

۴. ذکر رعد

- و یسبح الرعد بحمده [رعد/۱۳]

اما با توجه به همه آیات، این سؤال مطرح می‌شود که ذکر موجودات چگونه است و به چه معناست؟

قبل از اینکه به طور مختصر به این مطلب بپردازیم، باید به این تذکر توجه کنیم که قرآن مجید قبل از هر چیز به طور صریح ما را متوجه می‌کند که شما نمی‌توانید معنا و مفهوم اصلی این ذکرها و زبان موجودات عالم را بفهمید:

- ما سمیعیم و بصیریم و هشیم/ با شما نامحرممان ما خاموشیم.

و ان من شیء الا یسبح بحمده و لكن لا تفقهون تسبیحهم [اسراء/۴۴]: همه موجودات عالم ذکر خدا می‌گویند و او را ستایش می‌کنند، ولی شما ذکر آنها را نمی‌فهمید.

ذکر خدا، کی و کجا؟

آیا برای ذکر خدا زمان و مکان معینی قرار داده شده است؟ آداب آن چیست؟ پیش از این در معنای اصطلاحی ذکر گفتیم که ذکر در معنای عام آن به معنی یادآوری و علم به بودن در محضر خداست. با این تعریف، انسان همواره باید در محضر حق باشد و نمی‌توان برای آن زمان مخصوصی در نظر گرفت. مگر می‌توان گفت که صبحگاه در یاد خدا باش ولی ظهرگاه به خود بپرداز؟

اما با نگاهی دیگر می‌توان گفت: این «به یاد بودن» نمادهایی دارد که در قالب‌های متفاوت به ما آموزش داده شده‌اند. مثلاً ما همواره با خدا ارتباط داریم، ولی در شبانه‌روز پنج‌بار این ارتباط را در قالب نماز که دستور مستقیم خدا در قرآن است، برقرار می‌کنیم. پس خواندن نماز (ارتباط مستقیم و بی‌واسطه با خدا) با ارتباط مداوم قلبی انسان با خدا منافات ندارد. همچنین انسان همواره باید یاد خدا باشد، ولی این یاد در قالب ذکرها یا کارهای مشخصی به ما آموزش داده شده‌اند. مثلاً به ما یاد

داده‌اند که روز را به تلاش و گذران زندگی بپرداز و مقداری از شب را استراحت کن و پاسی دیگر را نیز به تسبیح و یاد خدا بگذران. بدیهی است که این تسبیح شبانه با یادکرد خدا در روز منافاتی ندارد و تسبیح شبانه، قالبی از همان یاد روزانه است. با این حال، قرآن مجید به ما می‌فرماید: گرچه گاه ذکر خدا مهم‌تر است، ولی سراسر زندگی انسان باید به یاد او همراه باشد.

۱. زمان ذکر

گفتیم که ذکر، ساعت و روز معینی ندارد. قرآن برای اینکه به ما بفهماند همیشه باید به یاد خدا باشید،

فرموده: «و سیح بالعشی و الایکار» [آل عمران/۴۱]:

و شامگاهان و بامدادان، او را یادآور باش.

این صبح و شام کنایه از مداومت و همیشگی بودن تسبیح خداست. زیرا صبح و شام مرزهای ابتدا و انتهای یک روزند و گویی پروردگار به صراحت، انسان را به مداومت ذکر می‌خواند.

با این حال، بعضی اوقات در شبانه‌روز باب رحمت حق بازتر و عنایتش وسیع‌تر است. در ادامه به بعضی از این اوقات اشاره می‌کنیم:

الف) صبحگاه قبل از طلوع خورشید

- و سبج بحمد ربک قبل طلوع الشمس [طه/۱۲۰]
- و قبل از ظهور آفتاب صبحگاه، پروردگارت را بستای.

ب) قبل از غروب خورشید

- و قبل غروبها [طه/۱۲۰]
- و قبل از غروب خورشید (نیز پروردگارت را بستای).

ج) نیمه‌های شب

● یا ایها المزمّل. قم اللیل الاقلیلاً. نصفه اوانقص منه قلیلاً. او زد علیه و رتل القرآن ترتیلاً [مزمّل/۱ تا ۴]

ای مرد جامه به خود پیچیده! شب را زنده بدار، مگر اندکی از آن را، نیمه‌اش یا اندکی از نیمه کم‌نما، یا اندکی بر آن بیفزای و قرآن را شمرده و شیوا بخوان. و یا کریمه:

و من آناء اللیل فسیح [طه/۱۳۰].
و در پاس‌هایی از شب یاد خدا کن.

د) پس از هر نماز

فاذا قضیت الصلاة فاذکروا الله [نساء/۱۰۳].
چون نماز را به پایان بردید، یاد خدا کنید (و ذکر او بگویید).

۲. مکان ذکر

آدمی در همه جا باید یاد خدا کند، ولی خدا اراده کرده است بعضی جاها مقدس باشند و ذکر خود را در آنجاها بالارزش دانسته است. این مکان‌ها عبارت‌اند از:

الف) مساجد

● و مَنْ اظلم ممن منع مساجدالله ان یذکر فیها اسمہ [بقره/۱۱۴].
و کیست ستمکارتر از کسی که نگذارد نام خداوند در مساجد یاد شود؟

ب) جبهه‌های نبرد حق علیه باطل

بدیهی است رزمندگان اسلام و یاوران حق تعالی در اوج بحران‌ها و درگیری با کفر

و شرک، از همه بیشتر به یاد خدا نیازمندند.

● اذا لقيتم فئة فاثبتوا و اذكروا الله كثيرا [انفال/۴۵].

چون با گروهی از دشمن رو در رو شدید، ثابت قدم باشید و خداوند را بسیار یاد کنید

ج) مرقد انبیا، اولیا و امامان(ع)

خداوند اراده کرده است که مردم در خانهٔ انبیا، اولیا و امامان او تجمع کنند و ذکر حق بگویند. این ذکر خدا در این خانه‌ها ارزش مضاعفی دارد. شاید معنای این توصیه آن باشد که توحید واقعی در مسیر توجه و محبت اولیای خدا معنای صحیح پیدا می‌کند و توسل به این مردان و زنان الهی، راه دل را برای نورانی شدن و توحیدی ماندن هموار می‌سازد.

● فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذكر فیها اسمہ یسبح له فیها بالغدو و الآصال [نور/۳۶].

(چراغ پر فروغ نور الهی) در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده است، دیوارهای آن را بالا ببرند (تا از دستبرد شیاطین و هوس‌بازان در امان باشد)؛ خانه‌هایی که نام خدا در آن‌ها برده شود و صبح و شام در آن تسبیح گویند.

د) مناسک حج بیت‌الله

● فاذا افضتم من عرفات فاذكروا الله عند المشعر الحرام [بقره/۱۹۸].

و چون از عرفات کوچ نمودید (بهتر است) در مشعرالحرام خداوند را یاد کنید. شاید این دستور کنایه از آن باشد که محرم با بستن احرام دست از مادیات و دنیا شسته و به‌سوی معنویت و خداخواهی روی آورده است. پس شایسته است که در این مسیر، به فکر خودخواهی، ماده‌پرستی و منفعت‌طلبی نباشد و یاد خدا بزرگ‌ترین

انرژی معنوی برای ادامهٔ حیات روحانی اوست.

کیفیت ذکر

در سفارش‌های اسلامی و آیات قرآن، و آنچه از دستورات رهبران عارف و آسمانی به ما رسیده، فهمیده می‌شود که ذکر زبانی باید (تا جایی که مقدور است) بی‌صدا و مخفیانه باشد و ذکر قلبی باید با حضور تام و دور از غوغای مادی و عادی انجام گیرد.

۱. حالت ذکر زبانی آرام و بی‌صدا

● وا ذکر ربک فی نفسک تضرعاً و خیفهً و دون الجهر من القول [اعراف/۲۰۵].
و پروردگارت را در دلت به زاری و ترس و بدون بانگ برداشتن یاد کن.
از این کریمه فهمیده می‌شود، ذکر باید با زاری و خضوع و دل‌شکستگی و تمنا همراه باشد و بدون سر و صدا و ظاهرسازی انجام گیرد. شاید برای همین است که وقتی مؤمن، بهترین ذکر، یعنی «لا اله الا الله» را می‌گوید، اصلاً لبانش تکان نمی‌خورد و کسی ذکر گفتن او را نمی‌فهمد (اگرچه اگر بفهمد هم اشکالی ندارد).

۲. ذکر مأثور

واژه «مأثور» از ریشهٔ «أثر»، در اینجا به معنی ذکر است که از ناحیهٔ شرع مقدس آمده باشد و ساخته و پرداختهٔ خود ما نباشد. برخی از این اذکار در قرآن مجید آمده‌اند و برخی از دستورات روایی و از متن سنت حضرات معصومین (ع) استخراج شده‌اند که البته نیاز به کارشناسی و تشخیص تخصصی دارند. با این تعریف، صادر کردن نسخه‌های خودساخته برای اذکار مختلف و تحویل به مردم، بدعت و خطرناک است و گام نهادن در مسیر سیر و سلوک باید مطابق دستور شرع مقدس و دقیقاً براساس مسیر قرآن و اهل بیت (ع) باشد.

چرا باید نماز را به عربی بخوانیم؟

حسن حسین زاده طاهر

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، ناحیه دو همدان

یکی از پرسش‌هایی که برخی درباره نماز مطرح می‌کنند، این است که چرا نماز باید به زبان عربی خوانده شود. در ادامه هم انتقاد می‌کنند که خواندن نماز به زبان عربی، در کسانی که زبان مادری آنان عربی نیست و معنای اذکار آن را نمی‌دانند، روحیه مناجات، نیایش و معنویت را به وجود نمی‌آورد.

حال که این‌طور است، بهتر نیست همان‌گونه که عرب‌ها نماز را به عربی می‌خوانند، دیگران هم به زبان خودشان بخوانند؟ مثلاً فارس‌زبان‌ها به زبان فارسی، ترک‌زبان‌ها به زبان ترکی، انگلیسی‌زبان‌ها به زبان انگلیسی و...؟

پاسخ نخست

همان‌گونه که می‌دانید، اسلام خواسته است مسلمانان سراسر جهان به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی به صورت یک ملت و امت واحد باشند تا بتوانند استقلال، عزت و اصالت خود را حفظ کنند. با توجه به اینکه «وحدت» از ارکان امت

اسلامی است، باید عواملی برای تقویت پیوند میان مسلمانان پیش‌بینی شود. یکی از این عوامل، یک رنگ بودن و یک‌جور بودن در برخی عبادات، از جمله «نماز» است که اصلی‌ترین عبادت مسلمانان محسوب می‌شود.

اگر قرار شود که مسلمانان هر کشور و شهری به زبان خود (انگلیسی، فارسی، ترکی، عربی و...) نماز بخوانند، مسلمان اهل انگلیس یا ایران، هنگامی که به حجاز مسافرت کند و به یکی از مساجد وارد شود، خود را کاملاً غریبه احساس می‌کند. این مشکل حتی در کشورهایی که مردمان آن دارای گویش‌های متفاوت‌اند و با لهجه‌های متفاوت یک زبان حرف می‌زنند نیز وجود خواهد داشت. لذا هنگامی که مسلمانی عرب‌زبان، مثلاً به ایران یا ترکیه برود، در مساجد آن‌ها با قرائت نمازش آشنایی نخواهد داشت و نمی‌تواند در نماز جماعت آنان شرکت کند.

همچنین است اذان که هدف از آن اعلام وقت نماز است. اگر اذان مثلاً به زبان فارسی باشد، چنانچه مسلمانی عرب‌زبان یا انگلیسی‌زبان به ایران مسافرت کند و بخواهد بداند آیا وقت نماز شده است یا نه، تشخیص نخواهد داد که آنچه خوانده می‌شود، اذان است یا آواز. در حالی که همین آشنایی لفظی با اذان و نماز باعث می‌شود که هر مسلمانی به هر یک از ممالک اسلامی که برود، بتواند در مسجد حاضر شود و نمازش را بخواند؛ یعنی اذان و نماز برای او همان مفهومی را خواهد داشت که در کشور خود دارد.

از طرف دیگر، نماز یکسان و با یک زبان مشترک سبب می‌شود هر مسلمانی در هر کشوری که باشد احساس غربت نکند، بلکه با سایر مسلمانان احساس اشتراک، برادری و وحدت داشته باشد.

پاسخ دوم

علاوه بر پاسخ بالا، مسئله دیگر مسئله نماز جماعت و نماز جمعه است. امام

جماعت و جمعه نماز را به چه زبانی بخواند که برای مأمومین قابل فهم باشد؟ به عربی، ترکی، انگلیسی یا ... همچنین در مراسم بزرگ حج چه باید کرد؟ هر سال صدها هزار مسلمان از سراسر جهان در ایام حج واجب در مکه و مدینه گرد هم می آیند. آنجا نمازها به چه زبانی باید خوانده شود؟

بنابراین بهتر است نماز، اذان و اقامه - که اعلام عمومی برای نماز است - به یک زبان عمومی اسلامی باشد که همه آن را بفهمند و این زبان همان زبان قرآن، یعنی زبان عربی، است.

پاسخ سوم

نماز، که بخشی از آن را سوره‌ها و آیات قرآن تشکیل داده است، به زبان عربی است و همان‌طور که می‌دانید، ترجمه آیه یا یک عبارت در بسیاری از موارد، انتقال‌دهنده معنای دقیق کلمه یا عبارت مورد نظر نیست. برای مثال، اگر «بسم الله الرحمن الرحیم» را «به نام خداوند بخشنده مهربان» ترجمه کنیم، ترجمه قابل قبولی ارائه نداده‌ایم؛ زیرا:

الف) «الله» اسم عَلَمِ (خاص) خداوند است که مسلمانان به ذات خداوند متعال اطلاق می‌کنند و اسم خاص را نمی‌توان ترجمه کرد. مثلاً اگر اسم کسی «حسن» باشد، نمی‌توان به او گفت «نیک»؛ هرچند ترجمه حسن «نیک» است. اگر هم به آقای حسن بگوئیم آقای نیک خوشش نمی‌آید.

ب) «رَحْمَن» یکی از صفات خداوند است که رحمت و بخشنندگی خداوند را در این دنیا، هم بر مؤمن و هم بر کافر شامل می‌شود. در حالی که ترجمه آن به «بخشنده»، این شامل بودن را نمی‌رساند.

ج) «رَحیم» نیز یکی از صفات خداوند است که براساس آن در آخرت فقط بر مؤمنان رحم می‌کند و ترجمه آن به «مهربان»، ترجمه کاملی نیست.

بنابراین، اگر تنها در ترجمه آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» این همه ظرافت وجود داشته باشد، مطمئناً در صورت پرداختن به ترجمه آیات و عبارات دیگر نماز، پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های بیشتری را مشاهده خواهیم کرد.

صحيح	اشتباه
حَمْد: ستایش	هَمْد: مُردن، خاموش شدن
نَسْتَعِين: یاری می‌جوییم	نَسْتَيْن: طلب وقت می‌کنیم
ضَالِّين: گمراهان	زَالِّين: ریخته‌شدگان، به لرزه افتادگان، لغزندگان
عَظِيم: بزرگ	عَزِيم: دشمن سرسخت، اراده‌کننده
صَلِّ: درود فرست	سَلِّ: تسلیت بگو، شمشیر بکش
صَمَد: بی‌نیاز	سَمَد: ایستاده متحیر

چرا باید نماز را صحيح بخوانيم؟

۱. هر کدام از ما در گفت و شنودهای روزانه سعی می‌کنیم با مخاطبان خود به‌طور صحيح و شایسته سخن بگوییم. هر اندازه مخاطب نزد ما محترم‌تر و عزیزتر باشد، تلاش می‌کنیم کلمات را صحيح‌تر بر زبان جاری و جملات را به شکل زیباتری بیان کنیم. حال اگر مخاطب ما خداوند متعال و آن هم در حال نماز باشد - به دلیل مهربان بودن او و عشق و علاقه‌ای که بنده نیازمند به او دارد - طبیعتاً باید سعی کنیم با او به صحيح‌ترین شکل ممکن صحبت کنیم و کلمات و جملات نماز را درست بخوانیم تا رضایت خاطرش را فراهم آوریم.

۲. لازم است بدانید که جابه‌جا کردن تلفظ حروف در کلمات عربی و یا تغییر حرکت آن‌ها باعث تغییر معنای کلمات می‌شود و یا کلمه را بی‌معنا می‌کند. حال اگر در گفتن اذکار نماز به این موضوع توجه نکنیم، چه بسا معنای جمله‌ها، عبارت‌ها

و ذکرهای نماز تغییر کند و این سهل انگاری و بی توجهی با روح نماز - که اعلام بندگی به درگاه خداوند است - سازگاری ندارد.

برای آگاهی از اهمیت این موضوع، چند کلمه از کلمات نماز ارائه می شود تا ملاحظه کنید که تلفظ اشتباه آن ها تا چه میزان موجب تغییر معنا می شود.

صحیح خواندن نماز از نظر مراجع

هر کدام از ما مسلمانان در انجام امور عبادی و فروع دین، و از جمله در احکام مربوط به نماز، مقلد یکی از مراجع بزرگوار تقلید هستیم. جا دارد در زمینه ضرورت صحیح خواندن نماز چند مسئله از «توضیح المسائل» مراجع معاصر تقدیم شما نمازگزاران گرامی شود.

۱. مسئله ۱۹۹۷

انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که به هیچ قسم نمی تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می تواند بخواند^۱ و احتیاط مستحب آن است که نماز را به جماعت به جا آورد.

۲. مسئله ۲۹۹۸

کسی که حمد و سوره و چیزهای دیگر نماز را به خوبی نمی داند و می تواند یاد بگیرد، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، باید یاد بگیرد و اگر وقت تنگ است،^۲ بنا بر احتیاط واجب^۳ در صورتی که ممکن باشد، باید نمازش را به جماعت بخواند.

۳. مسئله ۱۰۰۰۶

اگر یکی از کلمات حمد یا سوره را نداند^۴ یا عمداً آن را نگوید، یا به جای حرفی

حرف دیگری را بگوید، مثلاً به جای «ض»، «ظ» بگوید^۸ - یا جایی که باید بدون زیر و زیر خوانده شود، زیر و زیر بدهد یا تشدید را نگوید، نمازش باطل است^۹.

۴. مسئله ۱۴۵۹

امام جماعت باید... نماز را به طور صحیح بخواند...

۵. مسئله ۱۰۰۲

اگر زیر و زیر کلمه‌ای را نداند^{۱۱} باید یاد بگیرد ولی اگر کلمه‌ای را که وقف کردن آخر آن جایز است همیشه وقف کند، یاد گرفتن زیر و زیر آن لازم نیست و نیز اگر نداند مثلاً کلمه‌ای به «س» است یا به «ص»، باید یاد بگیرد و چنانچه دو جور یا بیشتر بخواند، مثل آنکه در «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، «مُسْتَقِيمَ» را یک مرتبه با «سین» و یک مرتبه با «صاد» بخواند، نمازش باطل است؛ مگر آنکه هر دو جور قرائت شده باشد و به امید رسیدن به واقع بخواند.

فتوای مقام معظم رهبری

واجب است همه ذکرهای واجب نماز از قبیل قرائت حمد، سوره و غیر آن به طور صحیح قرائت شود و اگر نمازگزار کیفیت تلفظ کلمات عربی را نمی‌داند، واجب است یاد بگیرد و اگر قادر به یادگیری نیست، معذور است (اجوبه الاستفتائات: ۱۰۲)

رساله اجوبه الاستفتائات

کسی که قرائت خود را صحیح نمی‌داند، باید در صورت تمکن (توانا شدن)، برای یادگیری قرائت صحیح اقدام کند. (ترجمه فارسی، ص ۱۰۱)

پی‌نوشت‌ها

۱. این مسئله در رساله مظاهری ذکر نشده و در رساله حضرات سیستانی و مکارم شیرازی به‌صورت زیر آمده است:
سیستانی: انسان باید قرائت نماز را صحیح بخواند و کسی که به هیچ قسم نمی‌تواند همه سوره حمد را صحیح بخواند، باید به همان نحو که می‌تواند بخواند. اگر مقداری را که صحیح می‌خواند معتنابه (قابل توجه) باشد، ولی آن مقدار ناچیز باشد، باید بنابر احتیاط واجب مقداری از بقیه قرآن را که می‌تواند صحیح بخواند، به آن ضمیمه کند و اگر نمی‌تواند، باید تسبیح را به آن ضمیمه کند اما کسی که نمی‌تواند به کلی سوره را صحیح بخواند، لازم نیست چیزی عوض آن بخواند و در هر صورت احتیاط مستحب آن است که نماز را به جماعت به‌جا آورد.
- مکارم شیرازی: باید قرائت و ذکر نماز را صحیح بخواند و اگر نمی‌داند، (باید) یاد بگیرد اما کسانی که نمی‌توانند تلفظ صحیح را یاد بگیرند، باید همان‌طور که می‌توانند بخوانند و برای چنین اشخاصی بهتر است که تا می‌توانند نماز خود را به جماعت به‌جا آورند.
۲. صافی گلپایگانی: ... بخواند و احتیاط لازم آن است که نماز را به جماعت به‌جا آورد، مگر آنکه بر او خرج باشد.
۳. این مسئله در رساله مظاهری ذکر نشده و در رساله حضرات سیستانی و مکارم شیرازی به‌صورت زیر آمده است:
سیستانی: کسی که حمد را به‌خوبی نمی‌داند، باید سعی کند وظیفه خود را انجام دهد؛ چه با یاد گرفتن یا تلقین باشد و چه با اقتدا در جماعت یا تکرار نماز در مورد شک باشد. و اگر وقت تنگ شده است. چنانچه نماز را به‌طوری که در مسئله ۹۹۷ گفته شد، بخواند، نمازش صحیح است. ولی در صورتی که در یاد گرفتن کوتاهی کرده باشد، اگر ممکن باشد برای فرار از عقوبت، نمازش را به جماعت بخواند.
- مکارم شیرازی: کسی که در یادگرفتن قرائت و ذکر نماز کوتاهی کرده، نمازش باطل است و اگر وقت تنگ شده، احتیاط واجب آن است که با جماعت نماز بخواند و اگر دسترسی به جماعت ندارد، نمازش در تنگی وقت صحیح است.
۴. عبارت «بنابر احتیاط واجب» در رساله تبریزی ذکر نشده است.
- بیهجت: ... وقت تنگ است دو صورت دارد: الف) اگر در یاد گرفتن کوتاهی کرده، در صورتی که عسر و حرج (سختی و مشقت) نباشد، بنابر اظهار باید نمازش را به جماعت بخواند، یا کسی بخواند و او هم همراه او بخواند. یا اگر ممکن است از روی نوشته‌ای بخواند. ب) اگر کوتاهی نکرده است، بنابر احتیاط مستحب این کارها را انجام دهد: اگر کسی از قرآن هیچ نمی‌داند - به مقداری که واجب است در نماز قرآن بخواند - تسبیح و تهلیل (لا اله الا الله گفتن) و تکبیر می‌گوید.
۵. نوری همدانی: ... باید نمازش را به جماعت بخواند، مگر اینکه به او عسر و حرج و مشقت باشد.
۶. این مسئله در رساله مظاهری ذکر نشده است.
۷. مکارم شیرازی: ... سوره یا ذکرهای دیگر نماز را نداند، یا زیر و زبر آن را غلط بخواند، یا حرفی را به حرف دیگر تبدیل کند، مثلاً به جای «ض»، «ز» بگوید، به‌طوری که از نظر لغت عرب غلط باشد، نماز او باطل است.
- سیستانی: ... سوره را عمداً یا از روی چهل تقصیری نکوید یا به جای حرفی حرف دیگر بگوید، مثلاً به جای «ض»، «ذ» یا «ز» بگوید، یا زیر و زبر حروف را رعایت نکند، به‌گونه‌ای که غلط شمرده شود، یا تشدید را نکوید، نماز او باطل است.
۸. بیهجت: ... بگوید به‌طوری که در زبان عربی بگویند، آن حرف را تلفظ نکرده و موافق هیچ یک از قرائت‌های هفت‌گانه نباشد، یا جایی که باید ...
۹. بیهجت: ... باطل است بنا بر احتیاط.
۱۰. این مسئله در رساله حضرت مکارم شیرازی و مظاهری ذکر نشده است.
۱۱. سیستانی: ... کلمه‌ای را نداند یا نداند مثلاً کلمه‌ای به «ه» است یا به «ح»، باید وظیفه خود را به نحوی انجام دهد. مثلاً یاد بگیرد، یا به جماعت بخواند یا آن را دو جور یا بیشتر بخواند که یقین کند صحیح آن را خوانده است. ولی در این صورت نماز او بر فرضی صحیح است که آن جمله غلط باز هم قرآن یا ذکر به‌حساب بیاید.
- تبریزی: ... کلمه‌ای را نداند یا نداند مثلاً کلمه‌ای به «س» است یا به «ص»، باید یاد بگیرد و چنانچه دو جور یا بیشتر بخواند، مثل آنکه در «اهدنا الصراط المستقیم»، «مستقیم» را یک مرتبه با «صاد» و یک مرتبه با «سین» بخواند، نمازش باطل است ولی اگر آن کلمه را که دو جور خوانده‌از اذکار نماز باشد و غلط خواندنش از ذکر بودن خارج نشود، نماز صحیح است.
- صافی گلپایگانی: ... کلمه‌ای را نداند یا نداند مثلاً کلمه‌ای به «س» است یا به «ص»، باید یاد بگیرد و چنانچه دو جور یا بیشتر بخواند، مثل آنکه در اهدنا الصراط المستقیم، «مستقیم» را یک مرتبه با «صاد» و یک مرتبه با «سین» بخواند، نمازش باطل است.

xxx

مکارم شیرازی - مسئله: لازم نیست آنچه علمای تجوید برای بهتر خوانی قرآن ذکر کرده‌اند رعایت کند بلکه لازم است طوری بخواند که بگویند عربی صحیح است؛ هرچند رعایت دستورات تجوید بهتر است.

منابع

۱. الموسوی الخمينی، روح الله، ترجمه تحریر الوسیله (جلد اول)، دفتر انتشارات اسلامی. قم.
۲. حسین زاده طاهر، حسن؛ روخوانی، روان خوانی و تجوید آسان. برکت کوثر. همدان، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۳. خامنه‌ای، سیدعلی، ترجمه فارسی رساله اجوبه الاستفتائات. الهدی، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۸۸.
۴. راشدی، لطیف و سعید راشدی. رساله توضیح المسائل نه مرجع. پیام عدالت. چاپ پنجم. تهران، ۱۳۸۸.
۵. علامی، ابوالفضل. آموزش صحیح و زیبا خواندن نماز. هجرت، چاپ اول، قم، ۱۳۸۶.
۶. رساله اجوبه الاستفتائات، ترجمه فارسی، چاپ پانزدهم.

چگونه دانش‌آموزان را به نماز علاقه‌مند کنیم؟

مجید رضا نوروزی

معلم پژوهنده دبیرستان‌های شهرستان بروجرد

اشاره

وقتی که در «دبیرستان پسرانه شهید مطهری» (دوره اول) ابلاغ تدریس درس پیام‌های آسمان به من داده شد، تصمیم گرفتم که درباره ستون دین، یعنی نماز، اقدامات مفید، مؤثر و عملی انجام دهم. چون در آیات قرآن و احادیث درباره اهمیت نماز تأکیدات زیادی شده است. حتی قبولی اعمال خوب و نیک ما در قیامت به قبولی نماز منوط شده است. همچنین، درباره اهمیت نماز اول وقت و در مسجد و آن هم به جماعت بسیار روایت و حدیث داریم. با توجه به این همه تأکیدات درباره نماز خواندن و به‌خصوص نماز خواندن در مسجد که در مساجد نمازها در اول وقت و به جماعت خوانده می‌شوند، تصمیم گرفتم که امسال موضوع اقدام پژوهی خودم را به این موضوع حساس و مهم و سرنوشت‌ساز اختصاص بدهم.

دبیرستان شهید مطهری دو کلاس نهم به تعداد ۷۳ نفر دانش‌آموز دارد. مدرسه در

نزدیکی حرم مطهر امامزاده جعفر (علیه السلام) قرار گرفته است. مدیریت مدرسه به عهده آقای محمدرضا باجلان است و ایشان سه معاون دارد: معاون پرورشی مدرسه، آقای محمود بهاری؛ معاون آموزشی مدرسه، آقای سعید فراشی؛ و معاون اجرایی آقای پیام گودرزی منش.

ابتدا باید وضعیت نماز و نمازخوان‌ها را در مدرسه بررسی می‌کردم. پرسش‌نامه‌ای را با هماهنگی مدیر مدرسه، معاون پرورشی، شورای معلمان و کارشناسان تعلیم و تربیت شهرستان بروجرد آماده کردم، تا وضعیت موجود در خصوص نماز و نمازخوان‌ها را در مدرسه بدانم و سپس بتوانم با توجه به آن، اقدامات مؤثری را در مورد بهبود و یا احیاناً تغییر وضعیت موجود انجام دهم.

از آنجا که دانش‌آموزان پایه نهم در مرز بلوغ شرعی و انجام واجبات، از جمله نماز خواندن قرار دارند، تصمیم گرفتم بین دو کلاس سال نهم دبیرستان شهید مطهری، این پرسش‌نامه‌ها را توزیع کنم. پرسش‌نامه‌ها را توزیع و پس از تکمیل آن‌ها توسط دانش‌آموزان، جمع‌آوری کردم.

گردآوری اطلاعات (شواهد ۱)

پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، نتایج زیر از بین ۷۳ نفر دانش‌آموز پسر پایه نهم به‌دست آمد که پاسخ‌های داده شده به هر سؤال را به‌صورت دسته‌بندی شده، در جدول‌های زیر می‌بینید.

سؤال ۱: چند سال دارید؟

سؤال ۲: من نماز می‌خوانم: بله □ خیر □

سؤال ۳: در صورتی که نماز می‌خوانید، دلایل آن را بنویسید.

از آنجا که جواب این سؤال به‌صورت تشریحی در پرسش‌نامه نوشته شده بود، بنابراین من دلایلی را که برای نماز خواندن نوشته بودند، از تک تک پرسش‌نامه‌ها

استخراج و دسته‌بندی کردم.

البته لازم به ذکر است تعدادی از دانش‌آموزان نیز که نماز می‌خوانند، دلیلی برای نماز خواندن خود ذکر نکرده بودند.

مهم‌ترین دلایلی که برای نماز خواندن خودشان نوشته بودند به صورت زیر است:

۱. برای جلب رضای خدا نماز می‌خوانم.
۲. برای رسیدن به بهشت نماز می‌خوانم.
۳. چون دوست دارم با خدا حرف بزنم.
۴. چون درهای بهشت را باز می‌کند.
۵. چون نماز ستون دین است.
۶. چون واجب دینی است.
۷. چون نماز تشکر از خداست، به خاطر نعمت‌هایی که به ما داده است.
۸. برای بهره‌مند شدن از رحمت خدا نماز می‌خوانم.
۹. به‌خاطر نزدیک شدن به خدا و دور شدن از گناه و شیطان.
۱۰. چون پدر و مادرم و کل فامیل ما نماز می‌خوانند، من هم نماز می‌خوانم.
۱۱. به‌خاطر اینکه به راه کج نروم و به راه راست هدایت بشوم.
۱۲. تکلیف الهی است.
۱۳. باعث موفقیت انسان می‌شود.
۱۴. چون نماز کلید بهشت است.
۱۵. دوست دارم.
۱۶. ثواب دارد.
۱۷. چون آرامش پیدا می‌کنم.
۱۸. چون از بی‌چگی نماز خوانده‌ام و عادت کرده‌ام.
۱۹. چون می‌خواهم در آن دنیا دستم خالی نباشد و به جهنم نروم.

۲۰. به خاطر برکت و روزی.

۲۱. پدرم می گوید اگر نماز نخوانی از خانه بیرون می کنم.

سؤال ۴. در صورتی که نماز نمی خوانید دلایل آن را بنویسید.

دلایلی که برای نماز نخواندن در پرسش نامه نوشته شده بود، به قرار زیر است:

۱. به خاطر استفاده از گوشی تلفن همراه فرصت نمی کنم.

۲. حال نماز خواندن ندارم.

۳. وقتی نماز می خوانم، سرم گیج می رود.

۴. چون وقت ندارم نماز بخوانم.

۵. بلد نیستم نماز بخوانم و خجالت می کشم بپرسم.

۶. چون از کودکی یاد نگرفته ام و الان برایم سخت است که بخوانم.

۷. حوصله ندارم.

۸. تنبل هستم و تنبلی می کنم.

۹. چون بعد از مدرسه به مغازه پدرم می روم و به او کمک می کنم، وقت نمی کنم نماز بخوانم.

۱۰. به خاطر بازی های رایانه ای و استفاده از رایانه، وقت ندارم نماز بخوانم.

۱۱. انگیزه ای برای نماز خواندن ندارم.

۱۲. دلیل خاصی ندارد.

۱۳. خدا به نماز ما نیازی ندارد و چون مهربان است ما را می بخشد.

۱۴. چون باشگاه ورزشی می روم و بعدش که می آیم خسته هستم.

۱۵. علاقه ای به خواندن نماز ندارم.

برخی از دانش آموزان نیز دلیلی برای نماز نخواندن خود ننوشته بودند.

سؤال ۵. آیا پدرتان نماز می خواند؟ ☐ خیر ☐ بله

سؤال ۶. آیا مادرتان نماز می خواند؟ ☐ خیر ☐ بله

سؤال ۷. در صورتی که پدر یا مادر تان نماز می‌خواند، دلیل آن را بنویسید.
مهم‌ترین دلایلی که برای نماز خواندن پدر یا مادر خودشان ذکر کرده بودند، به شرح زیر است:

۱. برای رضای خدا.
۲. به دلیل ثواب.
۳. برای افزایش روزی و برکت خانواده.
۴. پدرم می‌گوید برای آرامش خودش نماز می‌خواند.
۵. چون نماز واجب است.
۶. به خاطر اینکه خدا از تقصیراتمان بگذرد.
۷. چون خانواده‌شان مذهبی و نمازخوان بودند.
۸. چون به خدا اعتقاد دارند.
۹. برای ثواب آخرت آن.
۱۰. چون کلید بهشت است.
۱۱. چون خداوند و پیامبرش گفته‌اند.
۱۲. برای رسیدن به بهشت.
۱۳. رهایی از عذاب الهی.

سؤال ۸. در صورتی که پدر یا مادر تان نماز نمی‌خواند دلایل آن را بنویسید.
برخی از دانش‌آموزان در پرسش‌نامه‌ها، به این قسمت پاسخ نداده‌اند. اما دلایلی که برای نماز نخواندن اولیای خودشان ذکر کرده بودند، به شرح زیر است:

۱. چون وقت ندارند و سرکار هستند.
۲. زیرا برایش سخت است و تنبلی می‌کند.
۳. دوست ندارند.

۴. چون سرشان شلوغ است و وقت نمی‌کنند.

۵. پدرم می‌گوید باید دل آدم پاک باشد.

سؤال ۹. آیا دوستان شما نمازخوان هستند؟ بله □ خیر □

سؤال ۱۰. آیا برای خودتان مرجع تقلید انتخاب کرده‌اید؟ بله □ خیر □

سؤال ۱۱. آیا می‌دانید سن تکلیف برای پسران و دختران چند سال است؟ بله □ خیر □

سؤال ۱۲. آیا به مسجد محله‌تان می‌روید؟ همیشه □ گاهی □ هرگز □

تجزیه و تحلیل داده‌ها و تفسیر آن‌ها

باتوجه به پاسخ‌های داده شده، تجزیه و تحلیل سؤالات پرسش‌نامه اقدام پژوهی به

شرح زیر است:

تجزیه و تحلیل سؤال ۱. چند سال دارید؟

بررسی پاسخ‌نامه‌ها نشان می‌دهد که اکثر دانش‌آموزان به انجام تکالیف شرعی

مکلفاند و تعداد بسیار کمی نیز در مرز سن تکلیف هستند.

تجزیه و تحلیل سؤال ۲. من نماز می‌خوانم: بله □ خیر □

با توجه به اینکه اکثر دانش‌آموزان در سن تکلیف قرار دارند، و البته مسئولیت

مرا سنگین‌تر می‌کرد. چون صرف‌نظر از دلایلی که ذکر کرده بودند، اصل مطلب در

همان پاسخ منفی به این سؤال بود که بیش از ۷۰ درصد پاسخ منفی داده بودند.

تجزیه و تحلیل سؤال ۳. در صورتی که نماز می‌خوانید، دلایل آن را

بنویسید.

از پاسخ‌ها مشخص است، نماز خواندن اکثر دانش‌آموزان نماز خواندن ریشه‌دار است و تعداد کمی از روی اجبار و بدون دلیل نماز می‌خوانند.

تجزیه و تحلیل سؤال ۴. در صورتی که نماز نمی‌خوانید، دلایل آن را بنویسید.

از بررسی پاسخ‌های داده شده به این سؤال درمی‌یابیم، بیشتر دلایل نماز نخواندن دانش‌آموزان بهانه است و همان‌طور که در سؤال بالا دیدیم، دلایل نماز خواندن، محکم‌تر و قوی‌تر و بیشتر از دلایل نماز نخواندن هستند. دلایل ذکر شده برای نماز نخواندن، بیشتر شبیه بهانه‌هایی برای توجیه کردن نماز نخواندن هستند.

تجزیه و تحلیل سؤال ۵. آیا پدرتان نماز می‌خواند؟ بله □ خیر □

بیش از ۶۰ درصد گفته‌اند که پدرشان نماز می‌خواند. البته این نشانه خوبی است. هرچند نماز نخواندن حدود ۴۰ درصد باقی‌مانده نیز قابل تأمل و بررسی است.

تجزیه و تحلیل سؤال ۶. آیا مادرتان نماز می‌خواند؟ بله □ خیر □

بررسی پاسخ‌های داده شده نشان می‌دهد، مادران بیش از پدران به نماز اهمیت می‌دهند و نماز می‌خوانند. این نتیجه‌گیری به اهمیت نقش مهم مادران در خانواده درباره نماز اشاره می‌کند.

تجزیه و تحلیل سؤال ۷. در صورتی که پدر یا مادرتان نماز می‌خواند، دلیل آن را بنویسید.

دلایل ذکر شده بسیار جالب و قابل توجه هستند و میزان اعتقاد بالای پدران و مادران نماز خوان را به عملی که انجام می‌دهند، نشان می‌دهد.

تجزیه و تحلیل سؤال ۸. در صورتی که پدر یا مادر تان نماز نمی خوانند، دلایل آن را بنویسید.

با بررسی پاسخ ها متوجه شدم، اولاً دلایل نماز نخواندن نسبت به نماز خواندن کمترند. همچنین این دلایل بیشتر شبیه بهانه و توجیه هستند تا دلیل.

تجزیه و تحلیل سؤال ۹. آیا دوستان شما نماز خوان هستند؟ بله □ خیر □
متأسفانه بیش از ۷۰ درصد از دانش آموزان، دارای دوستان «نماز نخوان» هستند. تأثیر گروه هم سالان و دوستان در این گروه سنی بسیار بالاست و در سؤال ۲ نیز این موضوع تأیید می شود که متأسفانه تأثیر خودش را در نماز نخواندن دانش آموزان گذاشته است.

تجزیه و تحلیل سؤال ۱۰. آیا برای خودتان مرجع تقلید انتخاب کرده اید؟ بله □ خیر □

نزدیک به ۸۰ درصد از دانش آموزان هنوز برای خودشان مرجع تقلید انتخاب نکرده اند. شاید این موضوع نشان می دهد که آنان به اهمیت انتخاب مرجعیت برای انجام تکالیف شرعی واقف نیستند و یا برای آن ها اهمیت این موضوع، یعنی «مرجع شناسی» کاملاً روشن نشده است.

تجزیه و تحلیل سؤال ۱۱. آیا می دانید سن تکلیف برای پسران و دختران چند سال است؟ بله □ خیر □

۶۹ نفر از سن تکلیف پسران و دختران مطلع بودند. هرچند به علل مختلف زیر می توان گفت، اکثر دانش آموزان توسط کتاب های درسی، تلویزیون، انواع رسانه ها،

اینترنت، خانواده، دوستان و... از این موضوع آگاه می‌شوند. با این حال، ۴ نفر از میزبان سن تکلیف پسران و دختران، اظهار بی‌اطلاعی کردند.

تجزیه و تحلیل سؤال ۱۲. آیا به مسجد محله تان می‌روید؟ همیشه □

گهگاهی □ هرگز □

براساس پاسخ‌ها می‌توان احتمال داد نداشتن ارتباط با مساجد محله یکی از دلایل مهم نماز نخواندن دانش‌آموزان است. چون جواب‌های داده شده نیز این موضوع را تأیید می‌کنند و حدود ۷۰ درصد از دانش‌آموزان به مساجد نمی‌روند.

خلاصه یافته‌های اولیه

پس از مشورت با روحانی محله و مدرسه، کارشناسان تعلیم و تربیت، مدیر و معاونان مدرسه و برخی از دبیران همکار و علاقه‌مند در دبیرستان شهید مطهری، درباره این موضوع و صرف ساعت‌ها بحث و تبادل نظر درباره پاسخ‌های داده شده، به نتایج زیر به‌صورت دسته‌بندی شده رسیدیم:

۱. نماز خواندن اکثر دانش‌آموزان نمازخوان، ریشه‌دار است و تعداد کمی از روی اجبار و بدون دلیل نماز می‌خوانند.

۲. بیشتر دلایل نماز نخواندن دانش‌آموزان، بهانه است و دلایل «نماز خواندن» محکم‌تر، قوی‌تر و بیشتر از «نماز نخواندن» هستند. حتی بهتر است بگوییم که اصلاً دلیل موجهی حساب نمی‌شوند.

۳. بیش از ۶۰ درصد از دانش‌آموزان گفته‌اند که پدرشان نماز می‌خواند. این نشانه خوبی است. هرچند نماز نخواندن حدود ۴۰ درصد پدران نیز قابل بررسی و تأمل است.

۴. مادران بیش از پدران به نماز اهمیت می‌دهند و نماز می‌خوانند. این نتیجه به اهمیت نقش مهم مادران در خانواده درباره نماز اشاره می‌کند.

۵. دلایل ذکر شده برای نماز خواندن والدین بسیار جالب و قابل توجه است و میزان اعتقاد بالای پدران و مادران نمازخوان را به عملی که انجام می‌دهند، نشان می‌دهد.
۶. متأسفانه بیش از ۷۰ درصد از دانش‌آموزان، دارای دوستان «نماز نخوان» هستند و دوستان ناباب متأسفانه تأثیر خودشان را گذاشته‌اند.
۷. همه ۷۳ نفر دانش‌آموز دبیرستان شهید مطهری از سن تکلیف پسران و دختران مطلع هستند.
۸. شاید ارتباط نداشتن با مساجد محله، یکی از دلایل مهم نماز نخواندن دانش‌آموزان باشد.

انتخاب راه جدید و موقتی

با توکل بر خداوند متعال و استعانت از ائمه اطهار(ع)، اقدام و عمل را در راه علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به نماز اول وقت و در مسجد، شروع کردم. پس از بررسی سن دانش‌آموزان متوجه شدم، اکثر دانش‌آموزان مکلف به انجام تکالیف شرعی هستند و تعداد بسیار کمی نیز در مرز سن تکلیف هستند. قاعده تعیین سن تکلیف شرعی (۱۵ سال قمری) را برایشان توضیح دادم و خودشان متوجه شدند، باید تکالیف شرعی از جمله نماز را با جدیت و اهتمام بیشتری انجام دهند تا وقتی که شرعاً وارد سن ۱۵ سال قمری شدند، با انجام فرایض دینی مشکلی نداشته باشند.

نزدیک دبیرستان شهید مطهری، امام‌زاده واجب‌التعظیمی به نام امام‌زاده جعفر(علیه‌السلام) وجود دارد. تصمیم گرفتیم در اوقات متفاوت و به بهانه‌های گوناگون دانش‌آموزان را به داخل صحن حرم مطهر این امام‌زاده برده و از فضای معنوی آن حداکثر بهره را ببریم.

اجرای طرح جدید و نظارت بر آن

در ابتدای پژوهش، با هماهنگی مدیریت و معاونان دبیرستان، برنامه‌ای مدون برای کلاس‌ها، آماده کردیم تا همه دانش‌آموزان از فضای معنوی و روحانی امام‌زاده جعفر (علیه‌السلام) بهره‌مند شوند. از آنجا که با این دانش‌آموزان درس «آموزش قرآن» هم داشتیم، کلاس‌های آموزش قرآن را نیز داخل حرم مطهر امام‌زاده جعفر (علیه‌السلام) برگزار می‌کردم.

به دلیل نزدیکی حرم مطهر امام‌زاده جعفر (علیه‌السلام) با مدرسه (حدود پنج دقیقه به‌صورت پیاده) هنگام نماز ظهر (در نوبت عصر) با همه دانش‌آموزان کلاس‌ها برای ادای نماز جماعت به حرم امام‌زاده جعفر (علیه‌السلام) می‌رفتیم. در تمام مدتی که با دانش‌آموزان بودم، درباره گرفتن وضو و مقدمات نماز، نماز خواندن به‌صورت عملی، علت نماز خواندن، فلسفه نماز، بیان آیات و روایات و احادیث درباره اهمیت نماز و به‌خصوص نماز جماعت، بیان اهمیت نماز اول وقت، بیان اهمیت نماز در مسجد، فلسفه زیارت حرم امامان و امام‌زادگان (علیهم‌السلام)، اهمیت داشتن دوست خوب، مؤمن و نمازخوان، نقش و تأثیر نماز در آرامش روح و روان و موفقیت، و... نکات لازم را به آن‌ها آموزش می‌دادم و نماز را در حرم مطهر امام‌زاده جعفر (ع) در اول وقت و به‌صورت جماعت می‌خواندیم.

حتی به‌صورت حلقه‌وار می‌نشستیم و کلاس قرآن را به‌صورت سنتی و در فضای معنوی حرم مطهر برگزار و قرآن کریم را تلاوت می‌کردیم. الحمدلله اجرای این طرح از همان ابتدای اجرا با موفقیت روبه‌رو شد.

گردآوری اطلاعات (شواهد ۲)

شروع این پژوهش با توزیع پرسش‌نامه‌های اولیه، در مهر ۱۳۹۵ آغاز شد و سرانجام در اردیبهشت ۱۳۹۶ پایان یافت. حالا وقت آن رسیده بود که با بررسی وضعیت

دانش آموزان، میزان تأثیر اقدامات انجام شده در حدود هفت ماه را بسنجیم. چون پرسش‌نامه‌ای که ابتدای این پژوهش توزیع کرده بودم، حساب شده بود، بنابراین همان پرسش‌نامه را دوباره بین دانش‌آموزان توزیع و جمع‌آوری کردم.

با این کار می‌خواستم بدانم، با اقداماتی که طی سال انجام داده‌ام تا دانش‌آموزان به نماز و به‌خصوص نماز جماعت اول وقت و در مسجد علاقه‌مند شوند، وضعیت کنونی تفاوت معنی‌داری با ابتدای داده‌های پژوهش داشسته است یا خیر. به عبارت دیگر، می‌خواستم میزان تأثیرگذاری اقدامات انجام شده را در نمازخوان کردن دانش‌آموزان بدانم.

نتایج به دست آمده به شرح زیر بود:

سؤال ۱. چند سال دارید؟

سؤال ۲. من نماز می‌خوانم: بله □ خیر □

سؤال ۳. در صورتی که نماز می‌خوانید دلایل آن را بنویسید.

جواب این سؤال به صورت تشریحی در پرسش‌نامه نوشته شده بود، و من دلایلی را که برای نماز خواندن نوشته بودند، از پرسش‌نامه‌ها استخراج و دسته‌بندی کردم. مهم‌ترین دلایلی که برای نماز خواندن نوشته بودند، به صورت زیر است:

۱. برای رضای خدا نماز می‌خوانم.

۲. چون دوست دارم با خدا حرف بزنم.

۳. چون نماز ستون دین است.

۴. چون درهای بهشت را باز می‌کند.

۵. چون واجب دینی است.

۶. چون آرامش پیدا می‌کنم.

۷. چون نماز تشکر از خداست به خاطر نعمت‌هایی که به ما داده است.

۸. برای بهره‌مند شدن از رحمت خدا نماز می‌خوانم.

۹. چون نماز کلید بهشت است.

البته تعدادی از دانش‌آموزان که نماز می‌خوانند، دلیلی برای نماز خواندن خود ذکر نکرده بودند.

سؤال ۴. در صورتی که نماز نمی‌خوانید دلایل آن را بنویسید.

فقط چهار نفر به این سؤال پاسخ دادند. دلایلی که برای نماز نخواندن در پرسش‌نامه نوشته شده بود به قرار زیر است:

سؤال ۵. آیا پدرتان نماز می‌خواند؟ بله □ خیر □

سؤال ۶: آیا مادرتان نماز می‌خواند؟ بله □ خیر □

سؤال ۷: در صورتی که پدر یا مادرتان نماز می‌خواند دلیل آن را بنویسید.

مهم‌ترین دلایلی که برای نماز خواندن پدر یا مادر ذکر کردند، به شرح زیر است:

۱. برای رضای خدا.

۲. برای افزایش روزی و برکت خانواده.

۳. چون نماز واجب است.

۴. چون به خدا اعتقاد دارند.

۵. برای ثواب آخرت آن.

۶. چون نماز کلید بهشت است.

۷. چون خداوند و پیامبرش گفته‌اند.

سؤال ۸. در صورتی که پدر یا مادرتان نماز نمی‌خوانند، دلایل آن را بنویسید.

برخی دانش‌آموزان در پرسش‌نامه‌ها، به این قسمت پاسخ نداده‌اند.

اما دلایلی که برای نماز نخواندن اولیا ذکر شده‌اند، به شرح زیرند:

۱. چون وقت ندارد و سرکار است.

۲. زیرا برایش سخت است و تنبلی می‌کند.

۳. چون سرش شلوغ است و وقت نمی‌کند.

۴. پدرم می‌گوید باید دل آدم پاک باشد.

سؤال ۹. آیا دوستان شما نمازخوان هستند؟ بله □ خیر □

سؤال ۱۰. آیا برای خودتان مرجع تقلید انتخاب کرده‌اید؟ بله □ خیر □

سؤال ۱۱. آیا می‌دانید سن تکلیف برای پسران و دختران چند سال است؟ بله □ خیر □

سؤال ۱۲. آیا به مسجد محله‌تان می‌روید؟ همیشه □ گاهی □ هرگز □

ارزشیابی اقدام جدید و تعیین اعتبار آن

تجزیه و تحلیل سؤالات پرسش‌نامه پس از انجام اقدام پژوهی به شرح زیر است:

تجزیه و تحلیل سؤال ۱. چند سال دارید؟

چون این پرسش‌نامه پس از حدود هفت ماه پس از انجام اقدام پژوهی به همان دانش‌آموزان ابتدای اقدام پژوهی داده شده است، سن برخی از آن‌ها بیشتر شده بود و یا در مرز تکلیف بوده‌اند و بزرگ‌تر شده‌اند. بر اساس پاسخ‌های داده شده در پرسش‌نامه‌ها:

● ۴ نفر از ۱۴ سالگی به ۱۵ سالگی رسیدند.

● ۷ نفر از ۱۵ سالگی به ۱۶ سالگی رسیدند.

● ۳ نفر از ۱۶ سالگی به ۱۷ سالگی رسیدند.

تجزیه و تحلیل سؤال ۲. من نماز می‌خوانم: بله □ خیر □

بر اساس پاسخ‌های داده شده، تعداد نمازخوان‌ها از ۲۱ نفر در ابتدای این پژوهش

به ۶۹ نفر رسید و فقط ۴ نفر هنوز نماز نمی‌خوانند. چون این پرسش‌نامه‌ها بدون نام هستند، نمی‌توان مشخص کرد که دقیقاً آن چهار نفر چه کسانی هستند، اما مسلم است که در حال حاضر و در پایان این اقدام پژوهی، از کل ۷۳ نفر دانش‌آموز سال نهم، ۶۹ نفر نماز می‌خوانند.

تجزیه و تحلیل سؤال ۳. در صورتی که نماز می‌خوانید دلایل آن را بنویسید.
دلایلی که در پایان این پژوهش برای نماز خواندن ذکر شده‌اند، با دلایل ابتدای پژوهش کاملاً متفاوت‌اند. بیشتر دلایل ذکر شده معنوی و روحانی هستند و شاید به‌خاطر تأثیرات احادیث و روایات ذکر شده در طول این مدت بوده است.

تجزیه و تحلیل سؤال ۴. در صورتی که نماز نمی‌خوانید دلایل آن را بنویسید.
چون فقط ۴ نفر نماز نمی‌خوانند (براساس سؤال ۲)، بنابراین فقط ۴ نفر برای نماز خواندن خودشان، دلایلی نوشته بودند. البته دلایل نوشته شده توسط این چهار نفر بیشتر توجیه‌اند و دلیل محسوب نمی‌شوند. امیدوارم این ۴ نفر نیز با عنایات خداوند متعال و ائمه اطهار(ع) نمازخوان شوند. در ضمن در این سؤال، آمار ۶۹ نفر دانش‌آموزان نمازخوان دبیرستان مجدداً تأیید شد.

تجزیه و تحلیل سؤال ۵. آیا پدرتان نماز می‌خواند؟ بله □ خیر □
تعداد پدرانی که در ابتدای پژوهش نماز می‌خواندند ۴۵ نفر بود. در پایان پژوهش براساس پاسخ‌های دانش‌آموزان، این تعداد به ۶۳ نفر رسید. به‌نظر می‌رسد که نماز خواندن دانش‌آموزان در منزل روی والدین آنان نیز تأثیرات خوبی داشته است.

تجزیه و تحلیل سؤال ۶. آیا مادرتان نماز می‌خواند؟ بله □ خیر □

۶۲ نفر از مادران در ابتدای پژوهش نماز می‌خواندند و در پایان پژوهش این تعداد به ۶۹ نفر رسید. این افزایش هم از تأثیرات نماز خواندن دانش‌آموزان در منزل بوده است. در مجموع می‌توان گفت که اهتمام مادران به نماز خواندن در مقایسه با پدران بیشتر است.

تجزیه و تحلیل سؤال ۷. در صورتی که پدر یا مادر تان نماز می‌خواند، دلیل آن را بنویسید.

پاسخ‌های داده شده در انتهای پژوهش، بیشتر از پاسخ‌های داده شده در ابتدای پژوهش جنبه اعتقادی و روحانی پیدا کرده‌اند.

تجزیه و تحلیل سؤال ۸. در صورتی که پدر یا مادر تان نماز نمی‌خواند، دلایل آن را بنویسید.

با بررسی پاسخ‌های داده شده متوجه شدم، این دلایل بیشتر شبیه بهانه هستند تا دلیل، و می‌توان گفت علت بی‌توجهی والدین به نماز به خاطر تنبلی است.

تجزیه و تحلیل سؤال ۹. آیا دوستان شما نماز خوان هستند؟ بله □ خیر □

در ابتدای پژوهش فقط ۱۷ نفر از دوستان دانش‌آموزان نماز می‌خواندند. در انتهای پژوهش این تعداد به ۶۵ نفر رسید و فقط ۸ نفر از دوستان دانش‌آموزان نماز نمی‌خواندند. البته اگر آن چهار نفر دانش‌آموز هم‌کلاسی‌شان را که نماز نمی‌خواندند، از آن کم کنیم، فقط ۴ نفر از دوستان خارج از مدرسه دانش‌آموزان نمازخوان نیستند.

تجزیه و تحلیل سؤال ۱۰. آیا برای خودتان مرجع تقلید انتخاب کرده‌اید؟

بله □ خیر □

در ابتدای پژوهش فقط ۱۵ نفر از دانش‌آموزان برای انجام تکالیف شرعی خود مرجع تقلید انتخاب کرده بودند. با مباحثی که در خصوص مرجع‌شناسی و اهمیت

مرجعیت در انجام تکالیف شرعی برای دانش‌آموزان مطرح شد، در پایان پژوهش ۶۹ نفر برای خودشان مرجع تقلید انتخاب کرده بودند. یعنی فقط ۴ نفری که نماز نمی‌خوانند، برای خودشان مرجع تقلید انتخاب نکرده بودند.

تجزیه و تحلیل سؤال ۱۱. آیا می‌دانید سن تکلیف برای پسران و دختران چند سال است؟ بله □ خیر □

در ابتدای پژوهش ۶۹ نفر از سن تکلیف اطلاع داشتند و در پایان پژوهش این تعداد به ۷۳ نفر، یعنی ۱۰۰ درصد رسید.

تجزیه و تحلیل سؤال ۱۲. آیا به مسجد محله‌تان می‌روید؟ همیشه □ گاهی □ هرگز □

درباره اهمیت نماز اول وقت و در مسجد احادیث و روایات و داستان‌های آموزنده فراوانی برای دانش‌آموزان بیان شد و با عنایات خداوند متعال و ائمه اطهار(ع) نتیجه‌بخش بود. از پاسخ‌ها مشخص می‌شود که در ابتدای پژوهش فقط ۷ نفر مرتب به مسجد می‌رفتند و الان ۵۶ نفر به طور مرتب و ۱۲ نفر گاهی به مسجد می‌روند. ۵ نفر نیز هرگز به مسجد نمی‌روند. از آنجا که تعداد دانش‌آموزان مشخص و محدود بود و به همه آن‌ها پرسش‌نامه داده شد و نظر همه در پژوهش دخیل بود، بنابر نظر کارشناسان تعلیم و تربیت که همواره از مشورت آنان استفاده می‌کردم، نتایج این پژوهش از اعتبار و صحت بالایی برخوردار است.

نتایج

- تعداد نمازخوان‌ها از ۲۱ نفر در ابتدای این پژوهش به ۶۹ نفر رسید و فقط ۴ نفر هنوز نماز نمی‌خوانند.

- تعداد پدرانی که نماز می‌خواندند از ۴۵ نفر به ۶۳ نفر رسید.
- تعداد مادرانی که نماز می‌خواندند در پایان پژوهش به ۶۹ نفر رسید.
- در ابتدای پژوهش فقط ۱۷ نفر از دوستان دانش‌آموزان نماز می‌خواندند. در انتهای پژوهش این تعداد به ۶۵ نفر رسید.
- در ابتدای پژوهش فقط ۱۵ نفر از دانش‌آموزان برای انجام تکالیف شرعی خود مرجع تقلید انتخاب کرده بودند که در پایان پژوهش این رقم به ۶۹ نفر رسید.
- در ابتدای پژوهش ۶۹ نفر از سن تکلیف اطلاع داشتند و در پایان پژوهش این تعداد به ۷۳ نفر، یعنی ۱۰۰ درصد رسیده است.
- در ابتدای پژوهش فقط ۷ نفر مرتب به مسجد می‌رفتند، و در پایان پژوهش؛ ۵۶ نفر مرتب به مسجد می‌روند. البته ۱۲ نفر گاهی به مسجد می‌روند و ۵ نفر نیز هرگز به مسجد نمی‌روند.

نتیجه‌گیری نهایی

- با عنایات خداوند متعال و توجهات ائمه اطهار(ع)، به آنچه که ابتدای پژوهش مورد نظر بود، رسیدم:
- با آموزش نظری و عملی مستمر، دانش‌آموزان را با نماز اول وقت و به جماعت و در مسجد آشنا کردم، به طوری که در حال حاضر، با ارائه بازخورد خانواده‌ها، دانش‌آموزان اهتمام ویژه‌ای به اقامه نماز در مسجد و آن هم در اول وقت دارند.
 - دانش‌آموزان تأثیرات بسیار خوبی روی اطرافیان خود، از جمله والدین و دوستانشان داشته‌اند. بازخورد پایانی دانش‌آموزان در پرسش‌نامه و مشاهدات عینی والدین و مسئولین مدرسه، این موضوع را تأیید می‌کند. همچنین اهمیت دادن به نماز روی اخلاق و رفتارشان در مدرسه تأثیرات مثبتی داشته است و این مطلب را مدیریت و مسئولین مدرسه و معلمان به بنده گفتند.

- برخی از اولیای دانش‌آموزان با مراجعه به مدرسه از تأثیرات مثبت نماز خواندن در همه کارهای دانش‌آموزان در خانه، سخن می‌گفتند.
- امیدوارم این اقدام پژوهی مورد استفاده همه پژوهندگان و به‌خصوص معلمان عزیز پژوهنده قرار بگیرد.

منابع

۱. آموزش قرآن مجید، کتاب درسی سال نهم، سال تحصیلی ۱۳۹۵.
۲. پیام‌های آسمان، کتاب درسی سال نهم، سال تحصیلی ۱۳۹۵.
۳. رساله آموزشی مراجع معظم تقلید.
۴. نوروزی، مجیدرضا (۱۳۸۱). داستان‌های شیرین نماز: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. تهران.
۵. سایت مقام معظم رهبری به نشانی اینترنتی: www.Khamenei.ir
۶. سایت حجت الاسلام قرائتی به نشانی اینترنتی: www.gharaati.ir

چرا انسان به نماز خواندن محتاج است؟

رضا حیدری فرد، دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه تربیت معلم تهران
وجیهه بدری، کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی و دبیر آموزش و پرورش کنگاور

اشاره

یکی از پرسش‌های اساسی نوجوانان و دانش‌آموزان از پدران و مادران، معلمان و مربیان این است که: چرا انسان به نماز خواندن محتاج است؟ در این راستا و در جهت پاسخگویی به سؤال مذکور با طرح عناوینی چون فلسفه اقامه نماز، ویژگی‌های نماز مطلوب و مقبول به استناد آیات، روایات و کلام معصومین (ع) و نیز سخنان بزرگان تعلیم و تربیت اسلامی در حد درک و فهم نوجوانان، به آن پرداخته شده است. در خاتمه نیز به‌منظور ترغیب بیشتر نوجوانان به اقامه نماز پیشنهادهایی به اولیای مدرسه و معلمان ارائه شده است.

۶۶

سرآغاز

چرا انسان به نماز خواندن محتاج است و چرا ما باید نماز بخوانیم؟ این‌ها از جمله پرسش‌هایی هستند که بیشتر نوجوانان و جوانان با خود و دیگران مطرح می‌کنند.

نوجوانان در دوران کودکی با میل و رغبت به انجام امور اخلاقی و دینی و دستورات پدر و مادر می‌پردازند اما در دوره نوجوانی به راحتی حرف والدین، معلمان و مربیان را نمی‌پذیرند. به راستی چرا چنین است؟

در دوره نوجوانی، در واقع نوجوان می‌خواهد آنچه را که والدین و دیگران در دوران کودکی به او آموخته‌اند و انجام می‌داده است مجدداً مورد ارزیابی قرار دهد و با یافتن دلایل انجام امور، آگاهانه به انجام آن‌ها مبادرت کند نه اینکه صرفاً تقلید کننده باشد. «خوشبختانه بسیاری از نوجوانان نسبت به مذهب گرایش‌های بسیار مثبتی دارند و ارزش‌های مطلوب معنوی آن را تشخیص می‌دهند. نوجوانی که به خداوند و اصول مذهبی معتقد است، نه فقط هنگام مواجهه با مشکلات بلکه در سراسر زندگی روزانه، بر اعتقادات مذهبی خویش به‌عنوان بهترین راهنما در فرایند رشد، تکیه دارد و از قدرت و جرئتی که ایمان و مذهب در او پدید می‌آورد بهره‌مند می‌گردد» (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۲۶).

با اینکه نیاز به مذهب و خداجویی و میل به پرستش خداوند و راز و نیاز با او فطری است و در وجود هر کسی بالقوه وجود دارد لازم است بررسی کنیم که این نیاز طبیعی و بالقوه را چگونه پاسخ بگوییم تا نوجوان به آرامش درونی و سعادت دنیوی و اخروی برسد و جامعه از این همه نابسامانی و ... مصون بماند. در این راستا و به استناد آیات، روایات و نظر عالمان دینی و مربیان تعلیم‌وتربیت، در این گفتار در حد درک و فهم نوجوان به پاسخ این سؤال پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: نماز، انسان، احتیاج به نماز

چرا انسان به نماز خواندن محتاج است؟

برخی از دلایل نیاز انسان به نماز خواندن به شرح زیر است:

۱. چون همه موجودات آسمان و زمین خداوند را تسبیح می‌گویند، بنابراین لازم است انسان نیز، که اشرف مخلوقات است، با نماز خواندن به ربوبیت خداوند اعتراف کند و بندگی خود را اظهار نماید.
۲. چون انسان مرکب از عقل و شهوت است و بی‌تردید مصون از گناه نیست، با نماز خواندن و ایستادن در مقابل خداوند به گناه خود اعتراف می‌کند و عملاً خواستار آمرزش گناهان و طلب مغفرت می‌شود.
۳. انسان براساس هوای نفس میل به افزون‌طلبی و غرور و خودخواهی دارد؛ بنابراین با نماز خواندن می‌تواند جلوی این تمایلات را بگیرد و به‌سوی عزت و عظمت حرکت کند.
۴. نماز موجب یاد خدا و دوری از غفلت و سرکشی و باعث خشوع و فروتنی و طلب افزایش مادی و معنوی می‌شود (خلیلی، ۱۳۸۵: ۱۱۳).
۵. نماز دارای آثار و برکات فردی و جمعی است و به تعبیر امام خمینی (ره) نماز معجون الهی است که برای درمان تمام دردها و نقص‌های نفوس فراهم آمده است (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۳).
۶. خدا نماز را برای پاک بودن انسان از کبر و خودپسندی واجب کرده است (دشتی، ۱۳۸۲، حکمت ۲۵۲).
۷. نماز باعث دور شدن شیطان از انسان می‌شود (سوره ص، آیات ۸۳-۸۲).
۸. باید توجه داشت که ایمان به خداوند، نبوت و معاد کافی نیست بلکه اطاعت و تسلیم در برابر او نیز لازم است. بنابراین، خواندن نماز و سجده کردن برای دوری گزیدن از کبر و غرور است. چراکه ابلیس اعتقاد به خدا، نبوت و معاد داشت اما کبر و غرور سبب رانده شدن او از درگاه خداوند شد (قرائتی، ۱۳۸۳، سوره ص: ۱۲۹).
۹. نماز خواندن دستور خداوند است. خداوند راه یافتن در مسیر کمال و سعادت و وسیله تقرب خویش را نماز معرفی کرده است.

۱۰. نماز ذکر و یاد خداست. با نماز خواندن انسان در هر نوبت از شبانه روز معنای آفرینش و مسیر تعالی را هر بار برای خود بازگو می کند تا دچار نسیان و فراموشی نشود و مسیر را گم نکند.

۱۱. همه مشکلات انسان بر اثر نادانی نیست بلکه پاره‌ای از مشکلات وی بر اثر نسیان و فراموشی است. چنانچه آدم همه علم را داشت و آنچه که باعث وسوسه‌پذیری و شکست اراده وی شد نداشتن ذکر بود (سوره بقره، آیه ۳۱).

بنابراین نماز خواندن باعث توجه انسان به خداوند و موجب قرب و نزدیکی به او و در نتیجه فلاح و رستگاری وی خواهد شد (باقری، ۱۳۷۶: ۱۳۶).

۱۲. حضرت علی(ع): نماز موجب نزدیکی هر پارسایی به خداست (دشتی، ۱۳۸۲، حکمت ۱۳۶).

۱۳. نماز خلاصه و عصاره قرآن و باب ورود به گلگشت در گلستان آن و کوچ کردن از هیچ به سوی همه چیز است.

۱۴. نماز مهم‌ترین اعمال دینی است که اگر قبول درگاه خداوند عالم شود، عبادت‌های او هم قبول می‌شود و اگر پذیرفته نشود اعمال دیگر هم قبول نمی‌شود (آیت‌الله بهجت، ۱۳۸۰: ۱۲۰).

۱۵. نماز از جمیع عبادات جامع‌تر و کامل‌تر است (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۱۱).

۱۶. نماز کلید حل مشکلات زندگی و رمز پاسخ یافتن به مسائل علمی است.

۱۷. نماز وسیله راز و نیاز با خداوند و آرامش‌دهنده قلب‌هاست؛ الا بذکرالله تطمئن القلوب.

۱۸. فلسفه اقامه نماز احساس حضور عبد در پیشگاه معبود است و این احساس باعث می‌شود عبد دائماً مراقب گفتار و کردار خود باشد. و در صدد اصلاح خویش برآید.

ویژگی‌های نماز مطلوب و مقبول کدام‌اند؟

نماز جسمی دارد و روحی، کالبدی دارد و جانی. بسیاری از ما تنها با جسم و کالبد نماز آشناییم و از روح و جان آن بیگانه و محروم. آنان که نمازشان روح دارد و زنده است، از حیات طویه و پاک بهره‌مندند، نمازشان به آنان صبر و پایداری می‌بخشد، از ارتکاب گناه بازیشان می‌دارد، نورشان می‌بخشد و وجودشان را تابناک می‌سازد (شیروانی، ۱۳۸۵: ۱۲).

ویژگی‌های نماز مطلوب و مقبول به شرح زیر است:

۱. انسان باید در حال نماز خواندن حضور قلب داشته باشد. چراکه پیامبر(ص) می‌فرماید: به درستی که از نماز سودی به تو نمی‌رسد جز به مقداری که توجه قلبی و اقبال درونی داشته باشد (همان منبع).
۲. قبولی نماز به اقبال قلب است و اگر اقبال قلب نباشد نماز از درجه اعتبار ساقط و لایق محضر حق نیست. قبولی نماز شرط قبولی سایر اعمال است و اگر نماز قبول نشود، به اعمال دیگر اصلاً نظر نکنند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۴۲).
۳. راه تحصیل حضور قلب در نماز مبارزه جدی با هجوم افکار پراکنده و آشفته و در واقع رفع انگیزه‌های هجوم این افکار به ذهن انسان است.
۴. برای حضور قلب در نماز باید علل و اسباب افکار پراکنده را، که در هنگام نماز خواندن به ذهن انسان خطور می‌کند، شناخته و آن‌ها را از بین ببرد.
۵. نماز خواندن با اخلاص، شرط مصونیت از دام‌های ابلیس است.

پیشنهادهایی به مربیان و اولیای مدرسه

مدارس باید برای تربیت دینی دانش‌آموزان برنامه‌ای منطبق بر نیازها و رشد عقلی آن‌ها داشته باشند. لذا در این راستا پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. مدیر مدرسه با هماهنگی و همکاری شورای معلمان، انجمن اولیا و مربیان و

شورای دانش‌آموزی در تنظیم برنامه عملیاتی یکساله مدرسه جهت رسیدن به اهداف آموزشی و پرورشی، نقش و جایگاه نماز جماعت و جمعه را مشخص نماید و آن را یکی از اولویت‌های کاری خود قرار دهد.

۲. مدیر مدرسه کتابخانه آموزشیگاه را به کتب، مجلات و نرم‌افزارهای رایانه‌ای در راستای پاسخ‌گویی به سؤالات دانش‌آموزان پیرامون فلسفه نماز و مسائل اعتقادی و دینی مجهز نماید.

۳. مدیر، معلمان و مربیان، به‌عنوان الگو، دانش‌آموزان را با گفتار و کردار خود به سوی انجام اعمال عبادی، از جمله نماز خواندن، تشویق نمایند.

۴. مدیر و اولیای مدرسه با عنایت به شناخت دوره نوجوانی زمینه رشد معرفت دینی دانش‌آموزان را فراهم آورند و برای پاسخ به سؤالات نوجوانان، علاوه بر معرفی منابع معتبر و ارائه شواهد مستدل، برای تبیین مسائل، با برپایی همایش‌ها و دعوت از متخصصان دینی بر رشد و معرفت دینی آنان بیفزایند.

۵. برای افزایش غیرمستقیم معرفت دینی و تقویت پیوند نوجوانان با معارف دینی، فعالیت‌های تحقیقی و هنری، شعر و... را گسترش دهند.

۶. مدیر مدرسه بهترین مکان مدرسه را به‌عنوان نمازخانه انتخاب نماید و به کار تزیین و نظافت آن اهتمام ویژه داشته باشد.

۷. اولیای مدرسه تلاش کنند اصول دینی را مطابق با قوانین طبیعی و علمی و با پرهیز از خرافات در اختیار نوجوانان قرار دهند.

۸. مدارس شناخت مراجع تقلید دینی و معرفی آن‌ها را به دانش‌آموزان در رؤس برنامه‌های تربیتی و دینی خود قرار دهند.

۹. دانش‌آموزان را با بخش احکام نماز از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی و یا برگزاری مسابقات متعدد آشنا نمایند.

۱۰. مدیر و معلمان مدرسه در برنامه‌های تشویقی خود، علاوه بر شاخص فعال بودن

در زمینه‌های درسی و علمی، شاخص مهم عمل به فرائض و توجه به نماز را نیز جهت تقدیر از دانش‌آموزان لحاظ کنند.

۱۱. نظر به اینکه رشد دینی نوجوان پس از خانه در مدرسه تحقق می‌یابد، معلمان باید با فراهم آوردن زمینه‌های عمل به احکام دین، نوجوانان را ترغیب و تشویق کنند و رشد دینی آنان را تسهیل بخشند (حیدری فرد، ۱۳۸۵: ۵۲).

تصویر نماز

جایگاه نماز در قرآن کریم، سنت و سیره معصومین (علیهم السلام)

دکتر فضل الله خالقیان

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و حدیث

موضوع سخن نماز و جایگاه آن در اسلام است. برای مشخص شدن این جایگاه ابتدا باید به قرآن کریم مراجعه کرد و پس از آن به سراغ سنت و سیره معصومین (ع) رفت.

کلیدواژه‌ها: نماز، خشوع، اقامه، ذکر

نماز در قرآن کریم

واژه صلاة و مشتقات آن ۹۹ بار در قرآن کریم به کار رفته است. کلمه صلاة در اصل به معنای دعا کردن و درود فرستادن (تبریک و تمجید) است (الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴: ۲۸۵). چنان که در قرآن می‌خوانیم: إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (احزاب، ۵۶)؛ خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و به فرمانش به خوبی

گردن نهید.

صلاة در موارد دیگر - خصوصاً چنانچه با واژه «اقامه» توأم شده باشد - به معنای فعل عبادی مخصوصی که متضمن اقوال و افعال بوده و از جانب خداوند متعال تشریع شده است، به کار می‌رود: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ... (مائده/ ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ چون به (عزم) نماز برخیزید صورت خود را بشویید... .

با مرور آیات الهی در مورد نماز به موضوعاتی از قبیل آنچه در زیر می‌آید، برخورد می‌کنیم:

۱. نماز، وسیله‌ای برای استعانت از خداوند متعال است:

وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ (بقره/ ۴۵)
از شکیبایی و نماز یاری جوید و به راستی این کار (نماز) گران است، مگر بر فروتنان.

۲. تأکید بر اقامه نماز به همراه پرداخت زکات

لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَرْتُمْهُمْ وَ أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ... (مائده/ ۱۲)
اگر نماز برپا دارید و زکات بدهید و به فرستادگانم ایمان بیاورید... قطعاً گناهانتان را از شما می‌زداییم و شما را به بوستان‌هایی داخل می‌کنیم که... .

۳. محافظت و مواظبت بر نماز

وَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (مؤمنون/ ۹)
و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند.

۴. نماز، تکلیفی مقید به اوقات مشخص

إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا (نساء/ ۱۰۳)

نماز بر مؤمنان، در اوقات معین مقرر شده است.

۵. نماز، بیانگر خشوع مؤمنان

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (مؤمنون ۱ و ۲)

به راستی که مؤمنان رستگار شدند، همانان که در نمازشان فروتن هستند.

۶. نماز، عبادتی که منافقان از آن لذت نمی‌برند و آن را با کسالت انجام

می‌دهند:

وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى (توبه/ ۵۴)

و (منافقان) جز با حال کسالت نماز به جا نمی‌آورند.

۷. نماز، دعا و خواسته پیامبران است:

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي (ابراهيم/ ۴۰)

پروردگارا، مرا برپا دارنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز.

۸. نماز، بهترین وسیله برای یاد خدا است:

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (طه/ ۱۴)

و به یاد من نماز برپا دار.

۹. نماز انسان را از کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد:

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (عنکبوت/ ۴۵)

قطعاً نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد.

۱۰. نماز نخواندن باعث دخول در آتش جهنم است:

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (مدثر/ ۴۲ و ۴۳)

(بهشتیان از مجرمان می‌پرسند): چه چیز شما را در آتش (سقر) درآورد؟ گویند: ما از نماز گزاران نبودیم.

نماز سدی در مقابل بدی‌ها

با تأمل در آیه مبارکه ۴۵ سوره عنکبوت درمی‌یابیم که نماز بسته به میزان حضور قلب در آن - دارای دو اثر مهم است: اثر نخست بازداشتن از کارهای زشت و ناپسند و دومین اثر ترسیخ ذکر و یاد خدا در قلب انسان است که مفتاح همه خیرات به‌شمار می‌رود.

نماز در آینه سخنان امیرالمؤمنین (علیه السلام)

یکی از جامع‌ترین بیانات حضرت علی(ع)، مربوط به یکی از خطبه‌های ایشان است که با این عبارت آغاز می‌شود:

تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ وَ حَافِظُوا عَلَيْهَا وَ اسْتَكْثَرُوا مِنْهَا وَ تَقَرَّبُوا بِهَا (نهج البلاغه، ۱۳۸۷:

خطبه ۲۹۹)

این بیانات چنان زیبا و اثرگذار است که بدون هیچ توضیحی ترجمه آن را از نظر شما می‌گذرانیم:

«مردم! (خواندن و اقامه) نماز را برعهده گیرید و آن را حفظ کنید، زیاد نماز بخوانید و با نماز خود را به خدا نزدیک کنید. چرا که نماز «دستوری است که در وقت‌های خاص بر مؤمنان واجب گردیده است.^۲» آیا به پاسخ دوزخیان گوش

فرانمی دهید، آن هنگام که از آن‌ها پرسیدند: «چه چیزی شما را به دوزخ کشانده است؟ گفتند: ما از نماز گزاران نبودیم.» همانا نماز گناهان را چون برگ‌های پاییزی فرو می‌ریزد و غُل و زنجیر گناهان را از گردن‌ها می‌گشاید. پیامبر اسلام (ص) نماز را به چشمهٔ آب گرمی که بر درِ سرای مردی جریان داشته باشد، تشبیه کرده است که اگر هر شبانه‌روز پنج بار خود را در آن شست‌وشو دهد، هرگز چرک و آلودگی در بدن او باقی نمی‌ماند.

همانا کسانی از مؤمنان حق نماز را شناختند که زیور دنیا از نماز بازشان ندارد و روشنایی چشمشان، یعنی اموال و فرزندان، مانع نمازشان نشود. خدای سبحان می‌فرماید: «مردانی هستند که تجارت و خرید و فروش آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد.»^۳

یکی از آثار نماز، تجدید حیات معنوی

امیرالمؤمنین (ع) در این مورد می‌فرماید: مَا أَهَمَّنِي [أَمْرٌ] ذَنْبٌ أَطَهَّرْتُ بَعْدَهُ حَتَّى أَصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ وَأَسْأَلَ اللَّهَ الْعَافِيَةَ؛ آنچه بین من و خدا نارواست، اگر انجام دهم و مهلت دو رکعت نماز داشته باشم که از خدا عافیت طلبم، مرا اندوهگین نخواهد ساخت (همان: حکمت ۲۹۹، صفحه ۲۰۱)

حق نماز بر انسان

حسن ختام این نوشتار را بیان گرامی امام سجاد (ع) در رسالهٔ حقوق قرار می‌دهیم: «و اما حق نماز این است که بدانی نماز، ورود به درگاه خداست و تو در نماز در برابر خدا می‌ایستی و چون به این عقیده‌مند باشی شایسته است که در نماز چون بندهٔ ذلیلی که راغب و راهب و خائف و امیدوار و گدا و زاری‌کن است، بایستی و کسی را که در برابرش به نماز ایستاده‌ای، به آرامی و سربه‌زیری و خشوع اعضا و فروتنی،

تعظیم کنی و از دل خود به خوبی با او راز گویی و از وی بخواهی که گردنت را از زیر بار خطاهایی که تو را فراگرفته و گناہانی که به پرتگاه نابودی ات کشانده است، آزاد کند؛ و لا قوة إلا بالله.» (تحف العقول، ج پنجم، ۱۳۷۳: ۲۶۴)

پی‌نوشت

۱. مدّثر: ۴۲ و ۴۳
۲. نساء: ۱۰۳
۳. نور: ۳۷

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی، ادبیه سبز، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.
۳. ابن شعبه حرّانی؛ تحف العقول، ترجمه و تحصیح آیت‌الله کمرهای - علی اکبر غفاری، انتشارات کتابچی، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.
۴. الراغب الاصفهانی؛ المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، الطبع الثانی، ۱۴۰۴ هـ.
۵. طباطبائی، علامه محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت - لبنان، ۱۳۹۳ هـ.

در خانه ما رونق اگر نیست صفا هست

نماز آرامش روانی خانواده

دکتر محسن ایمانی

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

آیه شریفه «لا بذكر الله تطمئن القلوب» (رعد، ۲۸/۱۳) حکایت از آن دارد که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌گیرد. دل پایگاه نفس آدمی است و آن‌گاه که دل آرام گیرد، نفس انسان نیز اطمینان می‌یابد. پس برای داشتن دلی آرام و قلبی مطمئن باید به ذکر باری تعالی پرداخت. ذکر اکبر خدا نیز نماز است و قرآن می‌فرماید: «و لذكر الله اكبر» (عنکبوت، ۴۵/۲۹)، نتیجه آن که چون گویندگان ذکر الهی، که دل‌هایی آرام و نفوسی مطمئن دارند، در کنار هم قرار می‌گیرند و خانواده‌ای را شکل بخشند، آن خانواده از آرامش برخوردار است و در آن خانه آرامش، صفا و صمیمیت موج می‌زند و مالا مال از نور خداست.

در خانه ما رونق اگر نیست صفا هست

هر جا که صفا هست در آن نور خدا هست

نماز خواندن و انجام عبادت، برای نمازگزار آرامش روانی پدید می‌آورد و دل مؤمن را امنیت می‌بخشد. آن‌هایی که در برگزاری نماز توفیق بیشتری داشته‌اند، به آرامش بیشتری نیز دست یافته‌اند. از جمله آن‌ها که علاوه بر انجام فرایض، مبادرت به خواندن نوافل نیز نموده‌اند، در بررسی‌های موردی از آن‌ها آرامش بیشتری را گزارش کرده‌اند و همین باعث شده است تا دیگران را نیز به انجام نوافل توصیه کنند. سخن چنین کسانی این است:

برخیز که عاشقان به شب راز کنند

گرد در و بام دوست پرواز کنند

هر در که بود فراز بر خود بندند

الّا در دوست را که شب باز کنند

آنان حلاوت عبادت خالص در شب و رازگویی با خداوند عالمیان را دریافته‌اند، چرا که شب فرصتی مناسب‌تر برای عبادتی بی‌ریاست. قرآن می‌فرماید: «انّ ناشئة اللیل هی اشدّ وطأً و اقوم قليلاً» (مزل، ۶/۷۳) پس فقط صاحبان خلوص و عاشقان عبادت خدا، شیرینی راز و نیاز با او را درمی‌یابند و می‌توان گفت:

شرح این واقعه را مرغ سحر داند و بس

تو چه دانی که شب سوختگان چون گذرد

پس برگزاری نماز به‌طور مداوم و محافظت بر آن، رمز دست یافتن به آرامش روانی است. اینک به اختصار برخی از نقش‌های نماز را در ایجاد آرامش روانی مرور می‌کنیم:

کلیدواژه‌ها: نماز، آرامش روانی، انسجام خانوادگی، عزت نفس

ترک گناه

آدمی آن‌گاه که به سجاده می‌نشیند تا با خدا راز گوید، باید هوشیار باشد. چرا

که قرآن می‌فرماید: «لا تقربوا الصلوة و انتم سكارى» (نساء، ۴۳/۴)، هنگامی که مست هستید، نزدیک نماز نشوید. پس لازمه مقبولیت و پذیرش نماز، دور بودن از ناهشیاری و مستی است.

نماز آدمی را از فحشا و منکرات باز می‌دارد. «انّ الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنکر» (عنکبوت، ۴۵/۲۹) شرب خمر، مستی، غفلت و دیگر گناهان و آلودگی‌ها در پرتو نماز محو و نابود می‌شوند. با حذف گناهان فضای روح و روان انسان پاک و مصفا می‌شود و در نتیجه آرامش و اعتماد به نفس به دست می‌آید. نماز شست‌وشوگر روان از گناه است و قلبی که در آن تاریکی گناه نباشد از آرامش و اطمینان و صفا لبریز می‌شود. چنان که پیامبر (ص) فرموده انسانی که نمازهای پنج‌گانه را به جای می‌آورد، مانند آن است که هر روز در رودی پنج بار شنا کرده و از آلودگی‌ها به در آمده است. پس نماز مانع ابتلا به آلودگی و گناهان است و نیز به سبکی بار گناه آدمی می‌انجامد. زیرا قرآن می‌فرماید: «انّ الحسنات یذهبن السيئات» (هود، ۱۴/۱۱): به درستی نیکی‌ها، بدی‌ها و گناهان را می‌زدایند و از بین می‌برند و نماز یکی از برترین حسنات است.

پس احساس گناه را می‌توان عامل ایجاد اضطراب و ناامنی و گناه‌نکردن یا انجام عملی که گناه و احساس گناه را تخفیف بدهد وسیله ایجاد آرامش دانست. در این صورت، اگر فردی گناهی مرتکب شد انجام نماز، که یکی از حسنات ممتاز است، گناه او را تخفیف می‌دهد و آدمی در اثر گناه‌نکردن یا داشتن احساس تخفیف گناه، آرامش پیدا می‌کند. بنابراین، نماز عامل مهمی در جهت دست یافتن به آرامش روانی است و چون این امر در خانه رخ دهد و یکایک اعضای خانواده نماز گزار باشند، همگی در خانه از آرامش روانی برخوردار می‌شوند و در پناه آن با موفقیت زندگی می‌کنند، زیرا احساس گناه در همه آنان کاهش می‌یابد.

امروزه مسئله بزهکاری، به‌ویژه بزهکاری‌های نوجوانان در سراسر جهان، با ترویج فرهنگ خواندن نماز و گسترش آن علاج‌پذیر است و لاقلاً می‌توان آن را به میزان

قابل توجهی کاهش داد. تجارب نگارنده در کانون اصلاح و تربیت تهران نیز حاکی از آن است که در میان بزهکارانی که در کانون نگهداری می‌شدند، نوجوانان نمازگزار کمتر بودند. پس بیایید با توجه دادن به نوجوانان و دیگر اعضای خانواده به نماز، تحقق بخشیدن به خانواده‌ای بسامان را زمینه‌سازی نماییم. چرا که با مرتکب‌نشدن جرم توسط اعضای خانواده، آرامش بر آن حکم‌فرما می‌شود و دیگر کسی نگران ارتکاب جرم توسط دیگری نیست و از عاقبت بد دیگری نمی‌هراسد، زیرا که نماز آنان را از فرجام بد مصون داشته است.

وحدت شخصیت و انسجام خانوادگی

خواندن نماز موجب دست یافتن به وحدت شخصیت می‌شود. شخصیت بر خوردار از توحید به گونه‌ای است که جنبه‌های گوناگون آن با یکدیگر در تضاد نیستند. یعنی فرد آنچه که در اعتقاد به آن باور دارد، در عمل نیز براساس همان باورها عمل می‌کند و چون این گونه رفتار می‌کند در خود تضاد نمی‌یابد و در نهایت به یک‌پارچگی (خویشتن) می‌رسد به نحوی که جنبه‌ای از شخصیت فرد، جنبه دیگر شخصیت او را تأیید می‌کند و انسان به هنگام برخورد با او احساس می‌کند که با فردی هماهنگ و بسامان مواجه شده است. حال باید پرسید نماز چگونه موجبات تحقق وحدت را در شخصیت آدمی فراهم می‌آورد؟ انسان مؤمن به هنگام نماز سخن از خدای واحد و یگانه به میان می‌آورد، او را الله خطاب می‌کند و رب عالمیان می‌نامد (آیه قل هو الله احد به نحو بارزی حکایت از وحدت باری تعالی دارد). (اخلاص، ۱/۱۱۲) و همین باور داشتن به خدای یگانه، پیام‌آور وحدتی درونی برای آدمی است. آنچه که باعث تشتت و تفرقه می‌شود، ایمان داشتن به خدایان و ارباب گوناگون است. قرآن می‌فرماید:

أرباب متفرقون خیر ام الله الواحد القهار؟ (یوسف، ۳۹/۱۲) آیا داشتن رب‌های متفرق خوب است یا ایمان داشتن به خداوند واحدی که قهار است؟ قرآن وجود خدایی جز

خدای یگانه را نفی می‌کند و می‌فرماید: «لو کان فیہما آلہہ الا اللہ لفسدتا» (انبیاء، ۲۲/۲۱). بر فرض محال، اگر چنین می‌شد درون آدمی نیز به علت تعدد آلہہ به فساد دچار می‌شد و آنان که اکنون، به وجود ارباب متفرق قائل‌اند، از وحدت درونی بی‌بهره و در شخصیت خود دارای تضادند.

اعضای خانواده نیز اگر همه با یکدیگر به اقامه نماز بپردازند و همه به وحدت درونی دست یابند، در بیرون نیز با یکدیگر همگونی و هماهنگی خواهند داشت و همین آرامش روانی را برای آنان در پی خواهد داشت، زیرا نه با یکدیگر تضادی دارند و نه والدین با فرزندان خویش اختلافی جدی خواهند داشت.

سؤال این است که چه کسانی بیشتر فرزندان را در اضطراب مضاعف قرار می‌دهند؟ آن‌ها که در درون خویش تضادی دارند یا آن‌ها که با دیگری دارای تضاد هستند. نماز، تضادهای درونی فرد را کاهش می‌دهد. زیرا که به شخصیت فرد وحدت و یکپارچگی می‌بخشد و دیگر آن‌ها افراد وحدت یافته در سایه نماز را با یکدیگر منسجم و متحد می‌سازد. لذا بین آن‌ها تفرقه و تضادی جدی و عمیق وجود ندارد و تعارض مهم هم در خانواده دیده نمی‌شود. بنابراین، در اثر نبود تعارض، در محیط خانه کمتر شاهد بروز اضطراب خواهیم بود. به این ترتیب امنیت بیرونی در محیط خانواده حاصل امنیت درونی اعضای آن است که در پرتو انوار الهی ظهور و بروز پیدا می‌کند. پس نماز می‌تواند وحدت و امنیت درونی و بیرونی را فراهم آورد و محیط خانواده را متحد و یکپارچه سازد تا همگی به راحتی بتوانند به ریسمان الهی چنگ زنند و متفرق نگردند «و اعتصموا بحبل اللہ جمیعاً و لا تفرقوا» (آل عمران، ۱۰۳/۳). در این صورت، ملاحظه می‌شود افرادی که به وحدت درونی دست یافته‌اند در وحدت بخشیدن به محیط بیرونی (که یکی از مصداق‌های آن خانواده است) توفیق بیشتری دارند و وحدت در خانواده یکی از رموز آرامش آن است.

افزایش اعتماد به نفس

نماز خواندن موجب افزایش اعتماد به نفس را فراهم می‌آورد، زیرا وقتی آدمی با خدا سخن می‌گوید از او استعانت می‌جوید (ایاک نعبد و ایاک نستعین) (فاتحه، ۵/۱) و توان بیشتری را در خود احساس می‌کند که ناشی از اتکای به خدای تعالی است و داشتن چنین نقطه اتکایی اعتماد به نفس را در فرد افزایش می‌دهد. او در این حال خود را به سان قطره‌ای می‌داند که با دریا پیوند خورده است.

قطره دریاست اگر با دریاست

و نه او قطره و دریا دریاست

به این ترتیب درمی‌یابیم که آدمی از خویشتن مفهوم بهتری خواهد داشت و تصویری از خود در مرتبه بالاتری قرار می‌گیرد و مفهوم خود در نزد او تعالی می‌یابد و این همه موجب افزایش اعتماد به نفس در فرد می‌گردد. از سوی دیگر خواندن نماز باعث افزایش موفقیت‌های او در زندگی می‌شود. زیرا نماز، نقش مدد رسانی دارد، چنان که قرآن می‌فرماید و استعینوا بالصبر و الصلوة (بقره، ۴۵/۲): از نماز و روزه کمک بجوید. انسان برخوردار از امدادهای ناشی از اقامه نماز، فردی موفق تر است و موفقیت‌های روزافزون، اعتماد به نفس و افزایش آن را در پی دارد و نمازگزاران پیوسته امیدوار به امدادهای الهی هستند.

اولیای الهی که خوب نماز می‌خوانند، نه می‌ترسند و نه محزون می‌شوند «الا انّ اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» (یونس، ۶۲/۱۰): و آدمی که نه می‌ترسد و نه محزون است، از آرامش روانی برخوردار است.

در محیط خانواده‌ای که اعضای آن نماز را برپا می‌دارند و همگی دارای اعتماد به نفس اند فضای آرامی حاکم است و اعتماد به نفس یکدیگر را تقویت می‌نمایند. آنان همچون ظروف مرتبطی هستند که به هنگام برداشتن آب از یکی از آن ظرف‌ها، ظرف‌های دیگر جای خالی آن را پر می‌کنند، با این تفاوت که در اینجا، اعتماد به نفس خود آنان کاهش نمی‌یابد. در حالی که وقتی ظرف‌های مرتبط، جای خالی

شده آن ظرف را پر می کنند، از میزان موجود آبشان کاسته می شود. آن ها شکرانه باروی توانا را گرفتن دست ناتوان می دانند و دست افتادگان را به هنگام ایستادن می گیرند و به این ترتیب آن ها که از اعتماد به نفس بیشتری برخوردارند، در محیط خانواده، زمینه افزایش اعتماد به نفس را در دیگر اعضای خانواده فراهم می کنند تا آن ها هر چه بیشتر استعداد های خویش را به کار گیرند و به درجه بالاتری از شناخت معبود و عبادت دست یابند و به خود شکوفایی برسند، به نحوی که همه استعداد ها و توانایی های خویش را برای عبادت خدا به فعلیت برسانند. نماز در این راه نقش مدرسانی را بر عهده دارد. انسانی که به خود شکوفایی رسیده از آرامش بیشتری برخوردار است. اولیای الهی مصداق بارز چنین حالتی هستند، زیرا توانسته اند همه توان خویش را در راه عبادت معبود به کار گیرند.

بالا رفتن عزت نفس

پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - نماز را معراج مؤمن می داند و می فرماید: الصَّلاة معراج المؤمن (بحار الانوار، ۳۰۳/۷۹). انسانی که عروج یافته و اوج گرفته از عزت نفس برخوردار است. عزت نیز با رفتن به پیشگاه معبود حاصل می شود و به تعبیر سعدی انسان جز با رفتن به درگاه الهی عزت نمی یابد.

عزیزی که از درگهش سر بتافت

به هر در که شد هیچ عزت نیافت

و اگر می گویند «عزت طلب و بزرگی آموز» همه حکایت از آن دارد که آدمی برای عزتمندی خویش ارزش فراوانی قائل است و آن ها که نفس خویش را دارای عزت می دانند به خطاها و امور ناپسند کمتر تن می دهند. علی (علیه السلام) می فرماید: «من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهواته» (بحار الانوار، ۷۸/۶۷): هر کس که نفسش در پیشگاه او ارزشمند باشد شهوات در نزد او خوار و بی مقدار است.

کارل راجرز که بنیان‌گذار روش مشاوره غیرمستقیم است، اظهار می‌دارد دانش‌آموزی که از عزت‌نفس بالاتری برخوردار است کمتر تن به تقلب می‌دهد، برعکس اگر شخص احساس بی‌آبرویی کند، راحت‌تر تن به ارتکاب جرم می‌سپارد. نماز، که آدمی به هنگام ادای آن سر بر آستان معبود می‌ساید و پیشانی خویش را به رسم تواضع و بندگی به خاک می‌گذارد، باعث می‌شود تا موجبات رستگاری انسان فراهم شود. این سجده که خضوع (تواضع بدنی) است و خشوع (تواضع قلبی)، به اعتلای آدمی می‌انجامد. «قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلاتهم خاشعون» (مؤمنون، ۱/۲۳). در اثر بندگی آدمی به مقامی بالا و والا می‌رسد و به قول صائب تبریزی:

ذره به آفتاب رسید از فتادگی

بنگر که از کجا به کجا می‌توان شدن

و سعدی رمز برخورداری از فیض را افتادگی می‌داند و می‌گوید:

افتادگی آموز اگر طالب فیضی

هرگز نخورد آب زمینی که بلند است

پس تواضع در مقابل خالق رمز کمال آدمی است و انسان برخوردار از کمال در همه‌جا و از جمله در محیط خانواده احترام دیگران را پاس می‌دارد و نیاز به داشتن عزت‌نفس و برخورداری از احترام، به نظر «مازلو» یکی از نیازهای اساسی روانی آدمی است که با تأمین آن سلامت روانی انسان تأمین می‌گردد، به نحوی که او را از تعادل روانی برخوردار می‌سازد.

در خانه‌ای که پیر و جوان و کودک و خردسال همه از احترام و عزت‌نفس بهره گرفته‌اند همه می‌توانند از آرامش روانی برخوردار باشند. درخصوص احترام به پیران و کودکان پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - می‌فرماید: «لیس منّا من لم یرحم صغیرنا و لم یوقّر کبیرنا» (مستدرک الوسائل، ۳۹۸/۸): از ما نیست کسی که به کودکان ما ترحم و لطف نکند و بزرگ‌ترهای ما را محترم نشمارد. پس در خانه‌ای که همه در

برابر معبود متواضع‌اند و حرمت یکدیگر را نمی‌شکنند، همه از عزت نفس برخوردارند و ضمن برخورداری از آرامش روانی تن به جرائم نیز نمی‌دهند. اما دور شدن از وادی بندگی و انجام ندادن فرایض دینی، آدمی را به بندگی این و آن می‌کشاند و این در اثر نداشتن آگاهی و بصیرت است و اقبال لاهوری در وصف آنان می‌گوید:

آدم از بی‌بصری بندگی آدم کرد

گوهری داشت ولی صرف قباد و جم کرد

گویی از خوی غلامی ز سگان پست‌تر است

من ندیدم که سگی پیش سگی سر خم کرد

انسان‌های ره‌یافته جز بر درگاه معبود ازلی سر نسایند و پیوسته به عبادت او می‌شتابند. علی - علیه‌السلام - فرمود؛ لا تکن عبد غیرک لقد جعلک الله حراً؛ بنده دیگری مباش به‌درستی که خدا تو را آزاده آفریده است. هم‌چنین خداوند عزت را از آن خود، رسول خود و بندگان مؤمن خویش می‌داند و می‌فرماید: والله العزّة و لرسوله و للمؤمنین (منافقون، ۸/۶۳).

معنا دادن به زندگانی

ویکتور فرانکل که خود بنیان‌گذار مکتب معنا درمانی است، در کتاب خود که آن را «انسان در جست‌وجوی معنا» نامیده است، بر این باور است که انسان آن‌گاه از سلامت روانی برخوردار می‌شود و آن‌گاه آرامش را لمس می‌کند که در زندگانی خود احساس معنا کند. او در وهله نخست عشق را عامل ایجاد چنین معنایی می‌داند و عشق به یک آرمان و عشق به دیگری موردنظر اوست. او خود می‌نویسد یک‌بار یک عالم یهودی، که معنای زندگانی را از دست داده بود، نزد آمد و من با ایمانی که در وجودش بود زندگی او را معنی‌دار ساختم. او به درمانگرها توصیه می‌کند که در موقع درمان بیماران روانی تلاش کنید که زندگی آن‌ها را معنی‌دار نمایید. زیرا بیمار روانی

کسی است که معنای زندگی را از دست داده است.

عبادت و نماز نیز می‌تواند زندگی آدمی را معنا بخشد و برای آدمی حیاتی طیب را فراهم آورد که مالا مال از معناست. قرآن در این خصوص می‌فرماید: «من عمل صالحاً من ذکر او انشی و هو مؤمن فلنحیینه حیاة طيبة» (نحل، ۹۷/۱۶): هر کسی، اعم از زن و مرد، عمل صالح انجام دهد او را به حیاتی پاک و طیب زنده می‌گردانیم.

فرانکل می‌گوید: آنان که دارای زندگی معنی‌دار بودند، افراد مقاومی بودند که خود را تسلیم مرگ و خودکشی نمی‌کردند. یعنی عشق به زندگی آنان معنا داده بود و او رمز پایداری آنان را در عاشق بودن آن‌ها می‌داند. چه نیکو گفته است حافظ:

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق

ثبت است در جریده عالم دوام ما

برترین عشق نیز عشق به خالق است و نزدیک‌ترین حالت آدمی به خداوند هنگامی است که سر به سجده می‌نهد. در اینجا است که می‌توان به یکی از رازهای طولانی بودن سجده‌های امام زین‌العابدین - علیه‌السلام - پی برد و سخنان پر حلاوت عشق را خوش و زیبا تفسیر نمود و به قول حافظ گفت:

از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر

یادگاری که در این گنبد دوار بماند

پس نماز، که برترین جلوه‌های عشق را به نمایش می‌گذارد، می‌تواند در خانواده، زوجین را به یکدیگر علاقه‌مند و عطف نماید و آنان که عشاق خداوند، جلوه‌های دیگر خالق را نیز دوست می‌دارند و به همسر و فرزندان خویش به مثابه نشانه‌های خالق می‌نگرند و در میان آن‌ها عشق و علاقه فراوان است و به تعبیر قرآن «رحماء بینهم» (فتح، ۲۹/۴۸) را مدنظر قرار می‌دهند و چون به شکرگزاری معبود می‌پردازند، نمی‌توانند نسبت به مخلوق خدا شاکر نباشند. چرا که «من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق». در خانه‌ای که تشکر و سپاس‌گزاری از یکدیگر وجود داشته باشد



دل سردی‌ها و ناپایداری‌ها ره نمی‌یابد و این ابزار عشق و علاقه و سپاس و تشکر احساس تعلق به جمع خانواده را پدید می‌آورد، که یکی دیگر از نیازهای اساسی روانی است که با تأمین آن تعادل و بهداشت روانی فرد تحقق می‌یابد.

نماز، اگرچه به معنای بندگی در برابر خالق است، اما دل آدمی را رقت می‌بخشد و او را به سوی محبت به مخلوق سمت و سو می‌دهد و جمعی صمیمی را در محیط خانه پدید می‌آورد، چرا که اگر مسلمان از پیامبر - صلی‌الله‌علیه و آله و سلم - الهام نگیرد و رقیق‌القلب نباشد، اعضای خانواده و دیگران از گرد او پراکنده می‌شوند و قرآن خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «لو كنت فظاً غليظ القلب لا نفّضوا من حولك» (آل عمران، ۱۵۹/۳): ای پیامبر هر آینه اگر تو سخت دل بودی مردم از گرد تو می‌پراکندند.

وجود دل‌های پر محبت و با صفا کانون خانواده را گرم و روابط عاطفی را در آن مستحکم می‌سازد و آدمی در برخورد با افراد صمیمی و مهربان کمتر احساس آزرده‌گی و سرخورده‌گی می‌کند و خود را در محیطی آرام و سرشار از روابط گرم می‌یابد، زیرا عبادت و نماز به زندگی او معنا داده و آرامش بخشیده است.

کاهش فشارهای (استرس‌های) روانی

نماز موجب کاهش استرس‌ها می‌گردد و فشارهای روحی را کم می‌کند. زیرا آن‌گاه که آدمی در برابر خالق متعال می‌ایستد و لب به نماز و دعا می‌گشاید و او را رحمن و رحیم خطاب می‌کند، امید به رأفت و رحمت در دلش موج می‌زند و آن‌گاه که اشک ندامت از چشمانش جاری می‌شود و دردهای خویش را با خدا باز می‌گوید، پالایش روانی انجام می‌شود و انسان خود را سبک‌تر از قبل می‌یابد، چون به بندگی خدا تن می‌دهد و با تأکید می‌گوید: «یاک نعبد و یاک نستعین» (فاتحه، ۵/۱): فقط تو را عبادت می‌کنیم و فقط از تو یاری می‌جوییم. در این صورت، وی شانه را از فشار بار بندگی غیر، خالی می‌کند. زیرا این استرس و فشار ناشی از بندگی غیر خداست که

آدمی را می‌آزارد. لذا آن‌گاه که شهادت می‌دهد که خدایی غیر از خدای یکتا نیست «شَهِدَ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ» احساس آرامش می‌کند.

در نماز اذکاری وجود دارد که آدمی با بیان و تکرار آن کلمات ارزشمند و تلقین آن‌ها بر نفس خود، به آرامش می‌رسد و بهداشت روانی او تأمین می‌گردد. افراد فاقد استرس‌های روانی، در خانواده و در برخورد با دیگران فشار و دشواری کمتر متوجه آنان می‌شود و خانواده نیز از فضایی آرام و کم استرس برخوردار می‌گردد.

درمان یا کاهش افسردگی

آن‌کس که خوب و نیکو نماز می‌گزارد، کمتر دچار افسردگی می‌شود. فردی که به افسردگی مبتلا شده است نیز می‌تواند با استعانت از نماز، میزان افسردگی خود را کاهش دهد. بیان چنین اثری برای نماز به معنای آن نیست که افراد افسرده جهت درمان نیازی به روان‌شناسی یا روان‌پزشک ندارند، بلکه در حین بهره‌گرفتن از روش‌های روان‌درمانی از نماز و عبادت نیز می‌توانند برای کاهش یا درمان افسردگی خود بهره‌گیرند.

پژوهش‌های انجام‌شده نیز حکایت از صحت این ادعا دارد. اریک فروم در کتاب روان‌کاوی و دین می‌نویسد: نیاز دینی نیاز به یک الگوی جهت‌گیری و مرجعی برای اعتقاد و ایمان است و هیچ‌کس را نمی‌توان یافت که فاقد این نیاز باشد. تجلی این نیاز را در حین انجام نماز به خوبی می‌توان دید. تأمین چنین نیاز راه یافتن به سلامت را زمینه‌سازی می‌کند و یافته‌های محققین نیز مؤید این مدعاست.

چنان‌که پژوهشگرانی در سال‌های اخیر در جوامع اسلامی مثل ایران و مالزی جهت اتخاذ شیوه‌ روان‌درمانی برای بیماران مسلمان مبتلا به مشکلاتی نظیر اضطراب، افسردگی و داغدیدگی دست به تجربه تازه‌ای زده‌اند. مطالعات تجربی آنان نشان می‌دهد که با به‌کارگیری روان‌درمانی مثل استفاده از آموزش‌های قرآنی

و احادیث و ترغیب به نماز و دعا و ذکر، که یک نوع مراقبه است و بحث درباره موضوعات مذهبی بیماران، نسبت به گروه مشابهشان که درمان‌های غیرمذهبی دریافت داشته‌اند، به بهبود بیشتر و درمان سریع‌تری دست می‌یابند (اظهر ۱۹۹۵ و ارمه و ذاراپ ۱۹۹۴ و ابهری ۱۳۷۵).

آدمی به هنگام اقامه نماز، در برابر خالق می‌ایستد و با خدای خویش غم دل باز می‌گوید. مثلاً در حین قنوت می‌گوید اللهم اغفر لی الذنوب التي تحبس الدعاء (مصباح الکفعمی، ۵۵۵): خداوندا، آن گناهانم را که باعث حبس دعا شده‌اند ببخش یا می‌گوید: اللهم اغفر لی الذنوب التي تنزل البلاء (همان): خداوندا، آن گناهیانی از مرا ببخش که موجب نزول بلا شده‌اند. بیان این خواسته‌ها و نیازها و باز گفتن رازها و طلب مغفرت همگی موجبات کاهش غم می‌شود و آدمی به هنگام بیان غم‌ها احساس می‌کند که سبک می‌شود و امری تحقق می‌یابد که روان‌شناسان به آن پالایش روانی می‌گویند و این حالت موجب کاهش افسردگی فرد می‌شود و اگر آدمی پیوسته با خدای خویش راز و نیاز کند و غم دل باز گوید، هرگز مبتلا به افسردگی نمی‌شود، چنان‌که اولیای الهی نه می‌ترسند و نه محزون می‌شوند. یعنی در آنان حزن و افسردگی راه ندارد و اگر کسانی افسرده و حزين هستند، راز آن را باید در فاصله‌ای بیابند که از اولیای الهی دارند و به تعبیر دیگر فاصله بیشتری از خدا دارند و گفته‌اند:

دوست نزدیک‌تر از من به من است

وین عجب‌تر که من از وی دورم

پس در خانه‌ای که همه نمازگزارند و همه غم‌های خویش را با خدا باز می‌گویند، همه از افسردگی به دورند و از سلامت روانی برخوردارند.

منبع

مجموعه مقالات نماز و خانواده (شانزدهمین اجلاس سراسری نماز)، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، تهران، ۱۳۸۷

احکام نماز

حجت الاسلام محمود متوسل آرانی

کارشناس مسئول گروه تعلیم و تربیت دینی دفتر تألیف کتب درسی

مقدمه

انجام هر یک از دستورات دینی، به شکل درست و کامل، نیازمند شناخت احکام و آداب آن است. احکام، واجبات یک عمل، مانند نماز یا روزه را بیان می‌کند و آداب، مستحبات آن را. در قرآن کریم و روایات اسلامی، بیشترین احکام و آداب، مربوط به اقامه نماز است که رکن دین شمرده شده است.

فقه‌های اسلام، این دستورات را استخراج نموده و در قالب رساله‌های توضیح المسائل در اختیار عموم نمازگزاران قرار داده‌اند. طبیعی است هر مسلمانی وظیفه دارد با انتخاب یکی از فقه‌های واجد شرایط و تهیه رساله او، با وظایف دینی به درستی آشنا شود و براساس آن عمل کند و نمی‌تواند به شنیده‌ها و دیده‌های خود از دیگران استناد کند و آن را ملاک عمل خود قرار دهد. در این مختصر، تلاش شده است تا مسائل مورد نیاز و مبتلا به عموم مردم در امر نماز و مقدماتی همچون وضو و غسل استخراج گردد و براساس شماره مسئله یا سؤال مرتب شود...

مسائل وضو و غسل

❖ **مسئله ۲۴۸،** در وضو، شستن صورت و دست‌ها مرتبه اول واجب و مرتبه دوم جایز و مرتبه سوم و بیشتر از آن، حرام است و اگر با یک مشت آب، تمام عضو شسته شود یک مرتبه حساب می‌شود، چه قصد بکند یک مرتبه را یا قصد نکند.

❖ **مسئله ۲۵۰،** یک قسمت از چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است، جای مسح است و هر جای این قسمت را به اندازه مسح کند کافی است. اگر چه احتیاط مستحب آن است که از درازا به اندازه درازای یک انگشت و از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت بسته، مسح نماید.

❖ **مسئله ۳۱۹،** کسی که وضو ندارد، حرام است اسم خداوند متعال را به هر زبانی نوشته شده باشد مس نماید. هم چنین است بنابر احتیاط واجب، مس اسم مبارک پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام.

❖ **مسئله ۳۲۹،** اگر نمی‌شود روی زخم را باز کرد ولی زخم و چیزی که روی آن گذاشته پاک است و رسانیدن آب به زخم ممکن است و ضرر و زحمت و مشقت هم ندارد، باید آب را به روی زخم برساند و اگر زخم یا چیزی که روی آن گذاشته نجس است، چنانچه آب کشیدن آن و رساندن آب به روی زخم ممکن باشد بدون زحمت و مشقت، باید آن را آب بکشد و موقع وضو آب را به زخم برساند و در صورتی که آب برای زخم ضرر دارد یا آن که رساندن آب به روی زخم ممکن نیست یا زخم نجس است و نمی‌شود آن را آب کشید، باید اطراف زخم را بشوید و اگر جبیره پاک است روی آن را مسح کند و اگر جبیره نجس است یا نمی‌شود روی آن را دست‌تر کشید، مثلاً دواپی است که به دست می‌چسبد، پارچه پاکی

راه، به طوری که جزء جبیره محسوب شود، روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد و اگر هم ممکن نیست، احتیاط واجب آن است که وضو بگیرد و تیمم هم بنماید.

توضیح: چیزی که با آن زخم و جای شکسته را می‌بندند و دوايي که روی زخم و مانند آن می‌گذارند جبیره نامیده می‌شود.

❖ **مسئله ۳۶۱،** در غسل ترتیبی باید به نیت غسل، اول سر و گردن، بعد طرف راست و سپس طرف چپ بدن را بشوید و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا به واسطه ندانستن مسئله به این ترتیب عمل نکنند، غسل او باطل است. برای آن که یقین کند هر سه قسمت، یعنی سر و گردن و طرف راست و طرف چپ را کاملاً غسل داده است، باید هر قسمتی را که می‌شوید مقداری از قسمت‌های دیگر را هم با آن قسمت بشوید.

مسائل نماز

❖ **مسئله ۷۵۱،** مستحب است انسان نماز را در اول وقت آن بخواند و راجع به آن خیلی سفارش شده است و هر چه به اول وقت نزدیک‌تر باشد بهتر است، مگر آن که تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

❖ **مسئله ۷۵۲،** هرگاه انسان عذری دارد که اگر بخواهد در اول وقت نماز بخواند، ناچار است با تیمم نماز بخواند، چنانچه بداند یا احتمال دهد که عذر او تا آخر وقت باقی است، می‌تواند در اول وقت نماز بخواند.

❖ **مسئله ۷۵۶،** اگر به نیت نماز ظهر مشغول نماز شود و در بین نماز یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده است، نمی‌تواند نیت را به نماز عصر برگرداند بلکه باید نماز را بشکند و نماز عصر را بخواند و همین‌طور است در نماز

مغرب و عشا.

❖ **مسئله ۷۸۱**، نماز مستحبی را می‌شود در حال راه رفتن و سواری (درماشین، قطار، هواپیما و کشتی) خواند و اگر انسان در این دو حال، نماز مستحبی بخواند لازم نیست رو به قبله باشد.

❖ **مسئله ۷۸۹**، زن باید در موقع نماز، تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشاند ولی پوشاندن صورت (به مقداری که در وضو شسته می‌شود) و دست‌ها تا مچ و پاها لازم نیست. اما برای آن که یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین‌تر از مچ را هم بپوشاند و در حضور نامحرم پاها را نیز باید بپوشاند.

❖ **مسئله ۸۶۱**، اگر لباس‌های کوچک نمازگزار مثل عرقچین و جوراب که نمی‌شود با آنها عورت را بپوشاند نجس باشد، چنانچه از مردار و حیوان حرام گوشت درست نشده باشد نماز با آنها صحیح است و نیز اگر با انگشتی نجس نماز بخواند اشکال ندارد.

❖ **مسئله ۴۳۲**، زنی در اثنای نماز متوجه می‌شود که مقداری از موهایش پیداست و فوراً آن را می‌پوشاند، آیا نماز خود را باید دوباره بخواند یا خیر؟
ج: تا زمانی که ظاهر شدن مو عمدی نباشد، اعاده واجب نیست.

س ۴۴۲: به دست کردن انگشت طلا توسط مردان، به خصوص در نماز، چه حکمی

دارد؟

ج: دست کردن انگشت طلا برای مردان در هیچ حالی جایز نیست و نماز با آن هم بنابر احتیاط واجب، باطل است.

❖ **مسئله ۸۸۹**، بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت جایز نیست و احتیاط در نماز نخواندن در آنجاست لیکن اگر خواند نمازش باطل نیست.

❖ **مسئله ۹۱۳**، وقتی انسان وارد مسجد می‌شود، مستحب است دو رکعت نماز به

قصد تحیت و احترام مسجد بخواند و اگر نماز واجب یا مستحب دیگری هم بخواند کافی است.

❖ **مسئله ۹۹۵،** اگر در جایی که باید نماز را بلند خواند عمداً آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته بخواند عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله باشد صحیح است.

❖ **مسئله ۱۰۰۵،** در رکعت سوم و چهارم نماز می تواند فقط یک حمد بخواند یا سه مرتبه تسبیحات اربعه بگوید، یعنی سه مرتبه بگوید: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» (و اگر یک مرتبه هم تسبیحات اربعه بگوید کافی است) و می تواند در یک رکعت حمد و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید و بهتر است در هر دو رکعت تسبیحات بخواند. در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه را یک مرتبه بگوید.

❖ **مسئله ۱۰۸۶،** اگر در سجده اول، مهر به پیشانی بچسبد و بدون این که مهر را بردارد دوباره به سجده رود اشکال دارد، بلکه نماز باطل است و باید اعاده کند.

س ۴۸۸: آیا طلب حاجات به زبان فارسی اشکال دارد؟

ج: دعا در قنوت به زبان فارسی اشکال ندارد، بلکه هر دعایی را در قنوت می توان به هر زبانی خواند.

س ۴۸۹: سجده و تیمم بر سیمان و موزائیک چه حکمی دارد؟

ج: سجده و تیمم بر آن دو اشکال ندارد. اگر چه احوط ترک تیمم بر سیمان و موزائیک است.

❖ **مسئله ۱۱۳۸،** انسان باید جواب سلام را چه در نماز یا در غیر نماز فوراً بگوید و اگر عمداً یا از روی فراموشی جواب سلام را به قدری طول دهد، که اگر جواب بگوید جواب آن سلام حساب نشود، چنانچه در نماز باشد نباید

جواب بدهد و اگر در نماز نباشد، جواب دادن واجب نیست.

❖ **مسئله ۱۱۶۴**، اگر پیش از آن که به اندازه رکوع خم شود یادش بیاید که اذان یا اقامه را فراموش کرده است، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، مستحب است برای گفتن آنها نماز را بشکند.

س ۵۰۴، گاهی هنگام خواندن نماز واجب متوجه کودکی می‌شویم که در حال انجام کار خطرناکی است، آیا جایز است بعضی از کلمات سوره حمد یا سوره دیگر یا بعضی از ذکرها را بلند بخوانیم تا کودک یا کسانی که در خانه هستند، متوجه شوند و خطر رفع گردد؟ اگر هنگام قیام نماز دست یا ابرو را برای فهماندن چیزی به کسی یا در جواب سؤال او تکان دهیم، آن نماز چه حکمی دارد؟

ج: اگر بلند کردن صدا هنگام قرائت آیات یا ذکرهای نماز برای آگاه کردن دیگران، موجب خروج از هیئت نماز نشود، اشکال ندارد. مشروط به این که قرائت و ذکر به نیت قرائت و ذکر باشد، و حرکت دادن دست یا چشم و ابرو اگر مختصر و به نحوی باشد که با استقرار و آرامش یا هیئت نماز منافات نداشته باشد، موجب بطلان نماز نمی‌گردد.

❖ **مسئله ۱۱۷۹**، اگر بعد از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح بوده یا نه، مثلاً شک کند رکوع کرده یا نه، یا بعد از سلام نماز چهار رکعتی شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، به شک خود اعتنا نکند.

❖ **مسئله ۱۱۸۰**، اگر بعد از گذشتن وقت نماز شک کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، خواندن آن لازم نیست، ولی اگر پیش از گذشتن وقت، شک کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، باید آن نماز را بخواند بلکه اگر گمان کند که خوانده، باید آن را به جا آورد.

❖ **مسئله ۱۱۹۲**، اگر امام جماعت در شماره رکعت‌های نماز شک کند، مثلاً شک کند که سه رکعت خوانده یا چهار رکعت، چنانچه مأوم یقین یا گمان

داشته باشد که چهار رکعت خوانده است و به امام بفهماند که چهار رکعت خوانده است، امام باید نماز را تمام کند و خواندن نماز احتیاط لازم نیست و نیز اگر امام یقین یا گمان داشته باشد که چند رکعت خوانده است و مأوم در شماره رکعت‌های نماز شک کند، باید به شک خود اعتنا ننماید.

❖ **مسئله ۱۱۶۵، ۱۱۹۹**، شک در شماره رکعت نمازهای دو رکعتی و سه رکعتی نماز را باطل می‌کند و در نمازهای چهار رکعتی ابتدا باید فکر کند، پس اگر یقین یا گمان به یک طرف شک پیدا کرد همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند. در شک میان سه و چهار باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به جا آورد.

❖ **مسئله ۱۲۱۵**، کسی که نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از سلام نماز باید فوراً نیت نماز احتیاط کند و تکبیر بگوید و فقط سوره حمد را بخواند و به رکوع رود و دو سجده نماید و بعد از تشهد سلام دهد.

❖ **مسئله ۱۲۳۸**، برای حرفی که از آه کشیدن و سرفه پیدا می‌شود، سجده سهو واجب نیست، ولی اگر مثلاً سهواً آخر یا آه بگوید، باید سجده سهو نماید.

❖ **مسئله ۱۲۴۴**، اگر یک سجده یا تشهد را فراموش کند و پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید، باید برگردد و به جا آورد.

❖ **مسئله ۱۲۵۰**، دستور سجده سهو این است که بعد از سلام نماز فوراً نیت سجده سهو کند و پیشانی را به چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و بهتر است بگوید: «بسم الله و بالله السلام عليك ايها النبي و رحمه الله و برکاته» بعد بنشیند و دوباره به سجده رود و ذکر را که گفته شد بگوید و بنشیند و بعد از خواندن تشهد سلام دهد.

❖ **مسئله ۱۳۴۳**، مسافری که قصد کرده است ده روز در محلی بماند، اگر روزه بگیرد و بعد از ظهر از ماندن در آنجا منصرف شود، چنانچه یک نماز چهار رکعتی خوانده باشد، روزه‌اش صحیح است و تا وقتی در آنجا هست باید نمازهای خود را تمام بخواند و اگر یک نماز چهار رکعتی نخوانده باشد روزه آن روزش صحیح است، اما نمازهای خود را باید شکسته بخواند و روزهای بعد هم نمی‌تواند روزه بگیرد.

❖ **مسئله ۱۳۵۴**، مسافری که می‌خواهد نه روز یا کمتر در محلی بماند، اگر بعد از آن که نه روز یا کمتر در آنجا ماند، بخواند دوباره نه روز دیگر یا کمتر بماند همین طور تا سی روز، روز سی و یکم باید نماز را تمام بخواند.

❖ **مسئله ۱۳۶۲**، اگر فراموش کند که مسافر است و نماز را تمام بخواند، چنانچه در وقت یادش بیاید، باید شکسته به جا آورد و اگر بعد از وقت یادش بیاید، قضای آن نماز بر او واجب نیست.

❖ **مسئله ۱۳۸۴**، کسی که نماز قضا از همین روز یا روزهای پیش دارد می‌تواند قبل از خواندن نمازی که قضا شده نماز ادایی را بخواند و لازم نیست نماز قضا را جلو بیندازد.

❖ **مسئله ۱۳۸۸**، نماز قضا را با جماعت می‌شود خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا و لازم نیست هر دو یک نماز را بخوانند مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد.

❖ **مسئله ۱۴۰۳**، وقتی که جماعت برپا می‌شود، مستحب است کسی که نمازش را فردای خوانده دوباره با جماعت بخواند و اگر بعد بفهمد که نماز اولش باطل بوده، نماز دوم او کافی است.

❖ **مسئله ۱۴۲۱**، اگر مأموم بعد از نماز بفهمد که امام عادل نبوده یا کافر بوده، یا به جهتی نمازش باطل بوده مثلاً بی‌وضو نماز خوانده، نمازش صحیح است.

- ❖ **مسئله ۱۴۲۷**، اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و به رکوع امام برسد، اگر چه ذکر امام تمام شده باشد، نمازش به طور جماعت صحیح است و یک رکعت حساب می‌شود. اما اگر به مقدار رکوع خم شود و به رکوع امام نرسد نمازش به طور فردی صحیح است و باید آن را تمام نماید.
- ❖ **مسئله ۱۴۶۰**، موقعی که مأموم نیت می‌کند، باید امام را معین نماید. ولی دانستن اسم او لازم نیست، مثلاً اگر نیت کند اقتدا می‌کنم به امام حاضر، نمازش صحیح است.
- ❖ **مسئله ۱۴۸۹**، مکروه است مأموم ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود.
- ❖ **مسئله ۱۵۳۳**، بعد از مرگ انسان، می‌شود برای نماز و عبادت‌های دیگر او که در زندگی به جا نیاورده است، دیگری را اجیر کنند یعنی به او مزد دهند که آنها را به جا آورد.

پی‌نوشت

❖ یادآوری می‌شود که نظر سایر مراجع نیز در این مسائل دیده شده و عموماً با نظر حضرت امام (ره) تفاوتی نداشته یا جزئی و اندک بوده است.

منبع

امام خمینی، توضیح المسائل دو جلدی (محشی)، انتشارات جامعه مدرسین قم

دکتر محمد مهدی اعتصامی

پژوهشگر و نویسنده

مقدمه

پیامبر اکرم (ص) فرمود: نماز ستون دین است که اگر قبول شود، عبادت‌های دیگر هم قبول می‌شود و اگر قبول نگردد، عبادت‌های دیگر هم قبول نمی‌گردد.^۱ این بیان پیامبر گرامی نشان‌دهنده جایگاه نماز در دین و نقش ممتاز آن در دینداری یک مسلمان است. از این رو لازم و ضروری است که با حکمت نماز و چرایی آن هرچه بیشتر آشنا شویم تا این عمل گران‌قدر و پرارزش را با معرفت کامل‌تر اقامه کنیم و آثار و ثمرات آن را روز به روز زندگی خود بیشتر مشاهده کنیم. در این مقاله به دو حکمت از حکمت‌های نماز پرداخته شده است.

۱۰۱

کلیدواژه‌ها: نماز، حکمت، یاد خدا، امر به معروف و نهی از منکر، تسبیح، حمد،

دعا

مراد از حکمت یا فلسفه اعمال چیست؟

وقتی که از «حکمت»، «فلسفه» و «راز» یک عمل سخن می‌گوییم، منظورمان هدف و مقصودی است که برای آن عمل پیش‌بینی شده است. اگر از کسی بپرسیم که «چرا این کار را می‌کنی؟» یا «حکمت و فلسفه این کار چیست؟»، در حقیقت از او خواسته‌ایم که هدف و مقصودش از آن کار را برای ما بازگو نماید.

روشن و واضح است که اعمال و رفتارهایی که خداوند از بندگانش خواسته است و امر فرموده که آن‌ها را انجام دهند، به این سبب بوده که بندگان، با انجام آن اعمال به اهدافی برسند. البته مجموعه دستورات و فرامین الهی که «دین» نامیده می‌شود برای سعادت جاویدان انسان و رساندن او به قله‌های کمال و خوبی‌ها و زیبایی است و هر یک از این فرمان‌ها، در داخل این مجموعه نقش خاصی را برعهده دارد و هدف ویژه‌ای را دنبال می‌کند.

نقش نماز در این مجموعه به‌گونه‌ای است که ستون خیمه دین شمرده شده؛ یعنی اگر نماز نباشد، دین فرو می‌ریزد و وجود خارجی خود را از دست می‌دهد. به عبارت دیگر، هدف و مقصودی که برای نماز تعیین شده است و انسان با انجام درست نماز به آن دست می‌یابد آن چنان بزرگ و ارزشمند است که اگر نماز اقامه نشود و آن هدف به دست نیاید، اصل و اساس دین فرد فرو می‌ریزد و فقط اسمی از آن باقی می‌ماند.

با توجه به اهمیت نماز، دو حکمت از حکمت‌های نماز را به اختصار بازگو می‌کنیم:

یاد خدا

قرآن کریم مؤمنان را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (احزاب، ۴۱ و ۴۲): ای

مؤمنان خدا را بسیار یاد کنید و او را از بامدادان تا شامگاهان تسبیح کنید.

پیام اصلی این آیه بیان یکی از ویژگی‌های انسان مؤمن، یعنی به یاد خدا بودن اوست. هر قدر که ایمان فرد عمیق‌تر و قوی‌تر باشد به یاد خدا بودن او نیز بیشتر است. اگر کسی بخواهد درجهٔ ایمان خود را ارزیابی کند باید ببیند در طول روز چه قدر به یاد خداست و به او توجه دارد.

ممکن است پرسند که چرا یاد خدا این‌قدر اهمیت دارد؟

در پاسخ می‌گوییم: برای این که میزان یاد و توجه به هر چیزی یا هر کسی نشان‌دهندهٔ میزان اهمیت آن چیز و آن کس، نزد یادکننده است. هر یک از ما، در طول روز، هفته، سال و حتی زندگی، به اموری اهمیت می‌دهیم و همان امور دغدغهٔ خاطرمان می‌شود و به اصطلاح، به آن‌ها دل مشغولیم، یعنی به «یاد» آن‌ها هستیم. یاد آن‌ها خاطرمان را پر می‌کند و در همان حال که به کارهای روزانه می‌پردازیم، توجه به آن‌ها از خاطرمان محو نمی‌شود. صبحانه می‌خوریم، به تماشای تلویزیون می‌نشینیم، رانندگی می‌کنیم، به محل کار می‌رویم، مشغول کار و شغل خود هستیم و خلاصه به هر کاری که می‌پردازیم، یاد آن امر مهم از ذهنمان خارج نمی‌شود. انسان مؤمن، که به درجه‌ای از معرفت به خداوند دست یافته و شأن و منزلت خداوند را درک کرده است، به تدریج به جایی می‌رسد که هیچ‌گاه اندیشه و قلبش خالی از حضور خدا نیست. امیر مؤمنان فرمود:

«مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَبَعْدَهُ وَمَعَهُ»^۲

به چیزی ننگریستم، مگر این که خداوند را قبل از آن و بعد از آن و همراه آن دیدم. این حدیث، علاوه بر این که در خصوص رابطهٔ اشیا با خداوند معنایی بسیار دقیق دارد، حاکی از حضور دائمی خداوند در اندیشهٔ امام علی (ع) نیز هست.

ثمره و میوهٔ حضور خداوند در ذهن و یاد هر مؤمن، تعالی روحی و اخلاقی اوست. به طور مثال، در لحظه‌ای که انسان به یاد خداست و خدا در اندیشه‌اش حضور دارد،

گناه نمی‌کند؛ زیرا احساس می‌کند که خداوند در حال مشاهدهٔ اوست. در نتیجه، حیا می‌کند که در پیشگاه خداوند مرتکب گناه شود. پس، توجه می‌کنید که مقصود از یاد خدا، صرفاً گفتن کلمات ذکر نیست، گرچه آن کلمات هم جایگاه خود را دارند و به آن‌ها هم خواهیم پرداخت؛ بلکه مقصود اصلی حضور خداوند در خاطر و اندیشه و قلب فرد است.

نتیجهٔ روی گردانی از یاد خدا

اگر کسی از خدا غافل شود از او دوری نماید و پشت کند، شیطان که وسوسه‌کنندهٔ به بدی‌هاست، همراه و هم‌نشین او می‌گردد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ» (زخرف، ۳۶): و هر کس از یاد خدای رحمان روی برتابد، شیطانی برای او می‌گماریم که هم‌نشین او باشد.

یعنی، وقتی انسان از حق دوری کرد، به مقابل حق که همان باطل باشد روی آورده است و کسی که یاد خدا را که یاد همهٔ خوبی‌ها و زیبایی‌هاست، از دل بیرون نمود، کار برای شیطان آسان می‌شود و او بدی‌ها و زشتی‌ها را در قلبش زمزمه خواهد کرد.

معرفت به خدا و یاد او

در این جا لازم است توضیح دهیم که یاد هر کسی با معرفت به آن چیز رابطه و تناسب دارد. اگر شناخت و معرفتی از کسی نداشته باشیم، یاد و خاطرش برای ما مطرح نمی‌شود و موضوعیت پیدا نمی‌کند. اگر شناخت ما از آن کس این‌گونه باشد که وی دارای صفات زشت و ناپسند است، هر وقت بخواهیم از یک انسان بد، نام ببریم او را به یاد می‌آوریم. یعنی یاد او مساوی با بدی‌ها و زشتی‌هاست. و همین یاد، سبب دوری ما از او می‌گردد. به‌طور مثال، یاد شیطان، فرعون، نمرود، چنگیز، ابوسفیان،

یزید و مانند این‌ها همراه با تنفر و دور شدن است. اگر شناخت ما از یک فرد این‌گونه باشد که وی دارای صفات پسندیده و فضائل اخلاقی است، یاد او همراه با حبّ و دوستی به وی است. زیرا یاد وی، یاد زیبایی‌ها و کمالاتی است که هر انسانی در نهاد و سرشت خود، آن‌ها را می‌پسندد و دوست دارد. یاد پیامبر اکرم (ص)، امیرمؤمنان و سایر ائمه اطهار (ع) و همه کسانى که در مسیر این بزرگواران گام نهادند، یاد کرامت‌های اخلاقی و زیبایی‌های معنوی است. لذا این یاد سبب جذب و کشیده شدن ما به سمت آنان می‌شود و عشق و محبت به آنان را در ما تقویت می‌کند.

از این‌رو، یاد خدا وقتی با معرفت و شناخت بیشتر صورت می‌گیرد مؤثرتر و کارسازتر است. یعنی از یک طرف ما را به خوبی‌ها و زیبایی‌های او بیشتر جذب می‌کند و عشق به محبت او را در دل، افزایش می‌دهد و از طرف دیگر ما را از بدی و زشتی‌ها بیشتر متنفر می‌کند و از شیطان دور می‌نماید.

پس باید روز به روز شناخت خود را به خداوند افزایش دهیم و معرفت خود را کامل‌تر کنیم. البته شناخت ذات خداوند برای بشر امکان‌پذیر نیست زیرا او وجود مطلق و بی‌نهایتی است که در دایره ذهن محدود ما نمی‌گنجد. اما می‌توانیم صفات خدا، رابطه جهان با خدا، خالقیت خداوند، هدایتگری خداوند و موضوعاتی از این قبیل را در حد توان خود بشناسیم و با این شناخت، یاد او و عشق و محبت به او را در خود تقویت کنیم.

می‌دانیم که خداوند همه صفات کمالی و زیبا را دارد و الا توانایی عطا کردن آن‌ها را به مخلوقات نداشت و هیچ نقص و زشتی‌ای را نمی‌توان به او نسبت داد. زیرا خدای ناقص، دیگر خدا نیست و خودش نیازمند به خالق است. افزایش معرفت ما به خداوند به درک عمیق‌تر همین حقیقت بستگی دارد که تا چه میزان صفات کمالی و زیبایی او را می‌شناسیم و تا چه میزان او را از بدی‌ها و زشتی دور می‌داریم. مثلاً وقتی می‌گوییم خدایا تو رحمانی، تو قادری و تو بخشنده‌ای، چه قدر به عمق این

اوصاف پی برده‌ایم و آن گاه که می‌گوییم خدا یا تو نیازمند نیستی، تو از چیزی متولد نشده‌ای و تو مانند نداری، تا چه میزان این مفاهیم را درک کرده‌ایم. میزان درک ما در عمق بخشی به یاد خدا و عشق و محبت ما به خدا ارتباط دارد.

ابعاد یاد خدا

وقتی که درجاتی از معرفت و شناخت خداوند برای ما به دست آمد، یاد خداوند نیز متناسب با آن معرفت شکل می‌گیرد و در ابعاد زیر ظهور می‌کند:

الف) تسبیح

تسبیح، یعنی منزه داشتن از نقص و بدی.^۳ وقتی می‌گوییم «سبحان الله» مقصودمان این است که خدا از هر نقص و بدی به دور است و عقلاً نمی‌توان برای وجودی که آفریننده جهان است و مخلوق نیست، نقص و عیبی فرض کرد.

همه مخلوقات جهان، با هستی و عمل خود منزه بودن خداوند از هر عیب و نقص را حکایت می‌کنند و نشان می‌دهند. قرآن کریم می‌فرماید:

«يُسَبِّحُ لَهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (حشر، ۲۴):

آنچه در آسمان‌ها و زمین است خداوند را تنزیه می‌کنند و او عزیز و حکیم است. مشرکان، کسانی بودند و هستند که برای خداوند شریک قائل می‌شدند و موجودات دیگری را در خالقیت در کنار خداوند قرار می‌دادند. قرآن درباره آنان می‌فرماید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (حشر، ۲۲):

صفتی مانند زمان داشتن، مکان داشتن، جهل، مرگ، عجز، نیاز به پدر و مادر، نیاز به فرزند، ظلم، بخل، ترس و حسادت که نشانه‌های نقص یک موجودند برای خدا مطرح نیست و او از این قبیل اوصاف به دور است و همه مخلوقات به این حقیقت اعتراف می‌کنند، گرچه ما انسان‌ها متوجه نشویم.

«وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» (اسراء، ۴۴)

تسبیح گوی تو نه بنی آدم اند و بس

هر بلبل که زمزمه بر شاخسار کرد

حکیم سنایی در یکی از اشعار زیبای خود که خداوند را وصف می کند، در برخی

از ابیات، نقص و عیب را از خدا سلب می کند و می گوید:

بری از رنج و گدازی بری از درد و نیازی

بری از بیم و امیدی بری از عیب و خطایی

نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی

نتوان شبه تو جستن که تو در وهم نیایی

تسبیح دارای سه مرحله است:

۱. **تسبیح قلبی:** یعنی منزه دانستن خداوند از هر عیب و نقص در قلب و دل.

۲. **تسبیح زبانی:** یعنی منزه داشتن خداوند از هر عیب و نقص در زبان و گفتار.

مانند گفتن «سبحان الله» (منزه است خدا) یا گفتن عبارتهایی که یکی از

نقص ها را از خدا دور می کند، مانند این عبارت سنایی که می گوید «بری از رنج

و گدازی بری از درد و نیازی».

۳. **تسبیح عملی و رفتاری:** یعنی انسان با کردار و رفتار خود نشان دهد که خداوند

منزه از عیب و نقص است. به طور مثال، کسی که در مشکلات و سختی ها بر خدا

توکل می کند و برای رفع حاجت خود در مقابل دیگران ذلیل نمی شود و گدایی

نمی کند، در عمل نشان می دهد که خداوند عاجز و ناتوان نیست و توانایی حل

مشکلات او را دارد.

تسبیح قلبی، اساس و پایه دو تسبیح دیگر است. اگر انسانی در قلب خود خداوند

را از نقص ها منزه بدارد، در گفتار و عمل هم چنین خواهد کرد.

نماز، جلوه‌گاه تسبیح خداوند

نماز، تمرین شبانه‌روزی تسبیح خداوند است. وقتی که انسان در طول زندگی، روزانه، حداقل پنج نوبت خداوند را تسبیح کند، به تدریج این حقیقت در قلب او بیشتر جای‌گزین می‌شود. نمونه‌هایی از تسبیح در نماز عبارت‌اند از:

یکم - در سورة توحید می‌گوییم: «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»:

خداوند فرزند ندارد و فرزند کسی هم نیست و هیچ کس نیز مانند او نیست.

دوم - به رکوع می‌رویم و می‌گوییم: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ»:

پروردگار بزرگ خود را منزه می‌دانم و او را می‌ستایم.

سوم - در سجده می‌گوییم: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ»:

پروردگار والا مرتبه خود را منزه می‌دانم و او را می‌ستایم.

چهارم - در تشهد می‌گوییم «لَا شَرِيكَ لَهُ»:

برای او شریکی نیست.

ب) حمد

حمد، به معنای ستایش کردن است.^۴ وقتی که مادر کسی خوبی و زیبایی می‌یابیم او را ستایش می‌کنیم و به آن خوبی می‌ستاییم و از الفاظی مانند «آفرین»، «به، به»، «احسنت» و «بارک الله» استفاده می‌کنیم. بنابراین، وقتی می‌توان کسی را ستود که در او خوبی و زیبایی باشد و الا یک ستودن ریاکارانه می‌شود.

اگر نقاشی زیبایی می‌بینیم و به نقاش آن آفرین می‌گوییم، اگر شعر زیبایی را می‌خوانیم و به سراینده آن درود می‌فرستیم، اگر یک محصول صنعتی را مشاهده می‌کنیم و سازنده آن را تقدیر می‌کنیم و اگر انسان‌های عالم، عدالت‌گستر و شجاع را احترام می‌کنیم، همه این کارها نمودی از ستایش است.

البته ستایش برتر و حقیقی از آن خداست. زیرا او سرچشمه همه کمالات و

زیبایی‌ها و نیکی‌های جهان خلقت است. آن نقاش، صنعتگر و شاعر توان خود را از خداوند گرفته‌اند و از خود چیزی ندارند. از این رو قرآن کریم می‌فرماید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ»: هر ستایشی برای خداست.

حمد نیز مانند تسبیح سه مرحله دارد:

۱. **حمد قلبی**: یعنی ستایش خداوند در قلب و دل، به دلیل خوبی‌ها و زیبایی‌های او.

۲. **حمد زبانی**: یعنی ستایش خداوند در زبان و گفتار، به دلیل خوبی‌ها و زیبایی‌های او.

۳. **حمد عملی و رفتاری**: یعنی انسان با کردار و رفتار خود نشان‌دهنده زیبایی‌ها و خوبی‌های خداوند باشد. به عبارت دیگر، انسان در عمل خداگونه شود و تجلی بخش صفات کمالی و زیبایی خدا شود. انسان می‌تواند در حد توان خود تجلی‌بخش صفاتی مانند حیات، علم، خلاقیت، عدالت، حکمت، رحمت، مهربانی، پاکی، صداقت، عزت و تدبیر گردد و در زندگی عملی خود این اوصاف را نشان دهد.

حمد قلبی مبنای دو حمد دیگر است. هر قدر انسان در قلب و باطن خود ستایشگر خداوند باشد، در زبان و رفتار خود نیز بهتر خداوند را خواهد ستود.

نماز، جلوه‌گاه حمد خداوند

همان‌طور که در نماز خداوند را تسبیح می‌کنیم، به حمد و ستایش او هم می‌پردازیم و تکرار این کار در طول شبانه‌روز و در سال‌های عمر، سبب نفوذ این حقیقت در قلب می‌شود و وقتی که قلب جایگاه حمد خداوند گردید، در عمل و رفتار نیز تجلی می‌کند.

نمونه‌هایی از حمد در نماز عبارت‌اند از:

یکم - در سوره حمد می‌خوانیم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»: هر ستایشی برای خداست که پروردگار جهانیان است. «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»: خدایی که مهربان و بخشنده

است. «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»: خدایی که مالک روز جزاست.

دوم- در رکوع می‌گوییم: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ»: پروردگار بزرگ خود را منزه می‌دانم و او را می‌ستایم.

سوم- در سجده می‌گوییم: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ»: پروردگار والا مرتبه خود را منزه می‌دانم و او را می‌ستایم.

پس ما در عمل رکوع، هم خدا را تسبیح می‌کنیم و هم حمد او را به‌جا می‌آوریم. او را از عیب و نقص منزه می‌دانیم و به خاطر زیبایی و کمال و خوبی‌اش، او را ستایش می‌کنیم.

دعا

دومین حکمت و فلسفه‌ای که برای نماز تعیین شده، اظهار نیاز و حاجت و به درگاه خداوند و درخواستِ برآوردن حاجات از اوست. در حدیث نبوی (ص) آمده است: «الدَّعَاءُ مَخَّ الْعِبَادَةِ»؛ دعا مغز عبادت است. (بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۰) دعا و درخواست از خداوند، ریشه در نگرش توحیدی انسان مسلمان دارد. انسان مسلمان می‌داند که خالق و آفرینندهٔ جهان خداست و اوست که هم‌اکنون و هر لحظه در حال اداره و تدبیر عالم هستی است و نظام جهان با علم و تدبیر او سامان یافته و با قدرت و ارادهٔ او ایجاد می‌شود. در این صورت، قدرتی در عالم نیست که بتواند مانع ارادهٔ الهی شود یا با خداوند مشارکت نماید. بنابراین، اوست که حاجات ما را می‌تواند برآورده سازد و به نیازهای ما پاسخ دهد. خداوند می‌فرماید:

البته، چون همواره علم ما ناقص و کوتاه است و از عواملی که سبب منفعت یا زیان حقیقی ما می‌شوند به طور کامل اطلاع نداریم،

أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ (غافر، ۶۰): بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را.

همچنین چگونگی درخواست از خداوند را آموزش می‌دهد؛ از جمله این که

می‌فرماید:

وَلِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا (اعراف، ۱۸۰):

نیکوترین نام‌ها از آن خداست، پس او را با آن نام‌ها بخوانید.

در هنگام دعا و نیایش، می‌توانیم خداوند را با نام‌های نیکویش صدا بزنیم و از او درخواست خود را طلب کنیم، به‌خصوص اگر بتوانیم اسمی را به‌کار ببریم که با درخواست ما تناسب داشته باشد. مثلاً بگوییم:

ای غفار، از گناهان من درگذر.

ای ستار، خطاهای مرا ببوشان.

ای منتقم، انتقام ستمدیدگان را از ظالمان بگیر.

ای علیم، ما را به زیور علم آراسته گردان.

یا مقلب القلوب، ثبت قلبی علی دینک.

همچنین می‌فرماید:

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً (اعراف، ۵۵): پروردگار خود را با حالت تضرع و زاری و در

نهان بخوانید.

حالت زاری و تضرع، نشان‌دهندهٔ عمق نیاز است. کسی واقعاً نیازمند چیزی است، هرچه این نیاز برای او مهم‌تر باشد، حالت تضرع او افزایش می‌یابد؛ یعنی وقتی که تشنگی و طلب فزونی گرفت، تضرع و زاری به دنبال آن می‌آید و آن‌گاه که این تشنگی و طلب حاصل شد، رسیدن به آب، ارزشمندی خاص پیدا می‌کند و اثر حیات‌بخش آن بر جان انسان تشنه می‌نشیند. بنابراین، تضرع، علامت آن تشنگی حقیقی است.

آب کم جو تشنگی آور به دست

تا بجوشد آبت از بالا و پست

دعای نهانی، دعای با حضور قلب و بدون ریا و دورویی است.

البته خواندن برخی دعاها به صورت جمعی، منافاتی با نهانی بودن آن ندارد. مثلاً هنگامی که انسان در مجلس دعای کامل شرکت می‌کند و با دیگران دعا را زمزمه می‌نماید، هماهنگ با دیگران خدا را می‌خواند و در همان حال، نیازهای شخصی خود را در درون خود با خدا در میان می‌گذارد. شرکت در مجالس دعا، حال تضرع دعا را افزایش می‌دهد، همان‌طور که شرکت در نماز جماعت، حال و هوای معنوی خاصی ایجاد می‌کند.

در موضوع دعا، مباحث زیادی مانند شرایط پذیرش دعا، بهترین زمان‌ها برای دعا و آداب دعا وجود دارد که چون اصل این مقاله مربوط به دعا نیست، نمی‌توانیم به آن‌ها بپردازیم. همین‌قدر می‌گوییم که معصومین بزرگوار ما فرموده‌اند یکی از بهترین اوقات دعا، پایان نماز است.

امام باقر(ع) فرمود: «چون نمازت به پایان رسید، به نیایش و دعا بکوش»^۵
 امام صادق(ع) فرمود: «سه وقت است که نیایش و دعا به درگاه خداوند حاجب و مانع ندارد: بعد از نمازهای واجب، هنگام نزول باران و آن‌گاه که نشانهٔ اعجاز آمیزی از خداوند در زمین ظاهر شود.»^۶

نماز، جلوه‌گاه دعا

گرچه اجزای اصلی نماز را «یاد خدا»؛ یعنی «تسبیح» و «حمد» تشکیل می‌دهد، اما خداوند نماز را به گونه‌ای تشریع فرموده است که انسان در میان تسبیح و حمد، به دعا نیز بپردازد. نمونه‌هایی از دعا در نماز عبارت‌اند از:

۱. وقتی که سورهٔ حمد را در نماز می‌خوانیم، به این جملات می‌رسیم:
 اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ. (سورهٔ حمد، ۶ و ۷): خدایا ما را به راه راست و استوار راهنمایی فرما، راه کسانی که به آنان نعمت بخشیدی، نه راه آنان که بر آن‌ها خشم گرفتی و نه راه گمراهان.

۲. قنوت، یکی از اعمال مستحبی نماز است که بر آن تأکید فراوان شده است. در هنگام قنوت، دست‌ها را در مقابل صورت بالا می‌بریم و دعا می‌خوانیم.

امام صادق(ع) فرمود: «هیچ بنده‌ای دست به جانب خدای عزیز بالا نمی‌برد، جز این که خداوند حیا می‌کند آن دست را خالی و پوچ برگرداند. از این رو آنچه می‌خواهد از فضل خویش در آن دست قرار می‌دهد. بنابراین هرگاه یکی از شما دست به دعا برداشت، به پایین نیاورد، جز این که به صورت خود بکشد.»^۷

۳. در تشهد، پس از حمد الهی و شهادت به یگانگی خداوند و بندگی و رسالت پیامبر اکرم(ص)، برای آن حضرت و اهل بیت گرامی ایشان دعا می‌کنیم و می‌گوییم:

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خَدَايَا بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دُرُودَ فَرَسْت.

همچنین مستحب است که پس از ذکر رکوع و سجده، صلوات بفرستیم.

دوری از فحشاء و منکر

از مهم‌ترین آثار و ثمرات نماز، دور شدن انسان نمازگزار از فحشاء و منکر است. البته این تأثیر بستگی دارد به چگونگی برگزاری نماز. به همان میزان که نماز با کیفیت بهتر و با حضور قلب بیشتر و با رعایت آداب و شرایط برگزار شود، تأثیر آن در دور شدن انسان از گناهان نیز بیشتر است. به همین جهت، چه بسا افرادی نماز می‌خوانند، اما تأثیر چندانی بر رفتار آنان ندارد. کم‌بودن تأثیر، به سبب آن است که نماز آن‌ها فقط در حد رفع تکلیف است و از کیفیت مطلوب برخوردار نیست.

قرآن کریم می‌فرماید:

وَاقِمِ الصَّلَاةَ، إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (عنکبوت، ۴۵):

نماز به‌پا دار، همانا که نماز دورکننده انسان از فحشاء و منکر است.

فساد و فحشاء با وسوسه شیطان و نفس اماره به بدی، به تدریج وارد خانه دل می‌شود و اگر انسان با او مبارزه نکند و او را بیرون نراند، در دل لانه می‌کند و

بیرون کردن آن بسیار مشکل می‌شود. خداوند به انسان‌ها هشدار می‌دهد که مواظب شیطان باشید که شما را نفریبد و به فساد و گناه گرفتار نسازد.

شیطان، اولین‌بار که تصمیم به فریب حضرت آدم و حوا گرفت، می‌خواست از همین راه فساد وارد شود.^۸ قرآن کریم توضیح می‌دهد که شیطان می‌خواست کاری کند که آن‌ها برهنه شوند و عورت‌هایشان آشکار شود تا زمینه فساد و تباهی پدید آید. اما آدم و حوا که ابتدا فریب شیطان را خوردند و از میوه ممنوعه تناول کردند، فوراً خود را با برگ‌های درختان پوشاندند و مانع بی‌عفتی شدند. در حقیقت، بی‌حیایی و بی‌عفتی اولین راه فریب شیطان و آلوده کردن آدمیان به فساد است. البته شیطان راه‌های فراوان دیگری هم دارد. شیطان، بعد از آن که از درگاه خداوند رانده شد، سوگند یاد کرد که از راست و چپ و جلو و عقب در کمین انسان می‌نشیند و او را به گناه وسوسه می‌کند. خداوند به انسان‌ها هشدار می‌دهد که: ای فرزندان آدم مبادا شیطان فریبتان دهد و شما را از راه راست بیرون برد. او و گروه او از جایی که آن‌ها را نمی‌بینید وارد می‌شوند. آنان که کارهای زشت می‌کنند و می‌گویند چون دیگران انجام می‌دهند، ما هم انجام می‌دهیم، اینان در دام شیطان افتاده‌اند.

هر عملی که خداوند آن را منع کرده و حرام دانسته است، «منکر» نامیده می‌شود. بنابراین منکر با حرام مساوی است. برخی از منکرها زشتی بزرگ و آشکار دارند که از این جنبه «فحشاء» نامیده می‌شوند.

چگونه نماز انسان را از گناه باز می‌دارد؟

برای رسیدن به پاسخ باید به حقیقت نماز و شرایط آن از قبیل شرایط لباس و بدن و مکان نماز گزار توجه کنیم. اگر مسلمانی شرایط نماز را به درستی رعایت کند و بکوشد که نماز را به صورت صحیح و با حضور قلب اقامه کند، در آن صورت است که آثار نماز در رفتار و کردارش ظاهر می‌شود و تأثیر گذار خواهد شد. مرحوم علامه

طباطبایی در تفسیر المیزان می گوید:

«اگر انسان مدتی کوتاه بر نماز خود پایداری کند و در انجام آن تا حدی نیت صادق داشته باشد، این ادامه در کوتاه مدت به طور مسلم باعث می شود که ملکه پرهیز از فحشاء و منکر در او پیدا شود؛ به طوری که فرضاً اگر یک فرد، دیگری را موکل بر خود کند که دائماً ناظر احوالش باشد، و او را چنان تربیت کند که این ملکه در او پیدا شود و به زیور ادب عبودیت آراسته گردد، قطعاً تربیت او مؤثرتر از تربیت نماز نیست و به بیش از آنچه نماز دستور می دهد، دستور نخواهد داد.»^۹

اگر نماز را کوچک بشماریم و نسبت به آنچه در نماز انجام می دهیم، درک صحیح داشته باشیم و با توجه و حضور قلب نماز بخوانیم، نه تنها از گناهان، که حتی از برخی مکروهات هم به تدریج دور خواهیم شد. اگر در انجام به موقع نماز در طول شبانه روز بکوشیم، بی نظمی را از خود دور خواهیم کرد.

اگر در پنج نوبت با لباس و بدن پاکیزه به نماز بایستیم، از آلودگی های ظاهری حفظ خواهیم شد. اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار را به دقت رعایت کنیم، به کسب درآمد از راه حرام متمایل نخواهیم شد. حتی از مالی که آغشته به مال حرام است، دوری خواهیم کرد. اگر در تکبیرهای خود در نماز به بزرگی و عظمت خداوند بر همه چیز توجه داشته باشیم، دیگران در نظر ما کوچک خواهند شد و جای خدا را در دل نخواهند گرفت.

امام علی (ع) درباره مؤمنان حقیقی می فرماید:

«عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ»^{۱۰}

«خدا در نفس آنان بزرگ است، پس غیر خدا در چشم آنان کوچک.

اگر در رکوع و سجود، قلب خود را هم در مقابل خداوند خاضع کنیم و بدانیم که فقط اوست که لایق سجده کردن است، در مقابل مستکبران و ستمگران خضوع و خشوع نخواهیم کرد.

اگر عبارت «اهدنا الصراط المستقیم» را صادقانه از خداوند بخواهیم، به راه‌های انحرافی دیگران دل نخواهیم بست.

اگر عبارت «غیرالمغضوب علیهم و لا الضالین» را با توجه بگوییم، خود را در زمره کسانی که خداوند بر آن‌ها خشم گرفته است یا راه حق را گم کرده‌اند، قرار نخواهیم داد.

مرحوم علامه طباطبایی می‌گوید: «این عمل، مخصوصاً که مؤمن آن را در هر روز پنج بار به‌جا بیاورد و در طول زندگی ادامه دهد و البته اگر آن را همه روزه در یک جامعه صالح دینی انجام دهد و سایر افراد جامعه نیز مانند او همه روزه این کار را بکنند و مثل او نسبت به نماز اهتمام بورزند، طبعاً جامعه‌ای به‌دور از گناهان کبیره شکل خواهد گرفت.

آری توجه به خدا در چنین محیطی و از چنین افرادی، طبیعتاً باید انسان را از هر گناه کبیره و هر عملی که دین آن را زشت می‌داند، از قبیل قتل نفس، تجاوز به جان‌ها و به مال یتیمان، زنا و لواط باز دارد، و نه تنها از ارتکاب آن‌ها، بلکه حتی از تلقین آن نیز جلوگیری کند.»^{۱۱}

از این بیان علامه چند نکته به دست می‌آید:

۱. چون انسان زندگی اجتماعی دارد، هر قدر تعداد بیشتری از افراد جامعه به اقامه نماز بپردازند، تأثیر نماز افزایش می‌یابد.

۲. هر مؤمنی، علاوه بر تربیت خود و برپایی نماز، باید بکوشد که جامعه خود را یک جامعه دینی سازد. تا نماز در جامعه اقامه شود و جامعه به یک جامعه مؤمن ارتقا یابد.

۳. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر یکی از وظایف انسان نمازگزار است. زیرا نمازگزار واقعی، نه تنها فحشاء و منکر را از وجود خود بیرون می‌کند، بلکه می‌کوشد که آن را از جامعه پیرامونی خود نیز بیرون نماید و خود و خانواده و

جامعه خود را موحد و یکتاپرست سازد.
 همان‌طور که مقاله را با سخنی از رسول خدا (ص) آغاز کردیم، با این سخن از
 ایشان نیز آن را به پایان می‌بریم که فرمود:
 «نمازهای روزانه مانند چشمه‌ساری است که مردم روزی پنج بار خود را در آن
 شست‌وشو می‌دهند.»^{۱۲}

پی‌نوشت

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۹، ح ۵
۲. علم‌الباقین، فیض کاشانی، ج ۱، ص ۴۹
۳. جهان‌بینی توحیدی، استاد شهید مطهری، ج ۲، ص ۸۰ و ۸۱
۴. جهان‌بینی توحیدی، استاد شهید مطهری، ج ۲، ص ۸۰ و ۸۱
۵. جامع احادیث الشیعه، ج ۵، ص ۳۵۶، ح ۳۳۸۱
۶. همان، ص ۳۵۸، ح ۳۳۸۴
۷. جامع احادیث الشیعه، ج ۵، ص ۳۱۹
۸. اعراف، ۱۱ تا ۳۳
۹. تفسیر المیزان، ذیل آیه ۴۵، سورة عنکبوت
۱۰. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳
۱۱. تفسیر المیزان، ذیل آیه ۴۵، سورة عنکبوت
۱۲. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۳۷

منابع

۱. سر الصلاة، امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۲. راز نماز، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء
۳. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، ج ۲، انتشارات صدرا
۴. راز نماز، محسن قرائنی مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
۵. آداب نماز، امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۶. حکمت عبادات، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء
۷. اسرار الصلاة، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، انتشارات کیش مهر

چراهایی دربارهٔ نماز

محمدرضا دهدست

مدرس مرکز تربیت معلم شهید مفتاح شهرری

چکیده

بحث نماز و اهمیت آن و جایگاهش در دین اسلام از مهم‌ترین موضوعات معارف اسلامی است و معلمان معارف دینی در این مجموعه، همواره در برابر پرسش‌های فراوانی قرار دارند، به خصوص از طرف نوجوانان و جوانان، از جمله:

- چرا باید نماز بخوانیم؟
- چرا باید نماز را به عربی بخوانیم؟
- فرق اقامهٔ نماز با خواندن نماز چیست؟
- چرا قرآن، موضوع نماز را همراه واژهٔ: «أمر» آورده و به نماز دعوت نکرده است؟
- ادیان دیگر هم نماز داشته‌اند یا نه؟
- جزئیات نماز در قرآن نیامده است؛ بنابراین، به چه استنادی اینگونه نماز می‌خوانیم؟
- حضور قلب در نماز یعنی چه؟

اینها مطالبی هستند که نگارنده در این مقاله، بسیار مختصر به آن‌ها پرداخته است. امید است همکاران ارجمند در سیر مطالعاتی خود، این مباحث را تکمیل نمایند و در کلاس درس ارائه دهند. به خصوص که در کتاب دین و زندگی متوسطه (مثلاً در سال اول، درس ۱۳ و سال دوم درس ۱۶) به این مهم توجه کافی شده است.

کلیدواژه‌ها: نماز، معارف دینی، حضور قلب، عبادت، اقامه نماز، رابطه با خدا

۱. نماز چیست؟

به این عبارت در فارسی نماز و در عربی صلات (صلوة) گویند. صلات یعنی توجه به خدا برای شکرگزاری و طلب رحمت، دعا، تسبیح، اگر از طرف خدا باشد به معنی رحمت و درود به بندگانش (ترجمة المنجد رحیمی، ۶۰۳)، مثل ۱.

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهِي عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (عنکبوت، ۴۵) همانا نماز، از بدی و زشتی باز می‌دارد. صلاة در این کریمه، به معنی نماز معروف بین ما مسلمانان است اما صلاة از طرف خدا به معنی سلام، درود و رحمت هم هست. مثل إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَيَّ النَّبِيِّ (الأحزاب، ۵۶) همانا خدا و فرشتگانش به پیامبر درود و رحمت می‌فرستند. اصل کلمه نماز در فارسی، ناماز بوده است. ماز به معنی چین، شکن و پیچ و پیچ است. مثل مازندران، یعنی خطه‌ای که راه‌های کوهستانی و پیچ و پیچ دارد. ناماز یعنی مسیر و صراط مستقیم، راهی که انحراف ندارد و انسان را به هدف مستقیم می‌رساند. مازو، برجستگی‌های کروی شکل و ناراست را گویند (معین، فرهنگ فارسی ۴/ ۴۸۱ و ۳/ ۳۶۹۵)

نماز در اصطلاح به معنی همان عبادت واجب الهی است که ما مسلمانان انجام می‌دهیم و در پنج وعده شبانه روز به جا می‌آوریم و دارای اعمال، اذکار و برنامه مشخصی است و همه با آن آشنايند.

۲. چرا باید نماز بخوانیم؟

از نگاه اسلام که دینی منطقی و بر پایه عشق و خردورزی است، بین خدا و انسان یک رابطه زیبا، عاشقانه و شخصی وجود دارد که هیچ کس در این رابطه خصوصی واسطه نیست. برخلاف بعضی اعتقادات خرافی (از جمله مسیحیت تحریف شده) بعضی انسان‌ها خود را واسطه ارتباط بین خدا و انسان می‌دانند و حتی با این جایگاه به خود اجازه می‌دهند گناهان مردم را ببخشند و زشتی‌های دیگران را از طرف خدا نادیده بگیرند.

اگر چه در اسلام، انسان‌ها مجازند دیگران را به راهنمایی و شفاعت بگیرند (توسل) و آن‌ها را واسطه بین خود و خدا بخوانند ولی اولیای دین، گناهان را نمی‌بخشند و اصولاً اجازه چنین کاری را ندارند و به صریح قرآن: وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ (آل عمران، ۱۳۵)

[آل عمران، ۱۳۵] چه کسی جز خدا، گناهان را می‌بخشد؟

پس رابطه بین خدا و انسان یک رابطه کاملاً خصوصی و شخصی است و کسی از عمق و چگونگی آن اطلاعی ندارد. انسان ذاتاً خدا را می‌شناسد، او را دوست دارد و اگر خطایی کرد سر در گریبان خویش می‌کند و از خدا پوزش می‌طلبد و با او سخن می‌گوید.

با این تعریف باید به چند مقدمه کوتاه توجه کنیم:

(الف) خداوند اصل وجود و خالق موجودات است و بر مخلوقاتش حق ولایت کامل دارد و دستورات او را با توجه به این که به صلاح ماست و حکیمانه صادر می‌شود باید اجرا کنیم. این «باید» به معنی زور و اجبار و سر نیزه نیست، بلکه وقتی کسی خدا را شناخت و حکمت و دل‌سوزی او را نسبت به بندگانش دانست، می‌فهمد که اطاعت از او امر الهی برای خود انسان مفید است و چیزی

نصیب پروردگار نمی‌کند.

ب) نماز از دستورات واجب الهی است و در قرآن و روایات ما به واجب و حتمی بودنش تصریح شده و برای ساختن جان آدمی و تثبیت انسان در مسیر خدا به آن نیازمندیم.

ج) نماز را همان‌طور که خدا دستور داده باید اجرا کرد، نه هرطور ما دوست داریم. او صاحب اختیار ماست و نوع رابطه با خود را خودش معلوم کرده و هنگامی که معبود دستوری داده ما به عنوان عابد، عاشق و دوستدار او دستوراتش را گردن می‌نهیم و نماز می‌خوانیم.

در تاریخ می‌خوانیم جوانی از انصار، نماز را با پیامبر (ص) ادا می‌کرد اما در عین حال به گناهان زشت و خطرناکی آلوده بود. ماجرا را به رسول اسلام خبر دادند. فرمودند: آن صلاته تنه‌ای یوماً و سرانجام نمازش او را از این اعمال زشت، پاک و برکنار می‌کند. (حرّ عاملی، وسایل، ۷/۳).

۳. فرق خواندن نماز با اقامه نماز چیست؟

باید بدانیم خداوند در قرآن مجید به اقامه نماز دستور داده است، نه خواندن نماز. مثلاً بارها فرموده: وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ (طه، ۱۴)

[طه ۱۴ و عنکبوت ۴۵ و لقمان ۱۷] و أَقِمْ الصَّلَاةَ (الأنعام، ۷۲) و این برای آن است که اقامه نماز دامنه وسیع‌تری نسبت به خواندن نماز دارد. اگر دستور خواندن نماز (إِقْرُوا الصَّلَاةَ) داده می‌شد، نماز را می‌خواندند ولی لوازم مهم آن را رعایت نمی‌کردند اما وقتی دستور اقامه نماز داده می‌شود، هم خواندن و هم رعایت همه لوازم و جوانب آن مثل اقامه به جماعت و حضور قلب و تبلیغ و ترویج نماز در مجموعه اقامه نماز می‌گنجد. ضمن اینکه اقامه نماز شامل خواندن نماز نیز می‌شود.

کسی که نماز را اقامه می‌کند باید:

۱. مقدمات کامل آن را- مثل وضوی صحیح، رعایت و آماده‌سازی لباس پاک و مکان مباح و ...- مهیا کند.

۲. در نماز حضور قلب داشته باشد.

۳. نماز را در جامعه تبلیغ و ترویج کند و دیگران را هم به سوی نماز بخواند.

۴. حرمت و حدود نماز را نگه دارد. در آیه ۲۳۸ سوره بقره می‌خوانیم:

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ (البقرة، ۲۳۸). بر نمازهای پنج‌گانه مواظبت کنید به ویژه نماز میانه (نماز ظهر) و فروتنانه در مقابل خدا بایستید. معنی رعایت حرمت نماز این است که به موقع بخواند و آن را به تأخیر نیندازد و آن را سبک نشمارد.

۵. نماز را به جماعت برگزار کند.

خداوند در قرآن فرموده است: وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (البقرة، ۴۳). نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید (نماز را به جماعت برگزار کنید).

ولی در خواندن نماز (به معنی قرائت آن) این مزایا نیست و خواندن نماز، ناظر به برگزاری ظاهری آن است. خداوند می‌خواهد که نماز اقامه شود یعنی در متن جامعه باشد و همه به آن توجه کنند و در بین آنان ترویج شود، همان‌گونه که در آیه ۴۱ سوره حج فرموده است؟

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ (الحج، ۴۱). آنان که اگر در زمین قدرت‌شان دهیم نماز را برپا می‌دارند. برای همین به اقامه نماز دستور داده است.

۴. چرا در قرآن برای اقامه نماز از واژه «امر» استفاده شده است؟

می‌دانیم که قرآن مجید برای انتخاب دین و مکتب از واژه «دعوت» استفاده کرده است. مثلاً می‌فرماید: ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ (النحل، ۱۲۵)

به راه پروردگارت، با حکمت و پندهای پسندیده، مردم را فرا خوان. چنانکه ملاحظه می‌کنیم برای دعوت به «سبیل پروردگار» از واژه «دعوت» استفاده شده ولی برای نماز از امر استفاده شده مثلاً فرموده است: أَقِمِ الصَّلَاةَ، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ، حَافِظُوا عَلَي الصَّلَوَاتِ و یا از فعل مضارع، مثل یقیمون الصلوة، لَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى (توبه، ۵۴).

بدیهی است که انتخاب دین تحمیلی و به اجبار نیست و انسان‌ها در انتخاب یک مکتب فکری آزادند. در قرآن می‌خوانیم: لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ (البقره، ۲۵۶). در انتخاب دین اجباری نیست زیرا راه هدایت از گمراهی آشکار و جدا شده است اما باید دانست که به همان اندازه که در ورود به محدوده یک دین آزادیم، با ورود در آن باید به اجرای قوانین و احکام آن مقید و مکلف باشیم. یعنی وقتی وارد محدوده یک دین شدیم باید به قوانین آن احترام بگذاریم و آن‌ها را اجرا نماییم. قرآن به این موضوع بسیار لطیف و حساس، اشاره کرده و آن را مدنظر داشته است و می‌خواهد به ما بگوید شما که مسلمان شده‌اید باید احکام آن را محترم بشمارید و جدی بگیرید. وقتی کسی وارد دژ اسلام و تسلیم در برابر حق شد نمی‌تواند بگوید که من مسلمانم، ولی نماز نمی‌خوانم، روزه نمی‌گیرم، خمس نمی‌دهم ولی یک مسلمان واقعی هستم!

در واقع بدون اجرای احکام دین، ادعای تسلیم شدن به آن دین، کاری بیهوده و مضحک است.

در اینجا در می‌یابیم که چرا قرآن برای نماز از تعبیر «امر» و «باید» استفاده کرده است. نماز ستون خیمه دین و از اصول و ارکان مهم آن شمرده می‌شود و بدون آن ادعای اسلام داشتن پذیرفته نیست.

برای مثال، اگر کسی در یک کارخانه صنعتی استخدام شود باید همه قوانین آن را گردن نهد و احترام نماید، رأس ساعت در محل کار حاضر شود و به مسئولیت‌های

خود دقیقاً عمل کند و بایدها و نبایدهای آن مجموعه را حرمت نهد. نمی‌توان پذیرفت که چنین کارگری در این مجموعه، نقش داشته باشد ولی از قوانین آن تبعیت نکند، و بگوید من عضو این مجموعه صنعتی هستم ولی هیچ یک از قوانین و برنامه‌های آن را قبول ندارم! چنین کسی، در واقع به هیچ وجه عضو این کارخانه محسوب نمی‌شود. بر همین اساس عقلایی، کسی که اسلام را می‌پذیرد باید نماز و روزه و سایر برنامه‌های آن را محترم شمارد و بر آن‌ها عمل نماید تا رستگار شود. این «باید»، همان‌طور که گفته شد، تحمیلی نیست، بلکه لازمه و شرط هدایت شدن و رسیدن به مقصد تبعیت جدی از آن است. بر اساس آیات قطعاً بدون نماز نمی‌توانیم یک مسلمان کامل باشیم. در روایات اسلامی آمده است که گروهی نزد پیامبر اسلام (ص) آمدند و عرض کردند ما قوانین اسلام را شنیده‌ایم و مایلیم به آن بگرویم ولی خواندن نماز برای ما سنگین و وقت گیر است. ما مسلمان می‌شویم ولی ما را از نماز معاف دارید!

رسول گرامی اسلام بلافاصله فرمودند: خداوند به اسلام آوردن شما نیازمند نیست، اسلام بدون نماز مثل خیمه بدون عمود است و بر پا نمی‌شود (صدوق، ۱۳۶۸).

۵. آیا در ادیان قبلی هم نماز بوده است؟

اقامه نماز (صلاة) از سوی انبیای الهی «علیهم السلام» در قرآن یادآور شده است. این نشان می‌دهد که همه انبیا مأمور به عبادتی به نام نماز بوده‌اند ولی ظاهراً نوع نماز آن‌ها با هم متفاوت بوده است، اما قطعاً نماز به معنی ارتباط داشتن با خدا، عمل مشترک همه انبیا و اولیای خداست. نیکان عالم معتقدند که نماز همه انبیا، اگر چه از نظر ظاهری با هم متفاوت بوده است ولی در دو عمل عرفانی، یعنی «رکوع» و «سجود» مشترک بوده‌اند و در این میان، سجده به عنوان عالی‌ترین مقام بندگی، افتخار و امتیاز همه پیامبران و اولیای خدا بوده است.

الف) حضرت آدم (ع): نماز در عصر حضرت آدم به عنوان عبادتی بزرگ مطرح بوده است. علی بن ابراهیم قمی (ره) در تفسیرش نقل می کند که چون آدم و حوّا از بهشت (موقت) بیرون آمدند، روز اول ذی قعدة به زمین هبوط کردند. آدم بسیار گریست و توبه کرد و به فرمان پروردگار در زمین غسل کرد و احرام بست. در روز هشتم ذی حجه به منی رفت، صبح نهم به عرفات آمد و از طرف خدا مأمور اقامه نماز شد و پس از نماز ظهر و عصر، کلمات توبه واقعی به او تعلیم شد و آنگاه عظمت از دست رفته را باز یافت (علی بن ابراهیم، ۱۳۶۰). از این دست روایات چنین بر می آید که حضرت آدم (ع) دارای عبادتی گران بها به نام نماز بوده است، اگر چه چگونگی، تعداد رکعات و زمان هر نماز آن حضرت بر ما معلوم نیست، ولی مهم آن است که برای به جای آوردن نماز دارای مسئولیت بوده است.

ب) حضرت ادريس (ع): امام صادق (ع) می فرماید: چون به کوفه رفتی از مسجد سهله دیدن کن و در آنجا نماز بگزار و از خدا چیزی بخواه که این مسجد خانه ادريس بوده و خیاطی و نماز را در همانجا انجام می داده است. مرحوم طبرسی، وی را جد پدری نوح (ع) می داند (طبرسی، ۱۳۵۵).

ج) حضرت نوح (ع): قطعاً یکی از اقامه کنندگان نماز، نوح پیامبر بوده است. امام باقر (ع) می فرماید: ارتباط با خدا که فطرت همه آدمیان بر آن سرشته شده، از اصول آیین نوح بود. خدا او را به نماز و عمل به نیکی ها و پرهیز از بدی ها امر کرده بود و او مأمور بود تا حلال و حرام را به مردم بگوید (مجلسی، ۴۲۲ق).

د) حضرت ابراهيم (ع): ابراهیم بت شکن، خلیل و دوست خدا و شیخ الانبیا، هم دارای مقام نبوت بود و هم مقام امامت داشت. آزمایش های بزرگ و سنگینی را به پایان رساند و در همه آن ها پیروز و سربلند شد و به مقامی بس والا رسید. خدا در قرآن، در آیه ۳۷ سوره ابراهیم، هدف همه تلاش های او را در

مسبّر خدا، اقامه نماز می‌داند، آنجا که می‌فرماید: رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي
بُودًا غَيْرَ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ (ابراهيم، ۳۷).

پروردگارا، من زن و فرزندم را در بیابانی خشک و سوزان در کنار جایگاه خانه تو
قرار دادم و به این سبب اینان را در این منطقه می‌گذارم که نماز را به پای دارند
و هم در آیه کریمه ۴۰ همان سوره می‌فرماید: پروردگارا! من و فرزندانم را از برپای
دارندگان نماز قرار ده و درخواست مرا به پیشگاهت بپذیر.

ه) حضرت اسماعیل (ع): در آیه کریمه ۵۴ و ۵۵ سوره مریم می‌خوانیم: به یاد آر
زندگی اسماعیل را که دارای اوصافی پسندیده بود، وفادار به پیمان، فرستاده
حق، امر کننده زن و فرزند به نماز و زکات و بنده‌ای که خداوند بزرگ از او
در تمام شئون زندگی و برنامه های حیات راضی بود.

و) اسحاق و یعقوب علیهم السلام:

... وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كَلَّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ
وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ (انبیا، ۷۲-۷۳)
ما به او (ابراهيم) اسحاق و یعقوب را عطا کردیم و همه را شایسته و لایق نبوت
قرار دادیم و ایشان را به پیشوای خلق برگزیدیم تا مردم را هدایت کنند و پرکار نیکو
و نیز بر پای نماز را بر آن‌ها وحی کردیم...

ز) شعیب (ع): ما برای هدایت مردم مدین، برادرشان شعیب را فرستادیم، (الأعراف،
۸۵) او گفت: ای مردم خدا را بپرستید در جواب او گفتند: آیا نماز تو به تو
دستور داده است تا ما را از آنچه پدرانمان می‌پرستیدند، نهی کنی؟ نماز
تو موجب شده است تا مسیر و شکل زندگی ما را عوض کنی؟ به راستی تو
بردبار و راه یافته‌ای! (هود، ۸۷) (پس چرا می‌خواهی در برابر آزادی ما نسبت
به بت پرستی و هزینه کردن اموال مان به هر کیفیتی که بخواهیم بایستی؟)
ح) موسی (ع): ... چون موسی به آن آتش نزدیک شد، ندایی شنید: من پروردگار

تو هستم ... تو را به مقام شامخ رسالت برگزیده‌ام ... و نماز را در جهت یاد کردن از من برپای دار [طه ۱۱-۱۴]. امام باقر (ع) فرمود: خداوند موسی را برگزید زیرا در وقت نماز صورت خویش را طولانی برخاک می گذاشت (مجلسی، بحار ۸/۱۳).

(ط) لقمان (ع): و یاد کن از لقمان هنگامی که فرزندش را پند می داد... ای فرزند، نماز را برپای دار و به نیکی ها دستور ده و از زشتی ها بازدار و بر حوادثی که به تو روی آورده است بردبار باش. (لقمان ۱۳-۱۷).

(ی) داود (ع): مرحوم مجلسی، محدث کم نظیر شیعه در کتاب بحار الانوار روایاتی درباره علاقه حضرت داود (ع) به نماز و سجده های طولانی او آورده است، که می توان هشت روایت آن را در جلد ۱۴ این مجموعه پربرکت معنوی دید.

(ک): سلیمان (ع): امام صادق (ع) درباره اش فرمود: نماز در رأس عبادات سلیمان بود و او در میان مردم به کثرت نماز و داشتن حساسیت به آن مشهور بود (مجلسی، بحار ۹۸/۱۴).

(ل) زکریا (ع): در آیه کریمه ۳۸ سوره آل عمران می خوانیم:

... آن هنگام که زکریا، عنایات حق را نسبت به مریم مشاهده کرد، عرضه داشت: پروردگارا، مرا از لطف خویش فرزندانی پاک سرشت عطا فرما... و در حالی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود، فرشتگان به او مژده دادند همانا خدا تو را به ولادت یحیی مژده داده است.

(م) عیسی (ع): عیسی گفت: همانا من بنده خدایم، به من کتاب آسمانی عنایت شده است و به شرف نبوت آراسته شده‌ام و هر کجا باشم برای جهانیان برکتم و تا زنده‌ام دستور دارم نمازم را به پای دارم و زکات را بپردازم [مریم، ۲۴].

(ن) یونس (ع): اگر یونس اهل تسبیح نبود هر آینه تا قیامت در شکم ماهی مانده بود [صافات، ۱۴۳]. ائمه ما فرموده‌اند: منظور از تسبیح و ستایش یونس نماز

او بوده است و این عبادت با عظمت او را از شکم ماهی نجات داد (طبرسی، مجمع ۴۵۹/۸).

س) خاتم انبیا (ص): در سوره هود آیه ۱۴ می‌خوانیم:

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ (هود، ۱۴).
... و نماز را دو طرف روز و ساعات نخستین شب بر پا دار که به یقین نیکی‌ها، بدی‌ها را از میان می‌برند.

از امامان ما نقل شده است که فرموده‌اند: منظور از دو طرف روز، صبح و مغرب است و این اشاره به سه نماز صبح، مغرب و عشاء است. بعضی‌ها معتقدند منظور از دو طرف روز، در برگرفتن همه وسعت روز است و شامل همه نمازهای پنج‌گانه می‌شود (مکارم، نمونه ۲۶۶/۹). از مجموعه این آیات و روایات معلوم می‌شود این گوهر گران‌بها، از شعارهای اساسی دعوتگران به سوی خدا و بلکه هدف اساسی آنان در دعوت و گسترش آن است.

۷. شیوه کامل خواندن نماز در قرآن نیامده است، ما چگونه و از کجا

این گونه نماز می‌خوانیم؟

قرآن مجید برای هدایت بشریت، خود را دارای سرمایه‌ای بزرگ تا قیامت دانسته است و فرمود «آنچه را که انسان‌ها به آن نیازمندند برای ایشان آورده‌ام»، به طوری که در هر دوره و زمانی می‌توان قواعد و قوانین مورد نیاز همان زمان را از قرآن به دست آورد و در سوره نحل، آیه ۸۹ می‌خوانیم:

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ. ای پیامبر، ما بر تو این قرآن عظیم را فرستادیم تا حقیقت هر چیزی را روشن کند و در جای دیگر فرمودند: و کوچک‌تر از ذره و بزرگ‌تر از آن، هر چه هست همه در کتاب مبین حق (لوح علم الهی) مسطور است [یونس، ۶۱] و در کریمه ۳۸ سوره انعام می‌خوانیم:

ما فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ. ما در کتاب خود، هیچ چیز را فرو گزار نکردیم. امام صادق (ع) می‌فرماید: خداوند در قرآن، حقیقت هر چیزی را روشن نموده است، حتی به خدا قسم هر چیزی را که بندگان خدا به آن احتیاج دارند برای مردم بیان کرده است (مجلسی، بحار ۸۱/۹۲).

معلوم است که بیان حقایق دین در کتاب مبین، گاهی به تفصیل آمده و گاهی به بعضی راه‌های استفاده از این اصول، اکتفا شده است. با این تعریف، همه چیز در قرآن است یعنی اصول و قواعد کلی مسیر هدایت در قرآن آمده ولی همه جزئیات در آن نیست زیرا قرآن اختصاص به یک فصل معین یا دوره زمانی مشخص ندارد. قرآن کتاب همه فصول و همه دوران‌هاست و ما اگر چیزی نیاز داشتیم و در قرآن نیافتیم باید به سراغ سیره رسول گرامی اسلام و امامان معصوم برویم و بخواهیم که آن‌ها به استناد قواعد قرآنی، جواب ما را بدهند.

از طرف دیگر، خداوند سخن رسول (ص) را عین وحی دانسته و فرموده: او از روی هوا و هوس خویش سخن نمی‌گوید، هر چه می‌گوید وحی الهی است. (نجم، ۴، ۳). از این آیه قرآن معلوم می‌شود، در مقام تبیان و بیان و توضیح آیات قرآن، هر چه پیامبر گرامی بگوید، عین وحی است و باید از آن تبعیت کرد.

اگر قرآن دستور اقامه نماز داده است، پیامبر شیوه کامل آن را برای ما بیان می‌کند و می‌فرماید: صَلُّوا کَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي. آنگونه که من نماز می‌خوانم، بخوانید. (همان) نتیجه آن در قرآن دستور اقامه و خواندن نماز داده شده و جزئیات این اقامه را، پیامبر گرامی اسلام (ص) معلوم نموده و خودش نماز خوانده و به مردم آموخته است، و ما امروز به استناد نماز رسول خدا (ص) خود را مکلف به اقامه همان نماز می‌دانیم. امامان معصوم نیز که جانشینان حقیقی رسول گرامی اسلام‌اند، این مسئولیت را دقیقاً انجام دادند و مردم را با شیوه صحیح نماز آشنا نمودند.

حماد بن عیسی گوید: امام صادق روزی به من فرمود: ای حماد، آیا می‌توانی نیکو

نماز بگزاری؟ گفتم: بله، فرمود: برخیز و نماز کن.

من در مقابل ایشان و رو به قبله ایستادم و نماز خواندم. فرمود: نیکو نماز نمی‌گزاری! چقدر بد است کسی سال‌ها نماز بخواند اما نتواند یک نماز درست بجای آورد! گفتم: پس نماز را به من بیاموزید.

امام (ع) راست و رو به قبله ایستاد. دستانش را به سوی ران‌هایش رها کرد، انگشتانش را به هم چسبانید، قدم‌هایش را به هم نزدیک ساخت تا آنجا که بین دو قدم ایشان، سه انگشت باز فاصله بود. همه انگشتان پاهایش رو به قبله قرار داشت و پاهای خود را از قبله منحرف نمی‌ساخت. با خشوع و تذلل و زاری، نماز را آغاز کرد. «الله اکبر» گفت و سپس سوره حمد و توحید را با ترتیل قرائت کرد و بعد برای لحظه‌ای به اندازه‌ای که تنفس کند در حال ایستاده درنگ کرد و در حال ایستاده «الله اکبر» گفت و به رکوع رفت و دو کف دستش را به صورت باز و گشوده روی زانوانش قرار داد و زانو‌ها را به سمت عقب برگرداند، به گونه‌ای که پشتش راست و هموار شد، چنانکه اگر قطره‌ای آب بر پشت آن حضرت ریخته می‌شد، ثابت بر جای خود باقی می‌ماند. حضرت در حال رکوع، گردنش را کشید و چشمانش را فرو بست و سه بار به ترتیل «سبحان ربی العظیم و بحمده» گفت، بعد راست ایستاد و چون کاملاً قرار یافت «سمع الله لمن حمده» گفت و تکبیر را تکرار کرد و دستان را تا موازی صورتش بالا آورد. سپس به سجده رفت و کف‌های دست خود را با انگشتان به هم چسبیده بین هر دو زانو و برابر صورت به زمین گذاشت و سه بار «سبحان ربی الأعلی و بحمده» گفت و هیچ عضوی از بدنش را روی عضو دیگر نگذاشت و بر هشت استخوان بدن سجده کرد: پیشانی، دو کف دست، دو زانو، دو انگشت بزرگ پا. این هفت مورد واجب است و بینی را از روی استحباب بر خاک گذاشت که «ارغام» نامیده می‌شود. سر از سجده برداشت و چون به‌طور کامل نشست «الله اکبر» گفت و بعد بر روی ران چپ نشست و روی پای راست را بر کف پای چپ گذاشت و «استغفر

الله و اتوب الیه» گفت و پس از تکبیر به سجده دوم رفت و ذکر سجده اول را تکرار کرد... دو رکعت را به جای آورد و به تشهد نشست، سلام داد و فرمود: ای حماد! چنین نماز بگزار. در نماز به جای دیگر التفات نکن و با دست و انگشتان بازی نکن (عبادات، مدرسی، ۲۱۶). به راستی اگر تشریح و بیان پیامبر و امامان ما نبود؛ امروز ما در مسیر هدایت گام نمی گذاشتیم و در گمراهی به سر می بردیم و از حقایق الهی بی خبر بودیم.

۸. حضور قلب در نماز چگونه به دست می آید؟

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (المؤمنون، ۱-۲)

بی تردید مؤمنان رستگار شدند آنان که در نمازشان (به ظاهر) فروتن (و به باطن با حضور قلب) اند. در اینجا قرآن کریم، اقامه نماز را نشانه ایمان داشتن نمی شمارد بلکه خشوع را از ویژگی های آنان می داند. اشاره به اینکه نماز آن ها الفاظ و حرکاتی بی روح و فاقد معنی نیست بلکه به هنگام نماز، آنچنان حالت توجه به پروردگار در آن ها پیدا می شود که از غیر خدا جدا می شوند و به او می پیوندند.

در آیه ۱۴ سوره طه می خوانیم: و نماز را به یاد من و برای من به پا دار. یعنی نمازی بخوان که در آن یاد من باشد و مقابل «یاد خدا» غفلت است و خدا از غفلت و بی خبری نهی فرموده است. در سوره اعراف آیه ۲۰۵ نیز فرمود: وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ (اعراف ۲۰۵).

حضور قلب به معنی توجه باطنی به آن است که انسان بداند الآن در مقابل پروردگار ایستاده و با او سخن می گوید. با این تعریف، حضور قلب مراتب و درجاتی دارد و هر کس می تواند درجه و مرتبه ای از حضور قلب را پیدا کند.

بعضی درجه های حضور قلب عبارت اند از:

الف) اینکه انسان توجه داشته باشد در نماز است و از این معنا غافل نباشد و افعال

آن را درست انجام دهد.

(ب) بداند در نماز است و به کلمات و صحت قرائت آن‌ها هم توجه کند.

(ج) به نماز خواندن، صحت قرائت متون و اذکار و به معانی آن توجه کند.

مثلاً بداند «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ (الفاتحة، ۷)» یعنی خدایا ما را از کسانی که مورد غضب تو واقع شده‌اند قرار مده.

(د) اینکه نماز گزار متوجه باشد که در حضور پروردگار است و همین معنا که خداوند الآن مرا می‌بیند و صدای مرا می‌شنود و من در مقابلش ایستاده‌ام، حضور قلب است و به دست آوردن این مقام، کاری دشوار است و خود این مقام از نظر شدت و ضعف مراتبی دارد. «بهترین و کامل ترین نوع حضور قلب این است که قلب نماز گزار در مقابل هر فعلی از افعال و هر قولی از اقوال نماز متوجه همان فعل و قول باشد و حضور پروردگارش را مراعات کند و متوجه باشد که این اعمال را در حضور او ادا می‌کند... و فهم اقوال و افعال، در واقع حضور قلب نزد همان افعال و اقوال است... و برای فهم اقوال و اذکار و توجه به حضور پروردگار، مقام دیگری است (ملکی، اسرار ۱۸۸). این مقام موجب می‌شود نماز گزار با تمام هستی و وجود خود و با هیبت و رجا و حیای کامل و با درک جلال پروردگاری، در پیشگاه خدا حاضر شود... و از اخبار فهمیده می‌شود اگر لااقل یک دهم نماز به این صورت انجام شود، آن نماز برگردانده نمی‌شود (همان، ۳۰۸).

در احوال رسول گرامی اسلام (ص) آمده است که وقتی به نماز می‌ایستاد صورت مبارکش از خوف پروردگار متعال تغییر می‌کرد و می‌فرمود: «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ (الأنعام، ۷۹)» و همه امامان ما و اولیای خدا اینگونه بودند و حالت خشوع و فروتنی در نماز و توجه کامل به باطن نماز در ایشان پدیدار بود و با این حالت، ارتباطشان با جهان مادی قطع می‌شد و از اطراف خود منقطع می‌شدند. امام صادق (ع) فرمود: علی بن الحسین؛ زین العابدین را می‌دیدم که در حال نماز

رنگ به رنگ می‌شد، معبودی را که در برابرش قیام کرده بود می‌شناخت و چون در نماز عبا از شانه مبارکش می‌افتاد، توجّهی نمی‌کرد، عرض می‌شد عبايتان از شانه‌تان افتاد. می‌فرمود: وای بر تو! می‌دانی در مقابل چه کسی ایستاده بودم؟ چنین حضوری مرا از توجه به فکر عبا منصرف ساخته بود. به تحقیق همان مقدار از نماز که با حضور قلب باشد پذیرفته است.

سائل پرسید: پس با این حساب ما به هلاکت می‌رسیم!
حضرت فرمود: نه، خداوند به وسیله نمازهای مستحّبی شما، کمبودهای نمازهای واجب را کامل می‌کند (مجلسی، بحار ۲۶۵/۸۱).

منابع

۱. پس از قرآن کریم و نهج البلاغه (ترجمه دشتی) رحیمی، مصطفی؛ ترجمه المنجد، صبا، تهران، ۱۳۷۷
۲. صدوق، محمدبن علی؛ امالی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵
۳. طبرسی، امین‌الاسلام؛ تفسیر مجمع‌البیان، فراهانی، تهران، ۱۳۶۶
۴. عاملی، خرّ؛ وسایل‌الشیخ، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۶
۵. فیض‌کاشانی، محسن؛ تفسیر صافی، محمودی، تهران، ۱۳۳۴
۶. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر علی بن ابراهیم، دارالتراث العربی، بیروت، ۱۹۹۲م
۷. مجلسی، محمدتقی؛ بحارالانوار، داراحیاء التراث، بیروت، ۱۹۹۰
۸. مدرسی، محمد تقی؛ احکام عبادات (رسالة علمیه)، محیان‌الحسین(ع)، تهران، ۱۳۸۱
۹. مکارم، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۸
۱۰. ملکی، میرزا جواد، اسرار الصلوة، پیام آزادی، تهران، ۱۳۶۵
۱۱. معین، محمّد؛ فرهنگ فارسی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۱

نماز خوانی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

علیرضا محمدنژاد، دبیر آموزش و پرورش شهرستان اشنویه و مدرس دانشگاه

حسن امین‌پور، گروه علمی دانشگاه پیام نور تهران

زینب سیدلاهیجانی، معلم پژوهنده، آموزش و پرورش اشنویه

چکیده

یکی از فرائض دینی، که برای انسان آثار مثبت و فراوانی دارد، نماز است. نماز مهم‌ترین گام برای تربیت دینی و ایجاد رفتارهای صحیح است.

در این تحقیق، رابطه بین نماز خوانی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بررسی شده و روش تحقیق آن از نوع توصیفی و از نوع هم‌بستگی است. جامعه آماری آن شامل کلیه دانش‌آموزان پسر و دختر دوره متوسطه شهرستان اشنویه در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ است.

تعداد افراد نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی ۱۲۰ نفر انتخاب گردیدند. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته برای تشخیص میزان پایبندی به نماز بوده و از معدل دروس نوبت اول دانش‌آموزان به نشانه پیشرفت تحصیلی استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از روش‌های آمار توصیفی،

انواع جداول فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و... روش‌های آمار استنباطی، تحلیل واریانس، ضریب هم‌بستگی پیرسون و آزمون تی استفاده شده است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که بین پیشرفت تحصیلی و نمازخوانی دختران و پسران رابطه معنی‌دار وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: نماز، نمازخوانی، پیشرفت تحصیلی

مقدمه

نماز در ابعاد مختلف وجودی انسان، آثار متعالی تربیتی دارد، به‌طوری که هیچ عملی را از نظر تأثیرگذاری مثبت، نمی‌توان با آن مقایسه کرد. این آیه شریفه که می‌فرماید: «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر» (عنکبوت، ۳۵) اثر خارق‌العاده نماز را متذکر می‌شود. انسان از طریق پایبندی به نماز به تدریج، فحشا و منکر، یعنی همه اعمال ناپسند، از درشت‌ترین تا ریزترین آن‌ها را کنار می‌گذارد و با توجه به مضمون این آیه شریفه «لا بذكر الله تطمئن القلوب» (طه، ۱۴) از آثار روانی و روحی و حتی جسمی نماز به حدی برخوردار می‌شود که با آن به نهایت آرامش دست می‌یابد تا جایی که هیچ غم و اندوه و نگرانی و ترس، در زندگی او تجسم پیدا نمی‌کند «لاخوف علیهم و لا هم یحزنون» (بقره، ۲۷۷)، نه آنان ترسی دارند و نه اندوهی و نگرانی‌ای. نماز، مؤثرترین نسخه انسان‌سازی است. انسان‌های خود ساخته و تربیت‌شده نماز، جامعه‌ای متعال، با نشاط و پیشرفته تشکیل خواهند داد.

وقتی از اسرار و فلسفه نماز از رسول اکرم(ص) پرسیده شد، پاسخی دادند که بخشی از آن چنین است: «نماز موجب رضای خدا و آن راه انبیاء(ع) است. نماز برای نمازگزار، موجب دوستی فرشتگان، هدایت، ایمان، نور معرفت، برکت در روزی، راحتی بدن، دوری و کراهت شیطان، سلاحی علیه کافر، اجابت دعا، قبولی اعمال،

توشه آخرت، شفیع در مقابل ملک الموت، مونس در قبر، فراش زیرین او در قبر و پاسخ نکیر و منکر و... خواهد بود» (نماز از دیدگاه قرآن و احادیث: ۲۰).
طبق فرمایش قرآن، اهل نماز در برخورد با شر، دچار جزع و فریاد نمی‌شوند و در برخورد با خیر حسد نمی‌ورزند، حقوق مردم را در اموال خود دقیقاً محاسبه و رعایت می‌کنند، به قیامت ایمان دارند، از عذاب پروردگار می‌ترسند، بر شهوات خود مسلط‌اند، حافظ فروج خود هستند، رعایت کننده امکانات و حافظ پیمان خویش‌اند و... (معارج، ۱۹ تا ۲۳).

با توجه به نکات فوق که گزیده‌ای ناچیز از آثار فردی و اجتماعی نماز است، می‌توان دریافت که بی‌توجهی به ترویج نماز، صدمات جبران‌ناپذیری به دانش‌آموزان وارد می‌سازد. به عبارت دیگر، اگر مربیان و معلمان امر نماز را در دانش‌آموزان نهادینه نکنند، آنان در زندگی دچار خسران خواهند شد. از طرف دیگر، دانش‌آموز درس‌خوان با پایبندی به نماز به عهد و پیمان فردی و اجتماعی نیز پایبند می‌شود و نیازی به کنترل بیرونی ندارد اما افرادی که پایبند به نماز نیستند جز با کنترل بیرونی، آن‌هم با اکراه چنان ویژگی را به‌دست نمی‌آورند.
لذا با توجه به تأثیر نماز ایجاد در آرامش روانی افراد به بررسی رابطه نمازخوانی و پیشرفت تحصیلی در دختران و پسران پرداخته می‌شود.

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی و از طرف دیگر، از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه شهرستان اشنویه است، که در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ تحصیل می‌کردند. تعداد حجم نمونه به دلیل محدودیت زمانی و هزینه‌ها به شرح جدول زیر به صورت تصادفی طبقه نسبتی به تفکیک جنسیت انتخاب گردیدند.

جدول شماره ۱- جدول نمونه‌گیری

پایه	دختر	پسر
اول	۲۰	۲۰
دوم	۲۰	۲۰
سوم	۲۰	۲۰
جمع	۶۰	۶۰

۱. پرسش‌نامه پایبندی به نماز: پرسش‌نامه به صورت، خود گزارش‌دهی است که دارای ۲۰ سؤال بوده و دارای دو مقیاس بی‌نماز و نمازخوان است. دامنه نمره‌ها بین صفر تا ۲۰ است. براساس نتایج این پرسش‌نامه افرادی که نمره پایین‌تر از ۹ می‌آورند، بی‌نماز و آن‌ها که نمره بالاتر از ۱۲ می‌آورند نمازخوان نامیده می‌شوند. حالت بین این دو، متوسط نام می‌گیرد.

ضریب پایایی پرسش‌نامه، به روش آلفای گرانباخ ۰/۸۷ به‌دست آمد. به این‌صورت که ابتدا ابزارها بین ۱۵ نفر از دانش‌آموزان هم سطح نمونه اجرا شد و ضریب پایایی آن با استفاده از فرمول آلفای گرانباخ محاسبه گردید. برای به‌دست آوردن روایی محتوایی، ابزارها، به چهار نفر از افراد صاحب‌نظر نشان داده شد و دیدگاه‌های آن‌ها برای اصلاح ابزارها لحاظ گردید.

۲. میانگین نمرات درسی: برای سنجش پیشرفت تحصیلی از معدل و نمرات نوبت اول افراد استفاده شد. همچنین میانگین دروس مرتبط با نماز مانند دین و زندگی و دروس پرورشی نیز محاسبه گردید.

فرضیه‌های پرورشی

۱. بین دانش‌آموزان دختر و پسر، از نظر نمازخوانی تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

۲. بین دانش آموزان پایه‌های تحصیلی، از نظر نمازخوانی تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

۳. بین پیشرفت تحصیلی و نمازخوانی دانش آموزان دختر و پسر رابطه معنی‌دار وجود دارد.

۴. بین جنسیت، پایه تحصیلی، پیشرفت تحصیلی و نمازخوانی دانش آموزان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

یافته‌ها

پس از محاسبه فراوانی نمرات نماز آزمودنی‌ها، که از یک تا ۲۰ در نظر گرفته شده بود، اطلاعاتی به شرح جدول شماره ۲ به دست آمد:

جدول شماره ۲- جدول فراوانی و درصد فراوانی آزمودنی‌ها به تفکیک نمرات نماز

نمره	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
فراوانی	۴	۰	۴	۴	۵	۳	۲	۳	۲	۱	۱
درصد	۳/۳۳	۰/۸۳	۳/۳۳	۳/۳۳	۴/۱۶	۲/۵	۱/۶۶	۲/۵	۱/۶۶	۰/۸۳	۰/۸۳
نمره	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	جمع
فراوانی	۹	۵	۶	۱۴	۱۰	۱۰	۹	۱۰	۱۲	۵	۱۲۰
درصد	۷/۵	۴/۱۶	۵	۱۱/۶۶	۸/۳۳	۸/۳۳	۷/۵	۸/۳۳	۱۰	۴/۱۶	۱۰۰

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که بیشترین نمره متعلق به عدد ۱۴ است با ۱۱/۶۶٪ و کمترین آن متعلق به ۹، ۱ و ۱۰، که با ۰/۸۳٪ دیده می‌شود.

با استفاده از نمرات نماز، دانش آموزان نمازخوان و غیرنمازخوان از هم تفکیک داده شدند، به این صورت که عدد ۲۰ به ۵ طیف خیلی خوب (۱۷ تا ۲۰)، خوب (۱۴ تا ۱۶)، متوسط (۱۰ تا ۱۳)، بد (۶ تا ۹) و خیلی بد (کمتر از ۶) تقسیم شد. با ادغام خیلی خوب و خوب، نمرات ۱۴ تا ۲۰ نمازخوان، نمرات ۱۰ تا ۱۳ متوسط و کمتر از

۹، بی نماز نامیده شده است. به این ترتیب جدول شماره ۳ به دست آمد:

جدول شماره ۳- فراوانی و درصد فراوانی نماز خوانی آزمودنی ها

نماز خوان	فراوانی	درصد
بانماز	۷۰	۵۸/۳۳
متوسط	۲۱	۱۷/۵
بی نماز	۲۹	۲۴/۱۷
جمع	۱۲۰	۱۰۰

جدول شماره ۳ نشان می دهد که ۵۸/۳۳٪ دانش آموزان، نماز خوان و ۱۷/۵٪ متوسط و ۲۴/۱۷٪ بی نماز بوده اند. در مجموع ۹۱ نفر نماز خوان شناخته می شوند.

فرضیه اول: بین دانش آموزان دختر و پسر، از نظر نماز خوانی تفاوت معنی دار وجود دارد.

جدول شماره ۴- مقایسه میانگین ها برای سنجش تفاوت نماز خوانی پسر ها و دختر ها

گروه ها	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
پسر	۳۱	۱۰/۲۳۴۰	۲/۲۹
دختر	۴۰	۱۲/۱۴۶۲	۲/۱۶

۱۳۹

جدول شماره ۵- آزمون t با گروه های مستقل

برای سنجش تفاوت نماز خوانی پسر ها و دختر ها

گروه ها	فراوانی	Df	t
پسر	۳۱	۶۹	۲/۲۸۵
دختر	۴۰		

با توجه به داده‌های جدول ۵، چون t محاسبه شده، از اندازه t جدول در سطح معناداری ۰/۰۵ و درجه آزادی ۶۹، بزرگ‌تر است. بنابراین بین دانش‌آموزان پسر و دختر از نظر نمازخوانی، تفاوت معنادار وجود دارد، به‌طوری که دانش‌آموزان دختر با توجه به میانگین بالاتر، نمازخوان‌تر از پسرها هستند.

فرضیه دوم: بین دانش‌آموزان پایه‌های مختلف تحصیلی، از نظر نمازخوانی تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

جدول شماره ۶- سنجش نمازخوانی دانش‌آموزان پایه‌های تحصیلی

گروه‌ها	تعداد فراوانی	میانگین	انحراف معیار
اول	۲۳	۱۱/۰۳	۱/۰۱۷
دوم	۳۰	۱۲/۲	۰/۹۳
سوم	۱۸	۱۱/۹	۰/۹۵
جمع	۷۱		

جدول شماره ۷- خلاصه تجزیه و تحلیل واریانس دانش‌آموزان پایه‌های تحصیلی

تغییرات	ss	d.f	ms	F
بین گروه‌ها	۲۸/۶۰	۲	۱۴/۳۰	۲/۶۶
درون گروه‌ها	۳۶۵/۵	۶۸	۵/۳۷۵	
جمع	۱۹۴/۱	۸۰		

با توجه به تجزیه و تحلیل واریانس و سطح معناداری ۰/۰۵ و میزان F که از F بحرانی جدول با درجه آزادی ۲ و ۶۸، کوچک‌تر است، می‌توان نتیجه گرفت که در مجموع تفاوت پایه‌های مختلف از نظر نمازخوانی با یکدیگر معنادار نیست.

فرضیه سوم: بین پیشرفت تحصیلی و نمازخوانی دانش آموزان دختر و پسر رابطه معنی دار وجود دارد.

جدول شماره ۸ - جدول فراوانی و درصد فراوانی آزمودنی ها
به تفکیک جنسیت و سطوح مختلف معدل

معدل	پسر	درصد	دختر	درصد	جمع	درصد
۰ تا ۱۰	۱	۳/۲۳	۱	۲/۴۴	۲	۲/۸۲
۱۰ تا ۱۴	۷	۲۲/۵۸	۶	۱۴/۶۳	۱۳	۱۸/۳۱
۱۴ تا ۱۷	۱۴	۴۵/۱۶	۲۲	۵۳/۶۶	۳۵	۴۹/۳۰
۱۷ به ۲۰	۹	۲۹/۰۳	۱۲	۲۹/۲۷	۲۱	۲۹/۵۷
جمع	۳۱	۱۰۰	۴۰	۱۰۰	۷۱	۱۰۰

در مقایسه دخترها و پسرها از نظر معدل، بالاترین فراوانی در هر دو گروه، مربوط به سطح ۱۴ تا ۱۷، به ترتیب دختر و پسر، ۵۳/۶۶، ۴۵/۱۶ درصد بوده است.

۱۴۱

در سطح چهارم یعنی از ۱۷ تا ۲۰، دخترها، ۲۹/۲۷ درصد و پسرها ۲۹/۰۳ درصد را به خود اختصاص دادند. دخترها در گروه اول ۸/۵ درصد بیشتر از پسرها قرار دارند. در مجموع معدل دخترهای نمازخوان بیشتر از پسران نمازخوان است.

در نمازخوانی دانش آموزان دختر، به میزان معنی دار، نمازخوان تر از دانش آموزان پسر هستند.

فرضیه چهارم: بین جنسیت، پایه تحصیلی، پیشرفت تحصیلی با نماز خوانی دانش‌آموزان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

جدول شماره ۹- جدول هم‌بستگی پیشرفت تحصیلی با نماز خوانی دانش‌آموزان دختر

پیشرفت تحصیلی	پایه تحصیلی	جنسیت		
۰/۳۲۴	۰/۱۷۹	۰/۲۱۸	ضریب هم‌بستگی	نماز خوانی
۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۵	سطح معناداری	
۹۹	۹۹	۹۹	فراوانی	

با توجه به داده‌های جدول ۹، بیشترین هم‌بستگی ما بین متغیرها مربوط به پیشرفت تحصیلی با نماز خوانی ۰/۳۲۴ و هم‌بستگی بین جنسیت و نماز خوانی هم ۰/۲۱۸ و در نهایت ضریب هم‌بستگی بین نماز خوانی و پایه تحصیلی ۰/۱۷۹ و سطح معناداری ۰/۰۵، فرضیه محقق را تأیید می‌کند. به بیان دیگر می‌توان گفت که نوع جنسیت و پایه تحصیلی با نماز خوانی دانش‌آموزان ارتباط معنادار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

۱۴۲

طبق یافته‌های پژوهش حاضر، بین نماز خوانی و پیشرفت تحصیلی، هم‌بستگی بالا و معنی‌داری وجود دارد. یعنی هرچه دانش‌آموزان از نظر درسی میانگین بالاتری داشته باشند، بیشتر نماز می‌خوانند. این هم‌بستگی در سطح $p=0/05$ ، معادل ۰/۳۲۴ است. در بین تحقیقات انجام گرفته، یک مورد یافت شد که در آن رابطه نماز خوانی دانش‌آموزان و پیشرفت تحصیلی آن‌ها با هم سنجیده شده است. نتایج تحقیق سیف‌اللهی (۱۳۸۷) رابطه بین نماز خوانی و پیشرفت تحصیلی را مورد تأیید قرار می‌دهد.

همچنین نتایج یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر این نکته است که بین نمازخوانی و میانگین پیشرفت تحصیلی در دروسی مانند دین و زندگی و دروس پرورشی رابطه بالاً و معنی‌داری وجود دارد. در این خصوص تحقیقاتی که چنین یافته‌ای را رد یا تأیید کنند، یافت نشد.

همچنین برابر با یافته‌های تحقیق، بین دانش‌آموزان دختر و پسر، از نظر نمازخوانی، تفاوت معناداری وجود دارد، به‌طوری که دخترها از پسرها نمازخوان‌تر هستند. نتیجه این تحقیق در مورد تفاوت معنی‌دار نمازخوانی پسران و دختران و برتری نمازخوانی دختران، با نتایج حاصل از پژوهش سیفاللهی (۱۳۸۷)، سبیلان (۱۳۸۰)، بهرامی (۱۳۷۹) هم‌سوست. همچنین تبریزی (۱۳۷۸) رشد اجتماعی دختران شرکت‌کننده در نماز جماعت را بیشتر از پسران اعلام کرده است. مسعودی‌فر (۱۳۷۵) نیز گرایش نوجوانان دختر به نماز جماعت را بیش از پسران دانسته و شورای عالی جوانان (۱۳۷۳) تهران؛ طی تحقیقی از کلیه نوجوانان و جوانان ۱۱ تا ۲۹ سال ساکن محدوده تهران درمی‌یابد که درصد افراد نمازخوان در بین جوانان دختر (۶۲٪) و در میان جوانان پسر (۴۶/۴٪) است. ظروفی (۱۳۷۰) و کمالی (۱۳۷۱) هم ارتباط بین جنسیت و گرایش به نماز را گزارش کرده‌اند. (به نقل از سیفاللهی، ۱۳۸۷)

مطابق با یافته‌های تحقیق حاضر، بین پایه‌های تحصیلی دانش‌آموزان و میزان نمازخوانی آن‌ها، رابطه معنی‌داری وجود ندارد، حمیده معینی‌پور (۱۳۸۲) هم با بررسی ۱۵ تحقیق انجام گرفته در مورد نماز، طی یک فراتحلیل، به همان نتیجه رسیده است. «فضائل و همکاران (۱۳۷۴) دریافته‌اند که ۶۷/۸۲٪ دانش‌آموزان اول دبیرستان، ۶۶/۱۲٪ دانش‌آموزان دوم دبیرستان، ۷۴/۴۷٪ دانش‌آموزان سوم دبیرستان و ۷۶/۵۴٪ دانش‌آموزان چهارم دبیرستان، نماز می‌خوانند.» (به نقل از سیفاللهی، ۱۳۸۷)

حسینی (۱۳۷۴) در پژوهشی با نام «بررسی راه‌های جذب دانش‌آموزان به نماز»

نتیجه می‌گیرد که بین آموزش در مدرسه و خواندن نماز دانش‌آموزان رابطه معنی‌دار وجود دارد. بنائیان سفید (۱۳۷۲) هم به همین نتیجه رسیده است.

در مجموع نتایج این پژوهش نقش پایه‌های مختلف را در نمازخوانی دانش‌آموزان به‌طور دقیق مشخص نکرده است.

منابع

۱. قرآن مجید
۲. بنائیان سفید، محمد (۱۳۷۲)، نگرش دانش‌آموزان نسبت به اقامه نماز در مدارس استان سمنان، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان سمنان
۳. حسینی، روح‌الله (۱۳۷۴)، بررسی راه‌های جذب دانش‌آموزان به نماز طرح پژوهشی شورای تحقیقات آموزش و پرورش، استان کرمانشاه
۴. سبیلان اردستانی، شمس (۱۳۷۹)، راه‌های گسترش فرهنگ نماز در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان اردستان، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان
۵. سیف‌اللهی، وجه‌الله (۱۳۸۷)، بررسی چگونگی افزایش علائق جوانان (دانش‌آموزان متوسطه و پیش‌دانشگاهی)، نسبت به فریضه نماز، تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان گیلان
۶. بهرامی، اشرف (۱۳۸۰)، بررسی راهکارهای ایجاد گرایش به نماز در بین دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شهرتهای خرم‌آباد و درود
۷. فضائلی، علی‌اصغر و همکاران (۱۳۷۱)، بررسی عوامل مؤثر در میزان گرایش‌های اسلامی و عمل به فرایض دینی در بین دانش‌آموزان مدارس راهنمایی و متوسطه استان هرمزگان
۸. معین‌پور، حمیده (۱۳۸۲)، فراتحلیل عوامل مؤثر بر جذب و شرکت دانش‌آموزان در نماز جماعت مدارس

مسجد و جنگ نرم

محمدرضا قاسمی گل افشانی، دبیر آموزش و پرورش و کارشناس ارشد روابط بین الملل
طوبی زارع، دبیر آموزش و پرورش و کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی

اشاره

این پژوهش برای بررسی این سؤال اصلی صورت گرفته است که ظرفیت‌های موجود در مسجد برای مقابله با تهاجم فرهنگی (جنگ نرم) چقدر و چگونه است. لذا ابتدا چارچوب نظری جنگ نرم را با رویکرد «جوزف نای» مطرح می‌کنیم. سپس در ادامه تعاریف و تکنیک‌ها و ابزار مورد استفاده در جنگ نرم بررسی می‌شوند.

۱۴۵

این پژوهش در راستای شناسایی ظرفیت‌های مسجد انجام پذیرفته و تمام ظرفیت‌های موجود، که اجرای آن‌ها در مسجد امکان‌پذیر است، رصد شده و مورد بررسی قرار گرفته است. موانع موجود در کار فرهنگی مسجد نیز بیان شده و در خاتمه نتیجه‌گیری صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: مسجد، جنگ نرم، تهاجم فرهنگی، روحانیت

مقدمه

در استعمار کهن، استعمارگر با به کارگیری نیروی نظامی و عمدتاً نیروی دریایی و گسترش فرهنگ استعماری از طریق گروه‌های تبشیری مسیحی و اعزام دانشجو به کشورهای استعمارگر و تربیت روشنفکران برای ایفای نقش‌ها اقدام می‌کرد. در استعمار نو به دلیل رشد فکری جوامع و گسترش مبارزات ضداستعماری و استقلال‌طلبانه از راه اداره غیرمستقیم امور سیاسی کشورها، یعنی منصوب کردن عوامل سرسپرده و دست‌نشاندها خود در رأس این کشورها اقدام می‌شد تا از نسخه غربی اداره حکومت پیروی کنند.

اما در دوران استعمار فرانو و با گسترش وسایل ارتباطی و فناوری اطلاعات و ارتباطات و اهمیت پدیده‌ای به نام افکار عمومی، دولت‌ها برخلاف دیروز، که در برنامه‌ریزی‌های خود واقعی به این پدیده نمی‌گذاشتند، مجبور شدند نیروی سیاسی جدیدی به نام افکار عمومی و ظرفیت‌های آن را مدنظر قرار دهند و برای اقناع اذهان عمومی و تحت تأثیر قرار دادن آن‌ها از طریق ظرفیت‌های رسانه‌ای و فرهنگ، جهت تحقق اهداف استعماری تلاش کنند. با پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه‌ای مهم و ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک، ایران در نقش بازیگر معارض با ارزش‌های غربی و مخالف با نوع نگاه چندین ساله غرب به کشورهای جهان سوم، به‌ویژه کشورهای با ارزش‌های دینی، هویت یافت و آمریکا را از یک متحد مهم در جزیره ثبات و به تعبیر مکیندر «در قلب جهان» محروم کرد.

به نظر می‌رسد هدف آمریکا از به راه انداختن جنگ نرم علیه ایران کم اثر کردن قدرت نفوذ ایران در سطح جهان و منطقه است. یکی از مکان‌هایی که ظرفیت‌های مقابله در برابر نقشه و استراتژی دشمنان را در خود دارد و همچنان در محافل علمی و تئوریک و حوزه‌های جامعه‌شناسی مورد بحث قرار می‌گیرد مسجد است. مسجد در دکتترین امام خمینی (ره) به مثابه سنگر مطرح شده است. مسجد می‌تواند، با

بهره‌گیری از گذشتهٔ سرخ و با راهبرد آینده‌سبز، حفظ ایمان مردان و زنان مسلمان و نجات آن‌ها را از دام‌های شیاطین داخلی و خارجی تضمین کند.

این نکته را نباید از یاد ببریم که مسجد تمام افراد متعهد وزارت‌خانه‌ها و نهادهای گوناگون ارشادی و امنیتی را ابتدا از دامن خانواده تحویل می‌گیرد و بعد از پرورش آنان در محیط دینی و ایمانی، به‌صورت افراد آگاه، شجاع، مسئولیت‌پذیر و بصیر، آن‌ها را به بدنهٔ اجرایی و تقنینی و قضایی کشور و به نهادهای مسئول تحویل می‌دهد. چنین ورودی‌ها و خروجی‌های مسجد را در طول دوران پیروزی انقلاب و دفاع مقدس بارها شاهد بوده‌ایم.

مسجد و ظرفیت‌های مقابله با جنگ نرم

■ نمایش و نقد فیلم

ساختن فیلم‌های محتوایی و استراتژیک، یکی از ابزارهای دشمن در جنگ نرم است، به‌طوری که می‌تواند تصویری خوب از عقاید و موجودیت کشورشان و تصویری خشن و عقب‌مانده از کشورهای اسلامی ارائه دهد.

با توجه به رویکرد محافل تئوریک غربی در جهت گسترش مراکز تهیۀ فیلم و ساختن فیلم‌هایی با محوریت مفاهیم دینی و به‌خصوص مفهوم آخرالزمان، لازم است که مسئولین فرهنگی مسجد با همکاری مراکز فرهنگی سپاه و نهادهای نمایندگان، فیلم‌هایی را که دارای عقبۀ تئوریک و برای مقاصد خاص برای گروه سنی جوانان ساخته شده‌اند و متأسفانه به‌وفور در مراکز شبکهٔ ویدئویی کشور در حال توزیع‌اند رصد کنند و جلساتی را با استفاده از استادان متخصص و ناقد فیلم در مسجد ترتیب دهند.

با توجه به اینکه فیلم از جذابیت‌های رسانه‌ای برخوردار است، مورد استقبال جوانان قرار می‌گیرد و شاید آن‌ها بارها این فیلم‌ها را بدون توجه به موارد فنی و

تصویرسازی‌های آن مشاهده کرده‌اند. جلسات نقد فیلم در مساجد می‌تواند جوانان را با نیت و مقاصد شوم محافل فیلم‌سازی دنیا آشنا کند.

■ حضور فعال امام جماعت محل

یک روحانی که دارای ویژگی‌های فردی و اخلاقی است (خوش اخلاق، صبور، عالم، اهل مطالعه، آگاه به فناوری اطلاعات و ارتباطات، آگاه به علوم رفتاری و روان‌شناسی، زبده و نخبه در رصد مسائل و معضلات فرهنگی، دشمن‌شناس، با بصیرت و تحلیلگر، اهل همان محل یا ساکن محل) انتخاب می‌شود و به‌طور مستمر و ثابت در محل حضور دارد.

این روحانی می‌تواند ارتباط با مردم محل اعم از جوانان، دانشجویان و کسبه محل و نشست و برخاست با آن‌ها و سر زدن به آن‌ها به‌طور فردی یا دسته‌جمعی داشته باشد و همچنین نشست‌هایی با موضوع مسائل و معضلات فرهنگی با خانواده‌ها و برای با خبر شدن از مشکلات آن‌ها برگزار کند یا در دستور کار خود قرار دهد. گاهی تماس تلفنی روحانی محل خود یک کار فرهنگی در کنار موارد یاد شده است و می‌تواند نگرش را نسبت به مسجد تغییر دهد و مسئله حضور در مسجد را از سیر نزولی به سیر صعودی بکشد.

■ نشریات مسجد

داشتن یک نشریه هفتگی یا ماهانه، که با همکاری دبیران، استادان و دانشجویان آگاه، به مسائل مهم و تأثیرگذار اختصاص یافته و به‌صورت جملات کوتاه، داستان‌ها، روایت‌ها، احادیث و تبیین برخی مسائل سیاسی فرهنگی و خصوصاً اقتصادی تهیه شده است، بی‌شک بصیرت و دشمن‌شناسی جوانان و اهل محل را گسترش خواهد داد.

■ برگزاری کارگاه‌ها و جلسات هفتگی (حلقه صالحین)

ایجاد کارگاه‌هایی با موضوع اصول دین، احکام، مهدویت، حجاب، جنگ نرم و معرفت‌شناسی، تحلیل مسائل سیاسی برای افکار عمومی، و دعوت از کارشناسان متخصص در امور دینی، مشاوره، پزشکی، علمی و درسی سبب تبیین و ازدیاد آگاهی و بصیرت در افکار عمومی محل می‌شود حتی می‌توان از پزشکان یا روان‌پزشکان متعهد و متخصص، به‌عنوان پزشک مسجد، بهره جست.

■ نصب پوستر و تراکت

نصب پوستر، اعم از نقاشی، کاریکاتور، عکس، با موضوعات مختلف تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، مصرف‌گرایی، دوستان بد، موادمخدر و... بسیار تأثیرگذار است. برپایی نمایشگاهی از این موارد، نیز توجه مخاطب را به تصاویر و محتوای آن‌ها جلب می‌کند و پیام آن‌ها را به ذهن مخاطب منتقل می‌سازد. برای ایجاد رقابت در میان مخاطبان، می‌توان با طرح سؤال‌هایی درباره محتوای این تصاویر مسابقاتی را طراحی کرد و به اجرا درآورد. جوانی که به یک اردوی سیاحتی و تفریحی می‌رود و برای مدتی از خانواده خویش دور می‌شود، به یک‌سری پختگی‌های جسمی و روحی (همچون فداکاری، نوع دوستی، گذشت، ایثار، مقدم شمردن دیگری بر خود، همکاری، مسئولیت‌پذیری، تن دادن به سختی‌ها، انجام امور خود، کمک به دیگری، بالا بردن ظرفیت نسبت به سختی‌ها، شکوفاسازی قوه ابتکار و خلاقیت) دست می‌یابد. گذشته از اهداف روان‌شناسانه فوق، به دلیل احساسات پاک و معصومی که جوانان دارند، می‌توان به موقع مطالب و اهداف اسلامی را، البته با تزیینی و ظرافت، به آن‌ها انتقال داد. اردوهای راهیان نور، دیدار با علما، فرماندهان جنگ و سرداران و بیان خاطرات آن‌ها نیز می‌توانند در جوانان نوعی نگرش مثبت نسبت به کشور و اعتقادات اسلامی ایجاد کنند. اردوهای مساجد نیز چنین قابلیت را دارند.

■ ایجاد صندوق قرض الحسنه جوانان با محوریت روحانی مسجد

ایجاد صندوق های قرض الحسنه و برنامه ریزی در موقعیت مکانی و زمانی آن، به طوری که با نماز جماعت مسجد یا با یکی از برنامه های فرهنگی مسجد همراه باشد و مراجعه کننده از آن برنامه ها استفاده کند، اقدام ارزشمندی است. برگزاری جلسات برای اعضای صندوق و اجرای مراسم فرهنگی با محوریت روحانی مسجد نیز اعضای صندوق را به طرف مسجد جذب می کند و در خلال این رفت و آمدها و گفت و شنودها اثر معنوی مسجد در جان و قلب مخاطب می نشیند.

■ الگو قرار گرفتن مراسم مسجد

مجالس مسجد الگوی مجالس در منازل باشد کسانی به عنوان مداح دعوت شوند که موجه و انقلابی و دارای بصیرت لازم باشند. زیرا یکی از راهها و ابزارهای جنگ نرم وارد کردن خرافات، شایعات و خصوصاً در این چند سال اخیر، ادعاهای افراد سوء استفاده گر در مورد مهدویت است که موجب گمراه شدن برخی از مردم شده است. انجام برخی کارهای ناشایست در مجالس روضه، که به پایین آوردن شأن و منزلت ائمه منجر می شود، همگی در راستای جنگ نرم دشمنان می باشد.

■ همکاری با دبیران آموزش و پرورش در محل

با یک برنامه ریزی خوب و دعوت از معلمان علاقه مند به کارهای فرهنگی می توان جوانان را جذب کرد و بر آنان تأثیر گذاشت. والدین جوانان هم از اینکه آنان مسئول کارهای فرهنگی مسجد یک فرهنگی یا یک چهره تربیتی باشند، خوشحال و خاطر جمع می شوند. این اعتماد را می توان سرمایه ای اجتماعی برای مسجد تلقی کرد.

■ قرار دادن اتاق کودک برای والدین نمازگزار

از روش‌های ایجاد جذابیت در مسجد، قرار دادن یک اتاق کودک در کنار آن است. این اتاق کمک می‌کند تا مادر با خیال راحت نماز خود را بخواند و از برنامه فرهنگی مسجد استفاده کند. ضمن اینکه مسجد به منزله جایی لذت‌بخش در ذهن کودک نهادینه شود. خانم‌های علاقه‌مند می‌توانند به‌عنوان مربی یا همیار با این اتاق همکاری کنند.

■ جذب مکانی، موقعیتی و معماری مسجد

باید کاری کرد که نگرانی‌های طبیعی در طول مسیر رسیدن به مسجد و زمان حضور در مسجد برای والدین به وجود نیاید. برای مثال، اگر مکان مسجد در جایی باشد که خطرات فرهنگی و امنیتی و جانی (عبور و مرور وسائل نقلیه سنگین و سبک) در کمین بچه‌ها باشد حضور جوانان در مسجد کمرنگ می‌شود و در نتیجه اهداف مقابله نسل جوان با جنگ نرم محقق نمی‌گردد.

مسجد به‌مثابه برجسته‌ترین نمود و نماد معماری اسلامی، باید دارای جلوه‌هایی از زیبایی‌های دیداری باشد. امروزه افکار عمومی به دین و دینداری رویکرد نوینی دارند که از عوامل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برگرفته شده است. زیبایی ظاهری در گرایش افراد به مسجد مؤثر است.

■ ایجاد وبگاه مسجد

ایجاد وبگاه با مطالبی که شامل مسائل و معضلات روز باشد و طوری خبررسانی شود که همگان به آن رجوع نمایند و مطالب و اخبار متنوع را، اعم از فقهی، حقوقی، داستان، مذهبی، سیاسی و حتی اخبار محل، دریافت کنند.

■ کتابخانه غنی با موقعیت مکانی جذاب، همراه با جلسات قصه‌گویی و نقد کتاب

برنامه‌ریزی برای حضور جوانان محل در کتابخانه مسجد و استفاده از ظرفیت‌های کتاب‌های موجود، بصیرت در جوانان را برای مقابله با جنگ نرم افزایش می‌دهد. البته باید راه‌هایی را هم برای استفاده از کتاب‌های کتابخانه در نظر گرفت. انجام مسابقات هفتگی و ماهانه، برگزاری جلسات قصه‌گویی، ایجاد سیر مطالعاتی، همکاری با مدرسه محل و صحبت با معلمان و استادان جهت هدایت دانش‌آموزان و دانشجویان به کتابخانه مسجد و پرداختن به تحقیقات درسی حضور جوانان را در مسجد تقویت می‌کند و همین حضور فرصت‌های مناسبی را به‌وجود می‌آورد که برای مقابله آنان با جنگ نرم مغتنم خواهد بود.

موانع شکوفایی فرهنگی مسجد

■ همزمانی برنامه‌های رسانه و مسجد

یکی از فعالیت‌های مسجد برگزاری مراسم در مناسبت‌های مذهبی است که از نقاط قوت مسجد به شمار می‌رود.

رسانه‌ها نیز برنامه‌های مناسبی متنوعی پخش می‌کنند که از سطح کمی و کیفی خوبی برخوردار است و افراد با وجود این برنامه‌ها در مساجد کمتر حاضر می‌شوند.

■ اختلاف‌ها

اختلاف‌های سیاسی

اختلافات سیاسی، حزب‌گرایی و تعصب جناحی، فضای مسجد را آشفته می‌کند. در این میان امام جماعت و پایگاه بسیج در حفظ وحدت و رفع اختلافات مردم محل نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

■ اختلاف‌های مدیریتی

اختلاف میان اعضای هیئت امنا در مسائل جاری مسجد، سبب ایجاد دو دستگی میان نمازگزاران می‌شود و فضای مسالمت‌آمیز مسجد را با نقدهای مخرب آشفته می‌کند. در اینجا هم، نقش امام جماعت و افراد آگاه دلسوز در برطرف کردن این اختلافات، بسیار مؤثر است.

■ پایین بودن سطح کمی و کیفی فعالیت‌های مسجد

■ برخورد نامناسب افراد اهل مسجد

علاوه بر نمازگزاران ثابت، افرادی نیز در مسجد حاضر می‌شوند که گرایش دینی کمتری دارند. برخورد مناسب مسجدی‌ها با این افراد، در تداوم حضور آنان در مسجد تأثیرگذار است. اگر برخورد، نامناسب باشد، به‌خصوص در مورد جوانان و نوجوانان که نسل آینده مسجد را تشکیل می‌دهند، اثرات منفی حاصل می‌شود.

■ تضعیف باورهای دینی

جریان‌هایی که به تضعیف باورهای دینی منجر می‌شوند و مانع رونق و شکوفایی مسجد می‌شوند. این جریان‌ها، معمولاً پایه و اساس عقلانی ندارند و از بنیان فکری بی‌بهره‌اند.

■ ثمرات و نتایج تأثیرگذاری مسجد

■ مستحکم نمودن ارتباط با خداوند متعال

■ به‌وجود آوردن افراد آموزش دیده و تأثیرگذار

■ تجربه آموزی در عرصه فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی در فضای معنوی

■ پرورش افراد مستعد، متخصص و متعهد در فضای معنوی مسجد

■ مستحکم نمودن اعتقادات و مبارزه با فرقه‌سازی دشمنان

تولید و انتشار شبهات دینی، به‌ویژه در بین جوانان، فرقه‌سازی و ایجاد تردید در باورها از طرق مختلف، به‌ویژه از طریق سایت‌ها و...، از جمله شیوه‌های مرسوم فعلی

دشمن در میدان تهاجم فرهنگی است.
این گونه هجمه‌ها از یک طرف تهدید و از طرف دیگر فرصت هستند. مساجد با
برگزاری جلسات، گفتمان‌ها و استفاده از علما بهترین پایگاه برای تبدیل این تهدیدها
به فرصت هستند.

نماز از منظر امام رضا (ع) تأثیرات مهم تکوینی، تشریعی و تبلیغی نماز

فرشته رضیان

معلم، شهر همدان

اشاره

در این مقاله تأثیرات تکوینی، تشریعی و تبلیغی نماز از دیدگاه امام هشتم علیه السلام مورد بررسی قرار می گیرد.

مقدمه

۱۵۵

در این مقاله آثار نماز را در زیبایی چهره، امور دنیوی، افزایش هوش و حافظه و بهداشت جسمی و روانی مورد پژوهش قرار داده ایم. سپس تأثیرات نماز را در نظام و مقررات اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و اخلاقی را بیان کرده ایم. همچنین به تأثیرات تبلیغی نماز در فرد و جامعه و کاهش جرایم و افزایش نشاط اجتماعی پرداخته ایم. امام رضا(ع) در اهمیت نماز می فرماید: نماز چهار هزار باب دارد (گنجینه معارف، ۵: ۲۱۵۷) که حاکی از اسرار گران سنگی است که در این واجب الهی نهفته است. یادآوری می شود تشریع نماز در ادیان قبل از اسلام نیز بوده اما بدیهی است که

کیفیت نماز در آن‌ها تفاوت داشته است.

نکته زیباتر این است که در سوره مبارکه اسرا به تسبیح و پاک دانستن خدا از هر عیب و نقص در عالم تکوین اشاره می‌شود. *تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ خَلِيماً غَفُوراً (الإسراء/ ۴۴)* آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و کسانی که در آن‌ها هستند همه تسبیح او می‌گویند و هر موجودی تسبیح و حمد او می‌گوید؛ ولی شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید؛ او بردبار و آمرزنده است.

گروهی از مفسران معتقدند که این تسبیح و حمد، همان چیزی است که ما آن را «زبان حال» می‌نامیم، حقیقی است و نه مجازی؛ مانند تابلوی بسیار زیبایی که با زبان حال بر ذوق و مهارت نقاش خود گواهی می‌دهد و او را مدح و ثنا می‌گوید. (ناصر مکارم شیرازی: ۲۸۶)

از این مطالب درمی‌یابیم که نماز گزاردن انسان که با حمد و تسبیح در عالم تکوین هماهنگ است، گویی برای عالم تکوین نیز آرامش‌بخش است.

تأثیرات تکوینی نماز بر نماز گزاران از منظر امام رضا(ع)

تأثیر نماز در زیبایی چهره

حضرت امام رضا(ع) به نقل از پدر و جدّ خویش می‌فرماید که از حضرت علی بن الحسین(ع) سؤال شد، چرا اهل تهجد و عبادت در شب، نیکو منظرترین مردم‌اند؟ فرمود: زیرا ایشان با خدای خویش خلوت می‌کنند و حق تعالی نیز با نور خودش ایشان را می‌پوشاند. (علل الشرایع، ۲: ۱۸۶ و ۱۸۸)

برکت دنیوی و مادی نماز

حضرت درباره فایده دنیوی نماز در ذیل بیان فلسفه وجودی آن می‌فرماید: نماز

موجب می‌شود تا نمازگزار فزونی (نعمات) دنیوی خویش را طلب نماید. (همان)

برای حوادث زمینی، مانند بادهای ترس‌آور و زلزله و نیز برای حوادث آسمانی مانند خسوف، کسوف، نماز آیات واجب گشته و حتی برای طلب باران به اقامه نماز باران تأکید شده است. (گنجینه معارف: ۷۴۳)

آن حضرت (ع) خود نماز باران را اقامه کرد، که در تاریخ نقل شده و شگفتی همگان را در پی داشته است.

نماز باعث تمرکز و آرامش دل‌ها

حضرت علی بن موسی الرضا در ادامه بیان فلسفه وجوب نماز می‌فرماید: **أَنَّ عِلَّةَ الصَّلَاةِ... وَ أَنْ يَكُونَ ذَاكِرًا غَيْرَ نَاسٍ**: نماز باعث می‌شود که فقط متذکر خداوند باشیم و او را فراموش نکنیم.

نماز و بهداشت جسمی و روانی

در اقامه نماز رعایت بهداشت جسمی توفیقی اجباری است که به‌طور تکوینی بهداشت روانی را هم به‌دنبال دارد.

حضرت در بیان فلسفه غسل و وضو، پاک بودن در برابر پروردگار را گوشزد می‌فرمایند و نیز اینکه آثار خواب و کسالت را از انسان برطرف می‌کند و دل و جان او برای قیام در پیشگاه خدا پاکیزه می‌گردد. (عیون اخبار الرضا (ع)، ۲: ۱۷۲ و ۱۷۳)

این بهداشت جسمی که با استفاده از نعمت حیات‌بخش آب همراه است، نشاط روحی نیز به‌وجود می‌آورد.

در پایان این بحث، در مورد فایده ورزشی نماز نیز نکته زیر را خاطرنشان می‌سازیم. حرکات اجباری‌ای که در نمازهای شبانه‌روز صورت می‌گیرد ۱۱۹ مورد است. این حرکات که موجب حرکت سریع‌تر خون و تقویت دیواره‌های ضعیف ساق‌های

پا می‌شود از بیماری‌هایی نظیر «دوالی الساقین» جلوگیری می‌کند. (پژوهشی در اعجاز علمی قرآن: ۴۲۶)

برخی نویسندگان، مثل محمد سامی محمد علی نیز، در مورد آثار تمرینی و ورزشی نماز سخن گفته‌اند و تحریک عضلات بدن، نشاط قلب و گردش خون، تقویت عضلات رگ‌ها و تقویت مغز را از آثار آن شمرده‌اند. (همان)

دکتر دیاب و دکتر قرقوز با ذکر آیه ۲، سورة مؤمنون (الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ) خشوع را وسیله‌ای برای رشد قدرت تمرکز حواس در انسان معرفی می‌کند که می‌توان از آن در تمام مراحل زندگی بهره برد. (همان)

تأثیرات مهم تشریعی نماز از منظر رضوی

■ تأثیر نماز در نظام و مقررات اجتماعی

نماز روح جامعه را توحیدی می‌کند. حضرت امام رضا(ع) در بیان علت تشریع نماز می‌فرماید: **أَنَّهَا إِقْرَارٌ بِالرُّبُوبِيَّةِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ خَلْعُ الْأُنْدَادِ**: نماز اقرار به ربوبیت حق و خلع انداد و اضداد از اوست. (علل الشرایع، ۲: ۴۸-۵۱ و ۱: ۳۲۲)

مادامی که آحاد جامعه خدای متعال را در روابط و مناسبات اجتماعی خویش حاضر و ناظر در اعمالشان بدانند این نگرش، در تعاملات اجتماعی آنان تأثیر به‌سزایی می‌گذارد و موجب می‌شود تا مقررات و قوانین اجتماعی را براساس نگرش توحیدی وضع نماید و در این صورت اضطراب، التهاب و استرس جامعه به حداقل می‌رسد.

■ تشریع نماز و رابطه آن با نظام اقتصادی

حضرت رضا(ع) شرط نزدیک شدن به خدا در نماز را، پرهیزگاری و تقوا می‌دانند و می‌فرمایند: **الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ**: نماز وسیله قرب هر پرهیزگار است. (من لایحضره الفقیه، ۱: ۳۱۴)

تقوا جنبه‌های مختلفی را شامل می‌شود که یکی از آن‌ها تقوا در اقتصاد

است. در قرآن کریم در بسیاری از آیات نماز، در کنار اقامه نماز از ایتای زکات نیز سخن به میان آمده است. زیرا مگر می شود کسی رابطه خویش را با معبود بهبود بخشد اما از امر خلق خدا غافل باشد!

■ رابطه نماز با حقوق انسان ها

شرط اصلی پذیرش نماز در اندیشه و سیره رضوی، رعایت تقواست. این شرط در هدایت بخشی قرآن نیز مذکور است (ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ) (البقره: ۲)

یکی از ابعاد تقوا رعایت حقوق انسان هاست. لباس نماز گزار و مکان ادای نماز نباید غصبی باشد. اگر در حال نماز بدهکار به سوی نماز گزار بیاید، او باید بدهی خود را در حال نماز بپردازد.

■ رابطه نماز با نظام و مقررات اخلاقی

در سخنان گهربار حضرت علی بن موسی الرضا(ع) درباره فلسفه نماز آمده است: وقتی بنده به یاد پروردگار خویش باشد این فایده بر آن مترتب است که از معصیت ها منزجر گردیده و باعث می شود از انواع فساد کناره گیری کند. (علل الشرایع، ۲: ۴۸-۵۱، من لایحضره الفقیه: ۱/ ۳۲۲)

۱۵۹

نماز، انسان را از صفت حرص و علاقه به دنیا نجات می دهد؛ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا * إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا * وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا * إِلَّا الْمُصَلِّينَ (المعارج: ۱۹-۲۲)

تأثیرات مهم تبلیغی نماز از منظر رضوی علیه السلام

الف) تأثیر تبلیغی نماز در فرد و جامعه

اوقات نماز باعث می شود افراد جامعه زندگی خویش را با زمان برگزاری آن تنظیم

نمایند. در این اوقات گناه کمتر رخ می‌دهد. صدای اذان که ندای توحید و نماد رسمی مسلمانان است، جامعه را تلطیف می‌نماید. نمازگزاران از حال یکدیگر آگاه می‌شوند و به رفع مشکلات یکدیگر می‌پردازند.

ب) نماز و کاهش جرائم

امام رضا(ع) یکی از حکمت‌های نماز را فراموش نکردن خدا می‌داند. فراموش نکردن خدا باعث می‌شود فرد از گناهان منجر گردد و از انواع فساد کناره‌گیری کند. (گنجینه معارف، ۲: ۸۳۰)

ج) نماز و افزایش نشاط اجتماعی

اساساً طبیعت نماز، نشاطبخشی به جامعه است. نماز، به‌ویژه جماعت، کینه‌ها، کدورت‌ها و سوءظن‌ها را از میان می‌برد. حضرت امام رضا(ع) درباره فلسفه نماز جماعت می‌فرماید: «نماز جماعت باعث می‌شود مؤمنان یکدیگر را به نیکی و تقوا یاری نمایند و از معصیت‌های الهی بازدارند.» (گلبرگ‌های تربیت: ۲۸)

نتیجه‌گیری

- با بهره گرفتن از کلام امام هشتم(ع) از این مقاله می‌توان نتیجه گرفت:
۱. نماز در سلامت جسم و روح و روان انسان تأثیر به‌سزایی دارد (مثل بهداشت و سلامت جسم و آرامش روح و دور شدن از اضطراب)؛
۲. نماز قدرت تمرکز انسان را بالا می‌برد و این خود باعث تعادل روحی و قدرت می‌شود؛
۳. نماز در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و فرهنگی جامعه تأثیر مثبت و سازنده دارد؛

۴. نماز جماعت، دل‌های مردم را به هم گره می‌زند و بهره‌وری را در جامعه بالا می‌برد؛

۵. نماز باعث کاهش جرائم اجتماعی می‌گردد؛ زیرا طبیعت آن، چنان است که حیا را در وجود انسان‌ها بارور می‌سازد؛

۶. نماز جماعت، کدورت‌ها و کینه‌ها را می‌زداید و نشاط اجتماعی را بیشتر می‌کند؛

۷. نماز باعث می‌شود تا مؤمنان یکدیگر را به نیکی و تقوا یاری نمایند؛

پیشنهادهای

هشت پیشنهاد به محضر مبارک ارادتمندانِ امام هشتم تقدیم می‌گردد.

۱. لازم است مرکز معتبری برای تحقیقات علمی جهت نمازشناسی در حوزه طبیعی تأسیس گردد تا کارکرد نماز را در جهان پیشرفته علمی دنیا مورد بررسی و تحقیق قرار دهد.

۲. لازم است در یک مرکز معتبر تحقیقاتی کارکرد نماز در حوزه‌های حقوقی، مدیریت، اقتصاد و فرهنگ با دقت مورد ارزیابی قرار گیرد تا همگان اسرار نماز و تأثیر آن را در زندگی خویش دریابند.

۳. رابطه نماز و روان‌شناسی رابطه‌ای انکارناپذیر است. لذا ضرورت دارد برای کارشناسان مشاوره و روان‌شناسی دوره‌های تخصصی تفسیر نماز گذاشته شود تا با اسرار نماز آشنا شوند و خود اصول علمی روان‌شناسی را با نماز همراه سازند.

۴. برای تبلیغ نماز باید زبان جوانان را شناخت و با زبان آنان نماز را تبلیغ نمود.

۵. آموزش نماز باید از کودکی و با روش‌هایی زیبا صورت گیرد تا ماندنی و مؤثر باشد.

۶. برای تبلیغ نماز شایسته است هنر در خدمت نماز قرار گیرد و هنرمندان نیز با تفسیر نماز آشنا شوند تا بتوانند اسرار نماز را در هنر خود پیاده نمایند.

۷. متوسط سن نمازگزاران در مساجد معمولاً بالای چهل سال است که نگران‌کننده است باید تدبیری اندیشید که زمینه حضور یافتن جوانان در مسجد و حتی اداره مسجد توسط آنان فراهم گردد.
۸. لازم است دستورالعملی مؤثر برای تشویق نمازگزاران تدوین گردد.

لحظه‌ای که سراب دریا غرق می‌شود نقش نهادهای تربیتی در فرهنگ‌سازی اقامه نماز

دکتر فریال آمار

دکترای ادبیات فارسی

مقدمه

اقم الصلوة لذكری: نماز بخوانید تا یاد مرا زنده کنید.^۱
دین پدیده‌ای آسمانی است که روی آوردن به آن ریشه در فطرت دارد و با سرشت انسانی درهم آمیخته است. لذا دین خواهی و دینداری یکی از شاخصه‌های رفتار انسانی در هر زمان و مکان قلمداد شده است.

۱۶۳

الا بذكر الله تطمئن القلوب؛ یاد خدا دل‌ها را مطمئن می‌کند.^۲
انسان عصاره هستی و دارای قوا و استعدادهای مختلف است. مهم‌ترین ویژگی انسان، جنبه الهی و ملکوتی اوست که او را در کل نظام هستی ممتاز نموده و محور نظام خلقت قرار داده است. از آنجا که انسان موضوع تربیت است و موجودی اثرگذار و اثرپذیر و دارای قدرت اختیار، انتخاب و اراده آزاد است، برای شکوفایی و به فعلیت

رسیدن قوا و استعدادهای فطری‌اش، نیاز به تربیت دارد و تنها تربیت دینی است که می‌تواند نیازهای مختلف او را تأمین کند و زمینه تکامل همه جانبه او را به خصوص در بعد معنوی و الهی فراهم نماید. نماز، از میان مؤلفه‌های گوناگون تربیت دینی، از اولویت و اهمیت خاصی برخوردار است زیرا بهترین ابزار رام‌کننده طبیعت و احیای فطرت است.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، اقامه نماز، خانه، مدرسه، دوره‌های تحصیلی

جامعه و فرآیند اقامه نماز

الذین ان مکنهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة وامروا بالمعروف و نهوا عن المنکر^۳

عوامل تربیتی به صورت یک چرخه در تربیت تأثیر می‌گذارند و همه آنها می‌توانند در سایه تربیت دینی در کنار یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل داشته باشند. از آنجا که تکامل معنوی مردم جزء حقوق اجتماعی شهروندان محسوب می‌شود، اولین مسئولیت در جامعه، ایجاد ارتباط یا تنظیم ارتباط افراد با خداوند است. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید اگر ما شما را در روی زمین متمکن کردیم باید اقامه نماز و ایتای زکات و امر به معروف و نهی از منکر را ترویج نمایید. فرمان به انجام این امور ضمن بیان وظیفه جامعه، شکر نعمت تشکیل حکومت صالحان نیز به شمار می‌آید. بر این اساس، تلاش مجریان نظام جامعه اسلامی برای ادای این حق و انجام این وظیفه، می‌تواند از دو راه در جهت احیای فطرت ثمربخش باشد:

۱. **ایجاد مقتضیات یا تقویت عوامل تسهیل‌کننده:** جامعه می‌تواند با ارائه زیبایی‌ها؛ یعنی طرح ارزش‌ها از طریق به‌کارگیری عاطفه، احساس و محبت، که همان تولی است (زیرا شروع تربیت با محبت شکل می‌گیرد)، زمینه

تکامل معنوی افراد را به بهترین وجه فراهم سازد.

۲. رفع موانع یا کنترل عوامل بازدارنده: جامعه می‌تواند از طریق نفی ضد ارزش‌ها، که همان تبری و برائت از هر آلودگی است، مسیر عبودیت را برای افراد جامعه هموار نماید.

خانواده و فرآیند اقامهٔ نماز

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا

از نظر بینش اسلامی خانواده یکی از آیات بزرگ خداست که از بین نمی‌رود ولی تضعیف می‌شود. اهمیت نقش خانواده از آنجا ناشی می‌شود که تربیت یک امر درونی است نه بیرونی، یک امر اکتشافی است نه اکتسابی. لذا خانواده باید زمینه‌ای را فراهم کند که از میل فطری کودک پرده برداری نماید و حقایق فطری دینی او را به ثمر رساند. خانواده برای ادای حق خطیری که به عهدهٔ او گذاشته شده است از راه‌های زیر می‌تواند در جهت انجام وظیفهٔ خود گام بردارد:

❖ انتخاب راه و زمینه‌سازی برای رشد؛

❖ آماده کردن و ارائهٔ ابزار، در حدی که افراد بتوانند با تلاش و استعداد کافی در

جهت رشد و شکوفایی خود گام بردارند؛

❖ دادن امکانات و امتیازات و ره‌گشایی برای مرحلهٔ بالاتر، به‌نحوی که افراد قادر

باشند به رشد مطلوب خود دست یابند.

با عنایت به جمع‌بندی نتایج تحقیقات انجام گرفته، برای حصول مقصود و نیل به اهداف از طرف خانواده توجه به نکات ذیل حائز اهمیت است.

❖ خانواده وقتی یارای ایجاد انگیزهٔ مثبت به نماز را در فرزند دارد که متزلزل و ناپایدار نباشد.

❖ خانواده متشکل و مستحکم باید از تعادل و تکامل و پویایی برخوردار باشد، زیرا

یک محیط راكد و فاقد طرح و برنامه و روش نمی تواند موفق باشد.

❖ فرزند را بشناسد و برای شکوفایی فطرت او متناسب با توانایی های او برنامه ریزی کند.

❖ تلاش والدین جهت تأمین نیازهای مادی فرزندان موجب افزایش رضایت آنها از اوضاع فردی و خصوصی می شود و در تقویت نگرش مثبت به نماز تأثیر می گذارد.

❖ کودکان را قبل از بلوغ به نماز تشویق کنند.

❖ اهتمام والدین در جلوگیری یا کاهش منازعات و ایجاد روابط دوستانه توأم با احترام متقابل، موجب تثبیت نگرش های مطلوب دینی از جمله نماز می گردد.

❖ والدین به دلیل داشتن نقش الگویی، خود از شناخت و معرفت دینی برخوردار باشند و به شناخت خود عمل کنند تا بتوانند با ایجاد تصویر درست از دین و دینداری در ذهن کودک در دو حوزه عاطفی و شناختی فرزند تأثیر بگذارند.

مدرسه و فرآیند اقامه نماز

مدرسه از یک طرف ارزش ها، هنجارها، نگرش های اجتماعی، مذهبی و... را از طریق کتاب های درسی و فعالیت های فوق برنامه به صورت رسمی و آگاهانه به دانش آموزان انتقال می دهد و از طرف دیگر، معلمان با ورود دانش آموزان به مدرسه و در تعامل با آنان الگو قرار می گیرند و رفتارها، ارزش ها، هنجارها و نگرش های معلمان را نسبت به مسائل مختلف از جمله نماز از طریق مشاهده و تقلید فرا می گیرند. در نتیجه رفتار و نگرش آنها نسبت به مسائل مختلف دستخوش تغییر می شود. حال این تغییر می تواند در جهت تقویت ارزش ها، هنجارها و نگرش های دانش آموزان نسبت به مسائل مختلف از جمله نماز صورت گیرد و یا برعکس در جهت تضعیف آنها حرکت کند.

در جمع‌بندی نتایج تحقیقات در بخش عوامل مؤثر درون نظام آموزش و پرورش در زمینه شرکت دانش‌آموزان در مراسم نماز جماعت مدارس از نظر دانش‌آموزان موارد زیر احصا شده است:

- ❖ داشتن ارتباط انسانی مسئولان مدرسه با دانش‌آموزان؛
- ❖ بودن امکانات مطلوب رفاهی، شامل نمازخانه تمیز و شیک، وجود آب گرم در زمستان، بودن وسایل گرمایشی و سرمایشی در نمازخانه؛
- ❖ شرکت کردن مسئولان و معلمان مدرسه در نماز جماعت؛
- ❖ دادن آموزش عملی نماز در کتب درسی دینی؛
- برخوردار بودن دبیران دینی از شخصیت و توانایی علمی و تطبیق داشتن گفتار آن‌ها با عملشان؛
- ❖ پرداختن فعالیت‌های فوق برنامه و تفریحات و بازدیدها و مورد تشویق قرار گرفتن، به‌ویژه تشویق‌های معنوی (احترام)؛
- ❖ حل شدن تعارضات روحی و روانی دانش‌آموزان توسط مشاوران و مربیان مدارس. همچنین با توجه به یافته پژوهش‌ها ثابت گردید که رابطه مستقیم و معناداری بین نگرش مثبت و مطلوب دانش‌آموزان نسبت به نماز با میزان تشویق مدارس در این امر^۵، میزان فعالیت مرتبط با نماز در مدارس^۶، جو مذهبی مدارس^۷، حضور کارکنان مدارس در نماز جماعت^۸ و امکانات مرتبط با نماز^۹ وجود دارد.

تعامل خانه و مدرسه در فرآیند اقامه نماز

پرستش نه تنها در نهاد هر انسان وجود دارد بلکه هدف آفرینش انسان به شمار می‌رود^{۱۰}. بر این اساس اگرچه همه نهادها در قبال شکوفایی این امر فطری و ترویج فرهنگ نماز، که یکی از برترین جلوه‌های پرستش است، مسئولیت دارند اما خانواده و مدرسه؛ یعنی مهم‌ترین متولیان تعلیم و تربیت فرزندان کشور اسلامی، رسالت

بیشتری را برعهده دارند و تعامل بین این دو نهاد مهم نتایج مؤثری را در پی خواهد داشت. برای تبیین کیفیت تعامل خانه و مدرسه می‌توان گفت که در تربیت دینی پنج مرحله به‌طور طبیعی و به‌صورت مستمر و منظم سپری می‌شود که می‌توان این مراحل را با مراحل رشد به قرار ذیل تطبیق داد و با پشتیبانی دو نهاد فوق‌الذکر به اهداف مورد نظر دست یافت.

مرحلهٔ انس دینی، دورهٔ پیش از دبستان

اولین مرحلهٔ تربیت دینی انس دینی است. کودکان در سال‌های اولیهٔ زندگی با مشاهدهٔ اقامهٔ نماز و تلاوت قرآن و انجام فرایض دینی اطرافیان به تقلید از آنها می‌پردازند. این تقلیدهای کودکان به تدریج کودک را به سوی تعلقات دینی سوق می‌دهد و زیربنای الفت دینی را فراهم می‌سازد. نقش خانواده در این مرحله از اهمیت خاصی برخوردار است. تشویق کودک در زمان تقلید حرکات نماز، شرکت در نماز جماعت، حضور در اجتماعات دینی و... در تقویت انس دینی تأثیر به‌سزایی دارد. در این مرحله شایسته است وزارت آموزش و پرورش با اختصاص بخشی از مطالب جزوه‌های آموزشی مراکز پیش‌دبستانی به نماز، رسالت خطیر خود را در پرورش تربیت دینی کودکان ایفا نماید و خردسالان را به صورت تشریحی و تصویری با نماز آشنا سازد.

مرحلهٔ عادت دینی، دورهٔ دبستان

در این مرحله لازم است بر استمرار عمل کودکان نظارت شود. تکرار اعمال از جانب کودکان در این دوره، علاوه بر نفوذ در شخصیت آنها، زمینهٔ استواری و پایداری آن عمل را در روح و جان آنان فراهم می‌نماید. از آنجا که یکی از خصوصیات مهم دورهٔ دبستان، عادت‌پذیری است مدرسه باید همت خود را در این دوره در ایجاد

عادت‌های ارزشمند مصروف نماید.

اگرچه در سال‌های اولیه این دوره، وجوب اقامه نماز بر دختران و تا پایان این دوره بر پسران مطرح نیست ولیکن از طریق حضور دانش‌آموزان در نمازخانه و اقامه نماز نوعی عادت و استمرار بر عمل در آنها به وجود می‌آید و این عمل به صورت طبیعت ثانویه در سرشت کودکان جای می‌گیرد.

یکی از دلایل تأکید انجام اعمال دینی بر مبنای اعدادی از قبیل چهل، هفتاد، صد و... همین تقویت عادت دینی است. ضمناً نباید از این امر غفلت نمود که آموزش مسائل شرعی در خصوص نماز نیز باید به تدریج از همین دوره آغاز شود.

نقش خانواده در این مرحله نیز بسیار حائز اهمیت است. زمینه‌سازی برای زودتر بیدار شدن در صبحگاهان و تأکید بر اقامه نماز در اول وقت از مهم‌ترین اموری است که خانواده با عنایت به آن می‌تواند نقش خود را در این دوره به طور مؤثر ایفا نماید.

معرفت دینی، دوره راهنمایی

سیزده سالگی دوره رشد انتزاعی یا رشد تجریدی فکر محسوب می‌شود. کودکی که در دوره پیش‌دبستانی و دبستان با آداب دینی انس پیدا کرده و عادت دینی در او به وجود آمده است در این مرحله باید معرفت دینی پیدا کند. برای نیل به این مقصود لازم است از طریق دلیل و استدلال و با تجزیه و تحلیل مسائل دینی، زمینه تفکر دینی فراهم گردد. در این دوره نوجوانان غالباً از علت مسائل سؤال می‌کنند و می‌خواهند حکمت مسائل را بدانند.

کودکی که تا به حال نماز خوانده است و اکنون نیز به اقامه نماز ادامه می‌دهد در این مرحله می‌خواهد بداند که نماز چه اثری بر شخصیت او دارد؟ در نزد خداوند چه آثاری بر آن مترتب است؟ و اصولاً چرا باید نماز بخواند؟ برای پاسخ به سؤالات نوجوانان، خانواده و مدرسه، علاوه بر معرفی منابع معتبر و ارائه شواهد مستدل و

نمونه‌های مستند (از طریق معرفی متخصصین متعهد جهت پاسخ‌گویی به سؤالات و تجزیه و تحلیل مسائل دینی)، لازم است با استفاده از سخنان بزرگان اندیشه و فرهنگ اسلامی که در ادبیات غنی فارسی موجود است و داستان‌هایی که در فرهنگ ما وجود دارد و اشعار ارزشمند سعدی، مولوی، حافظ و... ضرب‌المثل‌ها، خاطرات و موضوعات تاریخی زمینه‌ایجاد جذابیت، آشنایی با رازها و اسرار نماز و تفکر جهت نیل به معرفت دینی را فراهم نمایند.

شاكلة دینی، دوره متوسطه

پس از کسب معرفت دینی، باید معارف کسب شده در تمام زوایای وجود جوان نفوذ کند و دین در وجود او کاملاً متجلی و متبلور شود تا شخصیت بارز دینی پیدا کند. مدرسه به مثابه یکی از مهم‌ترین متولیان تعلیم و تربیت، شایسته است در این دوره آموزش نماز را با تأکید بر روح، حقیقت و حکمت نماز و اجزای آن، بر عهده گیرد و دانش‌آموزان را به استفاده از منابع اصلی مانند قرآن کریم، سنت معصومین (ع)، اولیا و بزرگان دین در جهت دستیابی به حکمت نماز تشویق نماید. همچنین لازم است در این دوره زمینه عمل همه جانبه به اعتقادات دینی برای جوانان فراهم شود. به همین دلیل محدودیت دانش‌آموز و فعالیت‌های او باید مورد توجه قرار گیرد. به معلمان گرامی پیشنهاد می‌شود برای افزایش غیر مستقیم معرفت دینی و تقویت پیوند جوانان با معارف دینی، فعالیت‌های تحقیقی و کارهای هنری دانش‌آموزان را گسترش دهند. هنگام آموزش با طرح پرسش‌هایی در ضمن تدریس و درخواست اظهار نظر از افراد یا گروه‌ها و مشارکت و فعالیت در کار گروهی، فرصت تقویت تفکر و پرورش دینداری را برای دانش‌آموزان فراهم نمایند.

نقش خانواده و اطرافیان نیز در این دوره بسیار حساس است، زیرا با هدایت جوان به سوی انتخاب دوستانی شایسته و معاشرت با افراد با تقوا، او را در دستیابی به

شاکله دینی مدد می‌رسانند. در حدیث است که یکی از برکات مسجد و نماز، پیدا کردن چنین دوستانی است.

خودجوشی دینی، دوره پیش‌دانشگاهی و پس از آن

در این مرحله، در صورتی که شخصیت فرد از نظر دینی کاملاً شکل گرفته باشد و ایمان در قلب او نفوذ پیدا کرده باشد آثار آن به صورت نیروی خودجوش دینی در عمل هویدا می‌شود. به عبارت دیگر مرتبه اصلی هدایت، که ایمان است، به وسیله افعال در قلب مستقر می‌شود، زیرا ایمان به خدا، قطعاً در زندگی فردی و اجتماعی انسان آثار عملی خواهد داشت. راز تقارن عبارت «الذین آمنوا» با «عملوا الصالحات» در قرآن کریم نیز همین مطلب است. زیرا عمل صالح به منزله میوه درخت ایمان شمرده می‌شود و حوزه تسلط ایمان نه تنها بخشی از وجود آدمی بلکه همه هستی اوست و هیچ بعدی از ابعاد وجود انسان یافت نمی‌شود که از حوزه نفوذ آن به دور باشد.

البته تذکر این نکته ضروری است که نه تنها ایمان منشأ عمل صالح قلمداد می‌شود بلکه ایمان و عمل بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند؛ یعنی همان‌طور که ایمان سرچشمه عمل صالح است عمل صالح نیز در تقویت ایمان مؤثر است. به همین دلیل قرآن کریم یکی از مهم‌ترین آثار نماز را دوری از گناه معرفی می‌نماید^{۱۱} و ضایع شدن نماز را زمینه شیوع هر گونه فساد و پیروی از انواع شهوات می‌شمارد.^{۱۲} تقویت رفتارهای دینی از طریق اهدای جوایز و تکریم فرزندان در حضور هم‌سالان از مهم‌ترین اقدامات خانواده و مدرسه در این مرحله به شمار می‌رود. در همین مرحله است که انسان نه تنها خود را هر لحظه در پیشگاه الهی خواهد دید بلکه حرکت هستی و شتاب آفرینش را نیز به سوی او روان می‌بیند و همه هستی را به منزله مأذنه‌ای خواهد دید که دمام ندای توحید و دعوت به عبودیت حق و سرود بندگی

از آن به گوش می‌رسد و در این حالت است که او نیز هماهنگ با همه هستی به دنبال گم‌گشته خود می‌گردد و سعی می‌کند با محبوب‌ترین اعمال در نزد خداوند، یعنی نماز، رضای خالق را کسب کند و با نماز، که بهترین وسیله تقرب است، خود را به او نزدیک سازد.

نتیجه‌گیری

امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به معاویه بن وهب که درباره بهترین وسیله تقرب و محبوبیت بندگان به پروردگار پرسیده بود، فرمودند: «ما اعلم شیئاً بعد المعرفة افضل من هذه الصلوة: بهترین وسیله تقرب و محبوبیت بندگان به پروردگار پس از معرفت خدا، نماز است»^{۱۳}.

تعلیم و تربیت دو مقوله تفکیک‌ناپذیرند و تنها در پرتو این تفکیک‌ناپذیری است که نقش معنایی و رسالت مفهومی خویش را به درستی ایفا می‌نمایند. جوانی که در جریان مراحل فوق به‌طور صحیح تحت تربیت قرار گیرد، دیگر طعمه تهاجم فرهنگی بیگانگان قرار نمی‌گیرد و دچار از خود بیگانگی و مسخ فرهنگی نمی‌شود. اگر جوانان تنها دارای علم دینی باشند ممکن است دچار لغزش شوند ولی اگر شاکله دینی داشته باشند مقاومت خواهند کرد و اگر خودجوشی دینی پیدا کنند تسخیر ناپذیر خواهند شد.

بدیهی است تعلیم و تربیت، که اساسی‌ترین عامل حیات هر جامعه است، وقتی مؤثر واقع خواهد شد که عموم عوامل مؤثر در آن به معاضدت و معاونت یکدیگر اقدام کنند؛ یعنی خانواده، مدرسه، مساجد و مجامع مذهبی، مطبوعات، رادیو و تلویزیون و سینما (که از عوامل عمده تعلیم و تربیت شمرده می‌شوند) و نخبگان فکری در هر یک از این مؤسسات و مراکز، استراتژی تعلیم را با برنامه یا بدون برنامه، خودآگاه یا ناخودآگاه، القاء کنند و با هم مشارکت داشته باشند. هم‌چنین کلیه مواد آموزشی باید

به تحقق اهداف تربیت دینی یاری رسانند و به تقویت و تثبیت آن - البته به صورت
کارکرد ثانویه - همت گمارند.

پی‌نوشت

۱. سورة طه، آیه ۱۴
۲. سورة رعد، ۲۸
۳. سورة حج، ۴۱
۴. سورة طه، ۱۳۲
۵. حسنی درمیان، ۱۳۷۵، عسگری، ۱۳۷۷
۶. قربان و خواب‌نما، ۱۳۷۴، فرش‌ی، ۱۳۸۰
۷. قنبری، ۱۳۷۴، فرش‌ی، ۱۳۸۰
۸. زنگی آبادی، ۱۳۷۲، قربان و خواب‌نما، ۱۳۷۴، جهانیان ۱۳۷۶، عسگری، ۱۳۷۷، رضائیان و سراجی، ۱۳۸۰
۹. نورانی و مالک ایمنه، ۱۳۷۵، جمالی سنگری، ۱۳۷۹، غیجی، ۱۳۸۰
۱۰. سورة ذاریات، ۵۶
۱۱. سورة عنکبوت، ۴۵
۱۲. سورة مریم، ۵۹
۱۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۷۵

هرگز حدیث حاضر و غایب شنیده‌ای

نقش نماز در روابط اجتماعی

احمد محفوظی

پژوهشگر و نویسنده

مقدمه

انسان موجودی است مدنی‌الطبع و چند بعدی. فطرتش او را به طیف‌گرایی می‌کشاند و او را از درون‌گرایی به برون‌گرایی گسیل می‌دارد. هجرت آدم از جنت و سکونت در ارض و سیر مراحل کوچ به روستا، شهرک، شهر و دستیابی به تمدن و تشکیل انجمن، شورا و مجمع، نظریه جمع‌گرایی را تأیید می‌کند. گرچه «نماز» ارتباط انسان با خداوند منان است، عامل پیوند و هم‌بستگی انسان‌ها با یکدیگر نیز هست. در طول تاریخ یک قانون و یک سنت حاکم بوده است و آن این که روابط اجتماعی افراد یک مجموعه که بر اساس مادیات و جذب منافع، استوار بوده است دوامی نیافته و چند صباح بعد، شیرازه آن‌ها از هم گسیخته است. لیکن ارتباطات جمعی که بر پایه خدا و خدا محوری استوار بوده و مفاهیم:

۱. واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا (آیه ۱۰۳، سوره آل عمران)

۲. یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون (آیه ۲۰۰، سوره آل عمران)

را جزو دستور کار جمع خود قرار داده است، علاوه بر ایجاد حس اعتماد بین مجموعه، پایداری را در پی داشته است. مظهر اعلای این ارتباط جمعی را در مسجدالحرام و مسجدالنبی (ص)، که از اقوام و ملل با زبانهای متفاوت گرد می آیند، مشاهده می کنیم.

کلیدواژه ها: نماز جماعت، ارتباط جمعی، انضباط اجتماعی

راهکارهای اجرایی ارتباط جمعی در پرتو نماز

عوامل ذیل و راز و رمزهای نماز به منزله راهکارهای اجرایی در تحقق ارتباط جمعی مرتبط با نماز قلمداد شده است:

۱. نقل است پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - بعد از اتمام نماز، روبه مأمومین می نشست تا بعد از ارتباط با خدا، ارتباط عاطفی با مخلوق هم پیدا شود و اگر مأمومی دیده نمی شد، سراغ او را می گرفتند، در صورتی که بیمار یا گرفتار بود، مشکل او را مرتفع می ساختند.

۲. سفارش شده است دست خالی به مسجد نروید، زیرا نیازمندی که به مسجد مراجعه می کنند نومیث از خانه خدا بیرون نروند. پرداخت زکات مال به فقرا، به همراه اقامه نماز، جمع بین حسن هاست. عملکرد حضرت علی - علیه السلام - که در حال رکوع، انگشترش را به سائل داد، تأییدی بر ایجاد عاطفی بین مصلی و مستمند است (قرائتی: ۸۳)

۳. در سوره شوری، آیه ۳۸ در بیان صفات مؤمنین آمده است: «والذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة و امرهم شوری بینهم و مما رزقناهم ینفقون» به مشورت،

- پس از امر برپایی نماز اشاره شده و قطعاً مشورت و شورا وابسته به یک مجموعه است و تسهیل روابط جمعی را در پی خواهد داشت. در دوران قیام ملت علیه طاغوت، در سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۶ مشورت، در مسجد صورت می‌گرفت.
۴. انسان به غیر از برادر تنی، به برادر دینی هم نیاز دارد و بر اساس آیه ۱۱، سوره توبه، مشرکین، اگر توبه کنند و نماز برپای دارند و زکات را پرداخت کنند در جایگاه برادر دینی قرار خواهند گرفت. یکی از پل‌های ارتباطی برای وصول به سیستم برادر دینی، نماز است.
۵. ارزش انسان این‌گونه توصیف شده: انسان مخلوقی است که به همراه خلق به سوی خالق، هم‌سو با طبیعت و خلقت، حرکت می‌کند و نماز این توصیف را معنی می‌بخشد.
۶. مصلی اگر نماز فرادی بخواند با زبان خود می‌گوید: «ایاک نعبد و ایاک نستعین» فقط تو را عبادت می‌کنیم و فقط از تو کمک می‌جوئیم. بیان این‌گونه، از اتصال انسان با دیگران حکایت می‌کند (تفسیر نمونه، ج ۱: ۴۴). اگر این‌گونه نمی‌بود باید می‌گفت: «ایاک اعبد و ایاک استعین». همین نماز گزار که به تنهایی نماز می‌خواند، به لحاظ ارتباط با هم‌نوعان و خیرخواهی برای همگان، می‌گوید «اهدنا الصراط المستقیم» ما را به راه راست هدایت کن. همین بیان بندگان خواهی در سلام آخر نماز نیز مشهود است: «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» سلام بر نماز گزاران و بر بندگان نیکوکار خداوند. شهید مطهری می‌فرماید: «در سوره حمد که جزء قطعی نماز است می‌گوئیم: «ایاک نعبد و ایاک نستعین» خدایا ما تنها تو را می‌پرستیم، خدایا ما تنها از تو کمک و استعانت می‌جوئیم. یعنی می‌گوئیم: خدایا من تنها نیستم، من با همه مسلمان‌های دیگر هستم. ضمناً انسان، وابستگی و پیوستگی خودش به جامعه اسلامی را در حال عبادت و بندگی اعلام می‌کند. خدایا، من فرد نیستم، تک نیستم، من عضو، جزئی از

کل و عضوی از پیکر هستیم. «ما هستیم، نه من». در دنیای اسلام «من» وجود ندارد «ما» وجود دارد. (گفتارهای معنوی: ۵-۹۴)

۷. اقامه‌گر نماز با همهٔ بندگان صالح خدا اعلام صلح و صفا می‌کند. اعلام همزیستی مسالمت‌آمیز با همهٔ افراد شایسته می‌کند. در حال نماز می‌گوید: من با هیچ بندهٔ شایسته‌ای سر جنگ ندارم، چون اگر با بندهٔ شایسته‌ای سر جنگ داشته باشم خود ناشایسته‌ام.

۸. در مسئلهٔ ۱۴۰۲ رسالهٔ توضیح‌المسائل امام (ره) آمده است: مستحب است که انسان صبر کند نماز را به جماعت بخواند. نماز جماعت، از نماز اول وقت فردی که آن را طول بدهند، بهتر است. این سه معیار، حاکی از عنایت ویژه به ارتباط جمعی و ارتباط انسان‌هاست و جماعت بر تکروی رجحان دارد.

۹. برای اتصال قطره به دریا، شارع مقدس توصیه می‌کند زمانی که جماعت برپا می‌شود و نمازگزار نمازش را فرادا خوانده است، آن را با جماعت اعاده کند (مسئلهٔ ۱۴۰۳، توضیح‌المسائل امام رحمه‌الله علیه).

۱۰. نمازگزارانی که به بیماری وسواس مبتلا هستند مرض آنها با دوازده نماز جماعت حل می‌شود، به این طریق می‌فرماید: کسی که در نماز وسواس دارد و فقط در صورتی که نماز را با جماعت بخواند از وسواس راحت می‌شود، باید نماز را با جماعت بخواند (همان، مسئلهٔ ۱۴۰۵).

۱۱. در عید فطر که شادمانی روزه‌داران بعد از یک ماه روزه‌داری فراهم می‌شود، شارع مبین توصیه می‌کند نماز عید را در زمان غیبت امام - علیه‌السلام - به جماعت و به قصد رجاء بخوانند (همان، مسئلهٔ ۱۴۰۷)، همین سفارش در عید قربان نیز به چشم می‌خورد تا پیوند نمازگزاران عید قربان استحکام بیشتری یابد.

۱۲. «یدالله مع الجماعة»، در بینش فقهی برای رفع خشک‌سالی و نزول باران و فرود آمدن رحمت الهی از آسمان، به نماز استسقاء فرمان می‌دهد تا دل‌های شکسته

مردمان، دفع صد بلا بکند. گرچه نمازهای مستحبی از جماعت استثناست، ولی جماعت مردم در نماز استسقاء توصیه شده‌اند تا با نماز جماعت دل‌ها را بیشتر به هم پیوند دهند (همان، مسئله ۱۴۰۷).

۱۳. در بخش‌نامه فقهی، اصل جماعت است و فرادی گویی فرع. هرگاه نمازگزار به نماز مستحبی اشتغال دارد و از سوی دیگر نماز جماعت برپا شد در صورتی که اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به جماعت می‌رسد، به وی اجازه داده است نماز مستحبی را رها کند و به دریا بپیوندد یعنی مشغول نماز جماعت شود.

۱۴. فرامین مستحبی، پیرامون اقامه نمازهای واجب به صورت جماعت حاکی از داشتن ثواب مضاعف، به‌طوری که اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند هر رکعت از نمازش ثواب ۱۵۰ نماز را دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند، هر رکعت آنها ثواب ۶۰۰ نماز دارد، یا حاضر نشدن به جماعت، از روی بی‌اعتنایی جایز نیست و شایسته نیست که نمازگزار بدون عذر، نماز جماعت را ترک کند. این‌ها همه از نقش کاربردی نماز بر محور ارتباط جمعی حکایت می‌کند.

راهکارهای اجرایی انضباط اجتماعی در پرتو نماز

قبل از ارائه راهکارهای اجرایی انضباط اجتماعی، ضروری است واژه «انضباط» را بررسی کنیم. انضباط از باب انفعال در فرهنگ‌های لغات به معانی ذیل آمده است:

۱۷۸

۱. سامان گرفتن، خوب نگاه داشته شدن، نظم داشتن؛
۲. سامان‌پذیری، آراستگی، نظم و ترتیب؛
۳. پیروی کامل از دستورهای نظامی، «دیسپلین در زبان فرانسوی DISCIPLINE»
مقابل بی‌انضباطی (فرهنگ معین)؛
۴. پیوستگی (غیاث اللغات)؛
۵. نظم و انتظام و ترتیب و درستی، عدم هرج و مرج (فرهنگ ناظم الاطباء).

در اسرار الصلوة، تألیف حاج میرزا جواد ملکی تبریزی (ترجمه رضا رجب‌زاده)، ص ۴۹۱ آمده است:

حکمت اصلی در تشریع نماز جماعت، اتحاد قلوب مؤمنین در امر خداست و برای این اتحاد، فواید بسیاری از قوت اسلام و مسلمین و غیر آن، است. گذشته از این، نماز جماعت در تکمیل نفوس و قوت آنها در سیر الی‌الله و جلب فیوضات الهی، بسیار مؤثر است. مثل اجتماع قلوب، مثل اتصال آب‌های قلیل به یکدیگر است که چون به یکدیگر متصل شوند از صورت آب قلیل در می‌آیند و کر می‌شوند، که دیگر به اندک نجاستی، طهارتش را از دست نمی‌دهد.

مسئله نظم، در زندگی یک اصل است و نظم، عامل پیشرفت و بی‌نظمی، عامل شکست انسان‌ها در طول حیات بوده است.

شخص بی‌نظمی که خود را به موقع به ایستگاه راه‌آهن نرساند لکوموتیو و قطار از دسترسی او خارج می‌شود. داوطلب بی‌نظمی که خود را به موقع به جلسه‌ی آزمون ورودی دانشگاه نرساند، از ورود به دانشگاه محروم می‌گردد.

در سوره ماعون می‌خوانیم «فویل للمصلین، الذین هم عن صلاتهم ساهون» وای بر نمازگزارانی که در عمل به نمازشان بی‌نظم‌اند، نه ارزش برای آن قائل‌اند، نه به اوقاتش اهمیت می‌دهند، نه ارکان و شرائط و آدابش را رعایت می‌کنند و نماز را از وقت فضیلتش به تأخیر می‌اندازند. (تفسیر نمونه، ج ۲۷: ۳۶۵)

اما راهکارهای اجرایی ذیل، تقویت و انسجام انضباط اجتماعی را موجب می‌شود:

(۱) وقت‌شناسی برای برپائی نمازهای یومیه در موعد مقرر و آن هم تأکید بر احراز دخول وقت، در انسان ایجاد نظم می‌کند.

(۲) اگر نمازگزار پیش از وقت، نماز بخواند و در بین نماز بفهمد که به موقع شروع نکرده است چون بی‌نظمی کرده تنبیه می‌شود و نمازش باطل اعلام می‌گردد (توضیح المسائل امام، مسئله ۷۴۵).

(۳) اگر مصلی نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب عمداً بخواند چون ترتیب را به هم زده است نمازش باطل است (همان، مسئله ۷۵۵).

(۴) چنانچه نمازگزار، ترتیب نماز را، که خود یک اصل است، عمداً به هم بزند، فی‌المثل سوره را پیش از حمد بخواند یا سجود را پیش از رکوع به جا آورد، چون مرتکب بی‌نظمی شده، نمازش از درجه اعتبار، ساقط می‌گردد. رعایت موالات هم در نماز، از این قاعده مستثنا نیست. نمازگزار نباید بین اجزای نماز همانند رکوع، سجود و تشهد به اندازه‌ای فاصله بیندازد که بگویند نماز نمی‌خواند (همان، مسئله ۱۱۴).

(۵) اطاعت مأموم از امام، انضباط اجتماعی را در افراد پرورش می‌دهد. مأموم نباید تکبیره‌الاحرام را پیش از امام بگوید. (مسئله ۱۴۶۷). نباید عمداً پیش از امام به رکوع و سجود برود. در این صورت مرتکب معصیت شده است ولو نمازش را صحیح منظور نمایند (مسئله ۱۴۷۰). چنانچه پیش از امام، سهواً سر از رکوع بردارد و امام هم در حال رکوع باشد، به منظور ایجاد نظم و وحدت در بین نمازگزاران، باید به رکوع برگردد. هر چند رکوع، رکن است و افزایش رکن، باعث ساقط شدن نماز از درجه اعتبار می‌شود. در اینجا ارفاق شده است و نماز مأموم را باطل اعلام نمی‌کنند (مسئله ۱۴۷۱).

(۶) اگر در صف‌های جماعت جا باشد، کراهت دارد انسان تنها بایستد (مسئله ۱۴۸۸) در دریا، گروهی که با هم شنا کنند صحیح نخواهد بود شناگری در گوشه‌ای تنها شنا کند. قطعاً به هنگام خطر جان سالم به‌در نخواهد برد.

(۷) نماز، انسان را از کار زشت و فحشا باز می‌دارد. اگر انسان نماز خواند و مرتکب فحشا و منکر شد از نداشتن نظم و هماهنگی بین دل و زبان او سرچشمه می‌گیرد، به قول سعدی:

هرگز حدیث حاضر و غایب شنیده‌ای؟

من در میان جمع و دلم جای دیگرست.

(۸) در آیه ۳۱، سورة اعراف می خوانیم: «خذوا زینتکم عند کل مسجد»، زیرا زینت مساجد جلوه‌ای از آراستگی و انضباط اجتماعی است (قرائتی، ص ۱۰۲).

(۹) پاکی از مصادیق آراستگی و اصول انضباطی است. لباس نمازگزار باید پاک باشد، اگر کسی عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند نمازش مردود و مطرود است (توضیح المسائل امام، مسئله ۷۹۹).

(۱۰) پرهیز نمازگزار از لباس غصبی، زمنیه رعایت حقوق و نظم اجتماعی را فراهم می‌کند. در صورت بی‌توجهی به غصب و عمد در کار، نمازش محلی از اعراب نخواهد داشت (همان، مسئله ۸۱۵).

(۱۱) به هنگام پرداختن به غسل جنابت به منظور آماده شدن برای نماز، چنانچه نمازگزار از سیستم غسل ترتیبی استفاده نکند و عمداً به ترتیب سر و گردن، طرف راست و طرف چپ بدن را نشوید غسل او پذیرفته نخواهد بود (همان، مسئله ۳۶۱).

(۱۲) حضور یافتن مردم در نماز جمعه و رعایت آداب آن علاوه بر ایجاد ارتباط جمعی بین نمازگزاران، با برپائی همایش عبادی - سیاسی مردم و گردهمایی معنوی آنان، به ما درس انضباط اجتماعی و وحدت و استواری می‌آموزد.

(۱۳) ویل دورانت مورخ و دانشمند آمریکائی، دربارهٔ زیبایی نماز، در جوامع اسلامی که نشئت گرفته از انضباط اجتماعی است، در کتاب «تاریخ تمدن، عصر ایمان» می‌گوید:

در جامعه‌های اسلامی، مؤذن از گلدسته بالا می‌رود و به وسیلهٔ اذان مسلمانان را به نماز دعوت می‌کند. به راستی چه نیرومند و شریف است که مردم را پیش از طلوع آفتاب به بیداری دعوت می‌کند. چه خوب است انسان به هنگام نیم‌روز از کار باز ایستد و چه بزرگ و باشکوه است که خاطر انسان در سکوت شب به جانب خداوند

توجه کند. چه خوش آهنگ است صدای مؤذن که جان‌های محبوس در پیکر خاکی را به سوی خالق بخشنده و مهربان دعوت می‌کند. هنگام نماز، هر مسلمانی باید از کار خود دست بردارد، خود را تطهیر کند، رو به جانب کعبه بایستد و رسوم و تشریفات نماز را به همان صورت که مسلمانان دیگر، در اوقات مختلف روز عمل می‌کنند به انجام برساند (نماز از دیدگاه دانشمندان...، ص ۳۰).

۱۴) در راه تحقق بخشیدن به انضباط اجتماعی، عوامل بازدارنده‌ای همانند اعتقاد به امتیازات نژادی و طبقاتی و ملی‌گرایی وجود دارد. نماز، این عوامل بازدارنده را از میان برمی‌دارد زیرا در صفوف نماز، نمازگزاران از هر نژاد، رنگ و ملیت که باشند برابرند. در کنار هم بر خاک می‌افتند و با هم برمی‌خیزند (نماز، مؤسسه در راه حق، بخش اول).

۱۵) به تعبیر مقام معظم رهبری، نماز یک زنگ بیداری و یک هشدار در ساعات مختلف شبانه‌روز است، به انسان برنامه می‌دهد و از او تعهد می‌خواهد، به روز و شبش معنا می‌دهد و از گذشت لحظه‌ها حساب می‌کشد.

جمع‌بندی راهکارهای اجرایی در تسهیل روابط جمعی و تقویت انضباط اجتماعی، می‌تواند فرهنگ بی‌تفاوتی را، که یکی از ابزارهای موفقیت دشمن در زمینه تهاجم فرهنگی اوست، حذف نماید و به عبارت دیگر، حذف فرهنگ بی‌تفاوتی از طریق راهکارهای اجرایی نماز، موجب استمرار و بیمه انقلاب اسلامی و حاکمیت صالحان و خنثی شدن ترفند دشمنان اسلام و نظام جمهوری اسلامی خواهد شد. حسن ختام این نوشتار را با حسن مطلع این عبارت به پایان می‌بریم که زندگی بدون نماز، یعنی حیات بدون تحرک، سرباز بدون اسلحه، آبشار بدون آب، کوه بدون قله، هوای بدون اکسیژن، آتش بدون حرارت و باد بدون بروود.

در زندگی بدون نماز، انسان به صورت میت متحرک، ماشین کوکی و همانند عشق دروغین درمی‌آید. آخرین نظریه فلاسفه شرق و غرب این عبارت است که انسان در

زندگی مادی، زمانی از پوچی و سرگردانی نجات می‌یابد که به دامان «نماز» پناه
ببرد.

پی‌نوشت

مجموعه مقالات نماز و زندگی (هشتمین اجلاس سراسری نماز)، انتشارات ستاد اقامه نماز، تهران، ۱۳۷۷

منابع

۱. امام خمینی (ره)، توضیح المسائل
۲. قرائتی، محسن، ۱۱۴ نکته درباره نماز، انتشارات ستاد اقامه نماز، تهران، ۱۳۷۲
۳. کارگر، رحیم، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، انتشارات ستاد اقامه نماز، تهران، ۱۳۷۵
۴. شهید مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی
۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه
۶. مؤسسه در راه حق، نماز، قم، ۱۳۶۱

نماز و جنگ نرم

چکیده

نظر به اینکه دشمنان اسلام هیچ‌گاه از مبارزه با ارزش‌ها و اصول این دین مبین دست برنمی‌دارند لازم است مسلمانان با تاکتیک جدید حمله دشمن - که از آن به جنگ نرم تعبیر می‌شود - آشنا شوند و با تکیه بر تعالیم اسلامی، آمادگی لازم را جهت مقابله با این‌گونه حملات به‌دست آورند.

از آنجا که مهم‌ترین حوزه‌های فعالیت جنگ نرم، فرهنگ، اجتماع و سیاست است، مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی آثار و برکات نماز جهت مقابله در سه حوزه ذکر شده می‌پردازد.

۱۸۴

کلیدواژه‌ها: نماز، جنگ نرم، فرهنگ، اجتماع، سیاست

جنگ نرم و تاکتیک‌های آن

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَزِدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنَّ اسْتِطَاعُوا؛ و پیوسته با شما در جنگ‌اند تا اینکه اگر بتوانند شما را از دینتان

برگردانند» (سوره بقره، آیه ۲۱۷). به این معنی که «دشمنان شما همواره با شما در جنگ هستند». واژه «لایزالون»، دلالت بر استمرار دارد و گویای این است که دشمنان همیشه با شما در جنگ هستند؛ گاهی جنگ، جنگ نظامی است، گاهی اقتصادی و گاهی نیز فرهنگی.

در دهه‌های اخیر و با توجه به اینکه دشمن پی برده است که جنگ نظامی با مسلمانان - که بر قدرتی مطلق و عظیم تکیه دارند - به نتیجه‌ای نخواهد رسید، روشی دیگر در جنگ با آنان در پیش گرفته‌اند که از آن به جنگ نرم تعبیر می‌شود. اصولاً جنگ‌هایی که از نوع نظامی است و در آن‌ها از وسایل و ادوات نظامی استفاده می‌شود، به جنگ سخت (Hard War) مشهورند ولی اگر در این جنگ‌ها از وسایل و ادوات و کالاهای فکری و فرهنگی استفاده شود، در اصطلاح به آن‌ها جنگ نرم (Soft War) اطلاق می‌کنند. بنابراین شاخصه جنگ نرم، استفاده از ابزارهای فکری و فرهنگی است.

در واقع، تعریف علمی جنگ نرم عبارت است از «استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن به منظور تأثیرگذاری بر عقاید، فرهنگ، سیاست، احساسات، تمایلات، رفتار و مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی می‌شود» (شریفی، ۱۳۸۹: ۱۸۹).

بنابراین، جنگ نرم را می‌توان هرگونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه‌ای دانست که جامعه را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار به انفعال و شکست وامی‌دارد. جنگ روانی، جنگ سفید، جنگ رسانه‌ای، عملیات روانی، براندازی نرم، انقلاب نرم، انقلاب مخملی، انقلاب رنگی و... از اشکال جنگ نرم است (رنجبران، ۱۳۸۸: ۶۷).

مهم‌ترین تاکتیک‌های جنگ نرم در رسانه‌های غربی عبارت‌اند از: برچسب زدن، شایعه‌پراکنی، کلی‌گویی، دروغ بزرگ، پاره حقیقت‌گویی، انسانیت‌زدایی و

اهریمن‌سازی، حذف (سانسور)، ماساژ پیام، ایجاد تفرقه و تضاد، ترور شخصیت، تکرار، توسل به ترس و ایجاد رعب، مبالغه و مغالطه (ضیایی‌پرور، ۱۳۸۳: ۱۲۳).
مهم‌ترین حوزه‌های فعالیت جنگ نرم عبارت‌اند از: ۱. حوزه فرهنگ، ۲. حوزه اجتماعی، ۳. حوزه سیاسی (رنجبران، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

نقش نماز در برابر جنگ نرم دشمن

با توجه به این مسئله مهم که فعالیت‌های جنگ نرم در سه حوزه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نمود بیشتری دارد، به بیان راهبردها و کارکردهای نماز در مقابله با دشمن در هر یک از سه حوزه به صورت جداگانه می‌پردازیم.

الف. حوزه فرهنگ

از زمینه‌های مهمی که دشمن از آن غافل نیست و با سرمایه‌گذاری‌های کلان در آن، در جهت نابودی ارزش‌های اسلامی گام برمی‌دارد، فرهنگ است. در مقابل، مسلمانان باید با توجه به نماز و تأمل در آن، قدرت مقابله را در خود ایجاد نمایند. مهم‌ترین درس‌های برگرفته از نماز در حوزه فرهنگ عبارت‌اند از:

تقویت اراده و اندیشه

قرآن درباره کسانی که در راه خدا پایداری می‌کنند، چنین می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ؛ همانا کسانی که گفتند پروردگار ما معبود یگانه است و سپس در راه این هدف ایستادگی کردند، فرشتگان بر ایشان فرود آیند و مژده دهند که مترسید و غم مخورید و به بهشتی که شما را وعده می‌دهند، شادمان باشید» (سوره فصلت، آیه ۳۰).

نماز در ایجاد روح استقامت مؤثر است و روح پیگیری از هدف را در انسان زنده می‌کند؛ زیرا شارع اسلام با تشریع نمازهای پنج‌گانه، استقامت در نماز را با واجب کردن نیت و قصد قربت هدف‌داری در نماز اراده فرموده است.

حفظ دین

نماز مانند ستونی بنای دین را استوار می‌دارد؛ از این رو امام علی (ع) بر اقامه آن تأکید ورزیده و فرموده‌اند: «... الله الله في الصلاة فإنها عمود دينكم؛ از خدا بترسید! از خدا بترسید! در امر اقامه نماز که آن ستون دین شماست» (نهج البلاغه، نامه ۱۴). از آن حضرت روایت شده که فرمودند: «الصلاة علم الإسلام و قوام الدين؛ نماز، درفش اسلام و پایداری دین است» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۲۸: ۱۴۶).

تقویت ایمان

نماز از آن جهت موجب تقویت ایمان می‌شود که سبب تلقین حقایق و معتقدات دینی به‌ویژه یکتایی و بزرگی پروردگار است؛ ایمان را تثبیت و آن را در دل راسخ می‌کند و روز جزا و حسابرسی اعمال براساس عدل الهی را به یاد می‌آورد. نماز اهمیت رهبری و هدایت را تذکر می‌دهد و نیز نمازگزار را به عملی نمودن سایر احکام پایبند می‌کند (راشدی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۹۵).

از دیاد معرفت

نماز گنجینه عرفان است. نماز هر اندازه خالص تر و عارفانه‌تر باشد، روح نمازگزار را در مرتبه و مرحله بالاتری از تکامل قرار می‌دهد. رسول اکرم (ص) فرمودند: «الصلاة معراج المؤمن؛ نماز وسیله بالا رفتن ایمان مؤمن است» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۲۴، ص ۲۹۱) و نظر به اینکه نماز ارتباط و همدمی با حضرت دوست است، زمینه معرفت به

او را فراهم می‌کند. نمازگزار با کسب این معرفت می‌تواند بینش و درک درستی از مسائل پیرامون خود بیابد و در مقابل برخی تاکتیک‌های دشمن در جنگ نرم چون شایعه‌پراکنی، کلی‌گویی، پاره حقیقت‌گویی، مبالغه و مغالطه که نیاز شدید به بصیرت و آگاهی را می‌طلبد، به‌هوش باشد و فریب دشمن را نخورد.

ب. حوزه اجتماعی

دشمن در جنگ نرم خود در حوزه اجتماعی، خانواده و بنیاد آن را مورد هجوم قرار می‌دهد و فروپاشی آن را قصد می‌کند و با ایجاد بدبینی و سوءظن در میان مردم و جامعه اسلامی، روح برادری و مهربانی را که دین اسلام دائم بر آن تأکید دارد، از بین می‌برد. آثار مهم نماز در مقابله با جنگ نرم در حوزه اجتماعی عبارت‌اند از:

استحکام خانواده

ارضای صحیح غرایز، رسیدن به آرامش و راحتی، تکمیل شدن زن و مرد، حس همدردی، انس و الفت، عواطف مثبت، حس تعاون و مشارکت، حس مسئولیت، تعلیم و تثبیت ارزش‌ها، روابط اجتماعی، وضعیت اقتصادی، رشد و تربیت صحیح فرزندان و در نتیجه ادامه تمدن انسانی و برآورده شدن نیاز انسان به این‌گونه مسائل و... از کمترین فواید ازدواج و تشکیل خانواده است (راشدی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۰۷). از جمله آثار مهم نماز در استحکام خانواده‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود (راشدی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۱۶-۲۱۱):

الف) نظم و انضباط در نماز یک اصل مهم است و نمازگزاری که نمازش روح انضباط و قانون‌گرایی را در او بیدار و تقویت کرده است، پا از حصار قانون خانواده فراتر نمی‌نهد و در حفظ شهوت خود می‌کوشد و به سوی بدی‌ها و منکرات نخواهد رفت؛ چرا که «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» همانا نماز (اهل نماز را) از

زشتی‌ها و منکر باز می‌دارد» (سوره عنکبوت، آیه ۴۵).

ب) پیمان‌شکنی و خیانت در امانت اعتماد همسران را از یکدیگر سلب می‌کند. نماز همان وسیله مؤثر در ایجاد روحیه پایبندی به عهد و پیمان را در نمازگزار به وجود می‌آورد؛ چرا که نماز خود عهد و پیمانی بس مهم است که نمازگزار باید بتواند به شایستگی از ادای آن برآید.

پایبندی به رعایت حقوق دیگران

با دقت در تعالیم دین اسلام نسبت به نماز و دستورات جامع آن در مورد اینکه حتی آب وضو و لباس نمازگزار باید پاک و حلال باشد، انسان را به برنامه تربیتی نماز در رابطه با حقوق اجتماعی دیگران متوجه می‌کند؛ زیرا اگر این شرط هم مقرر نمی‌شد، هیچ ضربه‌ای بر نماز از آن جهت که عبادت است وارد نمی‌شد (مطهری، بی‌تا، ج ۲: ۱۳۴).

سلامت اقتصاد

بدون شک پایبندی به رعایت حقوق دیگران، خودداری از حرام، قناعت به حق خویش و کسب حلال، موجب سلامت اقتصاد جامعه است. پرداخت زکات و دیگر حقوق واجب اسلامی عوامل تأمین عدالت اجتماعی و ایجاد یک نظام اقتصادی سالم است و نماز یادآور زکات و ملازم آن است و از این رو قرآن دو کلمه «صلاة» و «زكاة» را مکرراً در کنار هم ذکر کرده است. (برای نمونه به آیات ۴۱ و ۷۸ سوره حج، ۳ سوره نمل، ۴ سوره لقمان، ۳۳ سوره احزاب، ۱۳ سوره مجادله، ۳۱ سوره مریم، و... مراجعه شود).

پیدایش روح رحمت و رأفت در جامعه

نماز باعث می‌شود که نمازگزار روابط خود با دیگران را براساس رحمت قرار دهد.

خداوند متعال رحمان و رحیم است و ما این تعلیم اجتماعی را از نماز می‌گیریم که نسبت به همهٔ انسان‌ها رحمت عامه و نسبت به مسلمانان رحمت خاصه داشته باشیم.

خداوند متعال نیز در سورهٔ فتح برخی از اوصاف برجسته پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان تربیت شده در مکتب ایشان را این‌گونه بیان می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ؛ فرستاده خدا محمد (ص) و کسانی که همراه او هستند، بر کافران سخت‌گیر و خشن و در میان خود مهربان و نرم رفتارند. آنان را می‌بینی که با هم رکوع و سجود می‌کنند و در پرستش خدا هماهنگ‌اند. روزی از معبود یگانه می‌جویند، خواستار خشنودی‌اش هستند و نشانه‌های صلاحشان از اثر سجده در چهره‌هایشان پدیدار است» (سورهٔ فتح، آیه ۲۹).

پ. حوزهٔ سیاسی

در جنگ نرم دشمنان می‌توان به اهداف شوم آنان در حوزهٔ سیاست پی برد. آنان قصد ایجاد تفرقه در صفوف مسلمانان را دارند و می‌خواهند میان مردم و رهبری صالح جامعهٔ اسلامی فاصله‌ها به‌وجود آورند تا مبدا بصیرت لازم جهت مقابله با آنان را به‌دست آورند. به دنبال آن نیز بی‌هدفی و پوچ‌گرایی را در جامعه رواج می‌دهند. آثار و برکات نماز در حوزهٔ سیاست در مقابله با جنگ نرم دشمن عبارت‌اند از:

پیروی از رهبر صالح و قوانین و مقررات صالحهٔ جامعه اسلامی

بی‌شک مردمانی که با ناخدای راه‌شناس سفر می‌کنند، به خواست خدا به مقصد می‌رسند. نمازگزار مؤمن در نماز خود وقتی می‌گوید: «... و أشهد أن محمداً عبده و رسوله» و بر پیامبر اکرم (ص) و خاندان ایشان درود می‌فرستد، در واقع اهمیت و

ضرورت رهبری سیاسی و معنوی و لزوم تبعیت از رهبری صالح را می‌پذیرد. امام صادق(ع) در تفسیر آیه «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» سخنان نیک و پاکیزه به سوی او بالا می‌رود، و عمل نیک آن را بالا می‌برد» (سوره فاطر، آیه ۱۰) فرمودند: «فمن لم يتولنا لم يرفع الله له عملاً؛ هر که ولایت ما را نداشته باشد و به رهبری ما گردن ننهد، خداوند عملی را برای وی بالا نمی‌برد؛ یعنی عبادتی را از او نمی‌پذیرد» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۲۴: ۱۸۲).

ایجاد و تقویت روحیه هدف‌داری و وحدت هدف در میان امت مسلمان

از تاکتیک‌های مورد استفاده در جنگ نرم توسط دشمن، تاکتیک ایجاد تفرقه و تضاد است. نمازگزاران مؤمن در جامعه اسلامی با تکیه بر نماز می‌توانند این تاکتیک دشمن را بی‌اثر بگذارند، چرا که مسئله نیت در نماز هدف‌داری و وحدت هدف در جامعه را به آنان آموزش می‌دهد.

رہایی امت مسلمان از چنگ عصبیت‌ها و عوامل اختلاف

قرآن پیروان دیگر ادیان را نیز به وحدت فرا می‌خواند و برای ایجاد چنین وحدتی به پیامبر(ص) دستور می‌دهد تا آنان را به سوی عقیده به ذات پروردگار - که اعتقاد مشترک میان آنان و مسلمانان است - فرا خواند تا همه زیر پرچم توحید جمع شوند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ بگو ای اهل کتاب بیاید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است، پیروی کنید و (آن کلمه این است که) جز خدای یکتا (هیچ کسی را) نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم و برخی از ما برخی را به جای خدا به خدایی نگیریم» (سوره آل عمران، آیه ۶۴).

آزادی مسلمانان از بند استکبار و سلطه استعمار

نماز حقیقی به جامعه اسلامی درس آزادی عزت و سرافرازی می‌دهد و آنان را از قید و بندهای هوا و هوس و بند اسارت بیگانگان نجات می‌بخشد و حتی اگر طعم همه سختی‌ها و مشکلات تحریم‌ها و قطعنامه‌های ضد خود را بچشند، به مستکبران و زورگویان اجازه تسلط بر کشور و جان و ناموسشان را نمی‌دهند؛ زیرا می‌دانند با سلطه آنان بر جامعه اسلامی، دیگر نامی از اسلام باقی نمی‌ماند و تمام ارزش‌ها و اصول از دست خواهند رفت.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. راشدی، حسن، نمازشناسی، قم، ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۰.
۴. رنجبران، داود، جنگ نرم، تهران، انتشارات ساحل اندیشه، ۱۳۸۸.
۵. شریفی، احمدحسین، جنگ نرم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹.
۶. ضیایی‌پور، حمید؛ جنگ نرم ۲ ویژه جنگ رسانه‌ای، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرابر معاصر، ۱۳۸۲.
۷. فیض کاشانی، ملامحسن، المحجة البيضاء في تهذيب الاحياء، تصحيح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳.
۸. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار ائمة الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه.ق.
۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، بی‌تا.

حضور زنان در مسجد

محمود شهنازی

آموزگار مدرسه بصیرت - زرین شهر

چکیده

اسلام نه تنها عبادت و بندگی بلکه مکان عبادت را نیز به جنس مرد اختصاص نداده و مردانه اعلام نکرده است. پس زنان نیز همچون مردان می توانند در مساجد حضور یابند و به عبادت و بندگی بپردازند و یا در مسائل سیاسی، فرهنگی و... شرکت کنند. از این رو مقاله حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی حضور زنان در مسجد می پردازد و براساس آموزه ها و تعالیم دینی این مسئله را بررسی می کند.

۱۹۳

کلیدواژه ها: زنان، حضور، مسجد، آموزه های دینی

مسجد؛ تاریخچه و اهمیت

سخن نغز و حکیمانه ای که متضمن زیباترین تشبیه و رساترین عبارت است و رابطه مسلمان مؤمن را با مسجد به تصویر می کشد این است که: «المؤمن فی

المسجد کالسمک فی الماء: مؤمن در مسجد چون ماهی در آب است» (غزالی، ج ۱: ۲۱۳)، که در عین بلاغت، از نهایت وابستگی و تعلق خاطر رهپویان وادی ایمان به کانون مسجد خبر می‌دهد.

به نظر می‌رسد در چشم‌انداز اسلامی، مؤثرترین ابزار انتقال و اشاعه اندیشه والای قرآنی، مسجد است؛ و در راستای همین نقش کلیدی است که پاسداشت واقعی اسلام به پاسداشت و احیای مساجد گره می‌خورد و در منظر قرآنی، بازدارندگان از احیای مساجد ستمکارترین مردم معرفی می‌شوند. «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (البقره/۱۱۴)

جاذبه‌های فطری نهفته در نهاد آدمی، همواره او را در طول تاریخ به‌سوی تسلیم و پرستش فراخوانده و به‌سوی کمال مطلوب سوق داده است. در راستای جهان‌بینی و چگونگی معرفت بشری در تصور و تجسم کمال مطلوب است که عبادتگاه‌ها و کر نشگاه‌های مختلف شکل گرفته است.

گفتنی است، برخلاف فرزانه‌گانی که مبدأ تاریخ بشریت را بت‌پرستی دانسته‌اند (بازرگان، ۱۳۴۰: ۱۸۲)، تاریخ‌نگاری قرآنی، آدم ابوالبشر را نخستین وجود توحیدمدار معرفی می‌نماید. بنابراین بت‌پرستی پدیده‌ای است که در اثر تقدیس جسد آدم ابوالبشر به‌وسیله فرزندان به‌وجود آمده (قضایی، ۱۳۶۴: ۱۹۶) و به‌دنبال چنین اعتقادی معابد مختلفی شکل گرفته است. در عربستان در دوره جاهلیت هم «کعبه» مقدس‌ترین و بااهمیت‌ترین معابد محسوب می‌شد. مقارن با ظهور اسلام، شاخص‌ترین مناصب اجتماعی و سیاسی - مانند سقایت، حجابیت، سدانیت، و ... مرتبط با این مکان گره می‌خورد (آیّتی، بی‌تا: ۲۶).

هرچند بنیان‌گذاری مسجد در تاریخ اسلام، با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه منوره، توسط پیامبر اکرم (ص) هم‌زاد بوده است اما از قرآن و مصادر اسلامی این گونه

برمی آید که در دیگر ادیان توحیدی نیز چنین پایگاه عبادی وجود داشته و مسلمانان با این مفهوم آشنا بوده‌اند. مسجد الحرام و مسجد الاقصی را قرآن در سوره‌های مکی، یعنی زمانی که هنوز از تأسیس مسجد توسط رسول اکرم (ص) خبری نبوده است، به همان نام «مسجد» می‌آورد. «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (الإسراء/۱) مسجدسازی در هر کجا که مسلمانان راه می‌یافتند، قطعی بود و اساساً پیامبر (ص) در قراردادی که با گرویدگان به اسلام مطرح می‌کرد، اقامه نماز جماعت را شرط می‌نمود که لازمه آن تأسیس مساجد بود؛ لذا پس از رحلت آن حضرت همراه با گسترش اسلام و گرایش روزافزون مردمان سایر ممالک به اسلام، مسجدسازی نیز توسعه یافت. گاهی این مساجد بر ویرانه‌های معابد در کشورهای فتح شده ساخته می‌شد (قابل، ۱۳۷۵).

به‌طور کلی فرایند ظهور و روند تحول و تطور مساجد در قرون و اعصار مختلف اسلامی، همان‌گونه که تا به حال پیش‌رفته و تبلوری از هنر معماری جهان اسلام است، همچنان ادامه خواهد یافت.

حضور زن در مسجد

تاریخ جوامع گذشته نشان می‌دهد که دین همواره محور قوانین مدنی و منشأ اجتماعات و تشکلهای گروهی به‌شمار می‌رفته است و اساساً مذهب فصل الخطاب کلیه منازعات و اختلافات قومی و قبیله‌ای بوده و هنجارهای اجتماعی را رقم می‌زده است. خداوند متعال، همان‌طور که در مسئله عبادت و بندگی به طرح عام و خاص نپرداخته در بیان مکان عبادت نیز دستور اختصاصی بودن و زنانه و مردانه بودن آن را صادر نکرده، بلکه در بیان آهنگین قرآنی فرموده است. «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران/۹۶)

در این آیه کلمه «ناس» را مطرح فرموده که بدیهی است زن نیز صاحب مقامی است که با مرد به واژه «ناس» مفهوم عینی می‌بخشد و استثنا بر دار نیست. پس مسجد خانه زنان و مردان است، همان طوری که ام‌المساجد چنین است و هر دستوری که اسلام در خصوص مساجد، به مسلمانان تکلیف نموده خاص مردان نیست و دلیلی نیز به این ویژگی ساختگی مشهود نیست.

راهبردهای دینی در مرزبندی‌های اخلاقی و مناسبات صحیح اجتماعی، هیچ‌گاه خواستار انزوای اجتماعی و سیاسی و فرهنگی زن نبوده است، بلکه نحوه انجام بعضی از تکالیف را بنابر اقتضای شرایط جسمی و اجتماعی وی برعهده خود زن نهاده و با اعطای رخصت‌ها، الزام را از زن برداشته است، مانند دو حدیث زیر:

■ پیامبر اکرم (ص) ضمن سفارشی به امام علی (ع) می‌فرماید: «یا علی، لیس علی النساء جمعة و لا جماعة و لا أذان و لا إقامة: یا علی برای زنان الزامی جهت شرکت در نمازهای جمعه و جماعت و گفتن اذان و اقامه نیست» (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۸۱: ۱۱۵).

■ امام صادق (ع) می‌فرماید: «خیر مساجد نسائکم البیوت؛ خانه‌ها بهترین مسجد برای زنانان است» (من لا یحضر، ج ۱: ۲۵۳).

همچنین حدیثی از رسول خدا (ص) وارد شده است که فرمود: «إذا استأذنت أحدکم امرأته إلى المسجد فلا یمنعها؛ هنگامی که زنانان اجازه رفتن به مسجد خواستند، مانع نشوید» (نوری طبرسی، ۱۳۸۲هـ.ق، ج ۱: ۲۴۲). در روایتی دیگر نیز آن حضرت حضور زنان در مسجد را اجازه داده‌اند: «لا تمنعوا إماء الله مساجد الله؛ کنیزان خدا را از مساجد خدا باز ندارید» (فیض کاشانی، ۱۴۰۳هـ.ق، ج ۳: ۱۰۴).

عده‌ای چنین پنداشته بودند که زنان فقط هنگام روز مجاز به رفتن به مساجد هستند، و در نمازهای مغرب و عشا، که مصادف با تاریکی شب است، زنان نباید برای نماز به سوی مسجد خارج شوند؛ لذا پیامبر اکرم (ص) جهت مبارزه با این پنداشت

غلط فرمودند: «إِذَا اسْتَأْذَنَ نِسَاؤُكُمْ بِاللَّيْلِ إِلَى الْمَسْجِدِ فَأَذْنُوا لَهُنَّ؛ چون زنان شما شب هنگام برای رفتن به مسجد از شما اذن بخواهند، اجازه دهید» (احسان بخش، ۱۳۷۱ ه.ش، ص ۲۷۱). در بیانی دیگر نیز فرمود: «لَا تَمْنَعُوا نِسَاءَكُمْ الْمَسَاجِدَ بِاللَّيْلِ؛ زنان خود را شب هنگام از رفتن به مسجد منع نکنید (همان: ۲۸۰). مهم‌تر از مطالب بیان شده، سخن خداوند متعال در قرآن است که به آن می‌پردازیم. آورده‌اند که در زمان رسول خدا(ص)، زنان همیشه برای ادای فریضه نماز پشت سر ایشان خانه را به قصد مسجد ترک می‌کردند. در هنگام نمازهای مغرب و عشا و صبح که هوا تاریک بود، تعدادی از جوانان بر سر راه آن‌ها می‌نشستند و برایشان ایجاد مزاحمت می‌کردند. لذا خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: (بحرانی، ۱۹۹۲ م، ج ۳: ۳۳۹). «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلْأَزْوَاجِکَ وَنَبَاتِکَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَیْهِنَّ مِّنْ جَلَابِیْبِهِنَّ ذَٰلِکَ أَذْنٰی اَنْ یُّعْرِفْنَ فَلَا یُؤْذِیْنَ وَ کَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِیْمًا (الأحزاب/۵۹)؛ ای پیامبر به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو که پوشش‌هایشان را بر خویشتن بپيچند. این موجب می‌شود که (به پاکی و عفت) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، که خدا آمرزنده و مهربان است».

آیه مبارکه و شأن نزول آن بیانگر نکته‌ای باریک و ماندگار است و آن اینکه اسلام درباره حضور زنان در مجامع فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی از طرف آنان، حتی زمانی که مورد مزاحمت دیگران قرار می‌گیرند، به خانه‌نشینی و ایجاد محدودیت حکم نمی‌کند بلکه با ارائه طرح‌های مصونیت‌آفرین، راه را برای حضور هرچه بیشتر آنان می‌گستراند.

تاریخ صدر اسلام و عصر رسالت حضرت رسول اکرم(ص) گویای فعالیت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، مسئولیت‌ها و مأموریت‌های گوناگون آن روز است. در اینجا به برخی نمونه‌ها اشاره می‌شود.

مجاهد می‌گوید: «روزی نزد عبدالله بن عمر بودیم، از قول پیامبر(ص) نقل می‌کرد

که فرمود: آیا اینان در شب به زنانشان اجازه می‌دهند که به مسجد بروند؟ پسرزاده عمر یعنی بلال بن عبدالله عمر گفت: نه، به خدا سوگند، ما به زنان خود چنین اجازه‌ای نمی‌دهیم تا بروند و آن را دغل و خدعه قرار دهند. پدرش گفت: خدا تو را به سزای خود رساند، پیغمبر (ص) فرموده است: به آنان اجازه بدهید؛ و تو می‌گویی ما به آنان اجازه نمی‌دهیم» (فهیم کرمانی، بی‌تا: ۵۱).

ملاحظه می‌شود که چگونه افراط و تفریط‌های ناصواب و تقدس‌مآبی‌ها در مقابل جهت‌دهی قرآن و سنت رسول اکرم (ص) باب کج‌روی‌ها و کج‌اندیشی‌ها را تا آنجا گشوده است که در سالیان دراز، زنان را از نعمت حضور در صحنه‌های عبادی، سیاسی محروم نموده‌اند و چه بسا که به صدور احادیث جعلی نیز دست یازیده‌اند. به روایت دیگری از ام عطیه بنگرید؛ «پیغمبر خدا (ص) در روزهای عید که می‌خواست نماز عید بخواند، دستور می‌داد دختران و دوشیزگان و همچنین زنان و آنان که در حال عادت زنا نه‌اند، از شهر بیرون آیند و در نماز عید شرکت کنند. با این توضیح که زنان صاحب عادت در گوشه‌ای می‌نشستند و به خطبه عید گوش می‌دادند. یکی از زنان از پیامبر (ص) پرسید: «اگر کسی پوششی نداشته باشد که خود را بیوشاند باید چه کند؟ آیا از آمدن به جماعت و شرکت در اجتماع مسلمانان معاف است یا نه؟ فرمود: خیر، باید از یکی از خواهران دینی خود لباسی عاریه کند و در نماز و در اجتماع مسلمانان شرکت کند» (همان: ۱۳).

یکی از نکات جالب توجه در صدر اسلام این است که حضرت رسول (ص) پس از بعثت به نبوت و دریافت نماز از جانب خدای سبحان، زن را در کنار مرد عملاً به صحنه اجتماعات عبادی فراخواند و در حالی که از مردان فقط علی (ع) و از زنان همسرش خدیجه کبرا (س) به آن حضرت ایمان آورده بودند، در کنار مسجدالحرام و در پیش دیدگان صدها پیروان جاهلیت و معتقدان به عدم جواز حضور زن در اجتماعات، نماز جماعت برگزار می‌کردند (ابن عبد البر، ۱۳۲۸ هـ.ق: ۶۷).

اوراق تاریخ شاهد است که زنان نه تنها نمازهای جماعت را به دعوت پیامبر (ص) پاس می‌داشتند که در بنای مساجد نیز مردان را یاری می‌کردند. مروری در تاریخ صدر اسلام و وضعیت مساجد آن روز نشان می‌دهد که زنان همواره پشت سر مردان صف‌های نماز جماعت را ترتیب می‌دادند و طبق توصیهٔ اسلام فریضه‌های خود را با جماعت برگزار می‌کردند.

یکی از زنان مسجیدی عصر پیامبر خدا (ص)، «نوله بنت اسلم» است که در روز تغییر قبله در جماعت مسجد بنی حارثه، شرکت داشته و ماجرای آن روز را چنین توصیف می‌کند: «دو رکعت از نماز ظهر یا عصر را در مسجد بنی حارثه رو به قبله بیت‌المقدس خوانده بودیم که شخصی خبر آورد رسول‌الله (ص) به طرف بیت‌الحرام روی کرد. بلافاصله مردان به مکان زنان و زنان به مکان مردان تغییر محل دادند و چرخیدند و دو رکعت دیگر را هم رو به بیت‌الحرام گزاردیم». راوی آن حدیث، که نوادهٔ آن بانوست، می‌گوید: بعضی از مردان بنی حارثه به من گفتند که رسول‌الله (ص) زمانی که این داستان به او رسید فرمود: «آنان کسانی هستند که به غیب یقین پیدا کردند» (ابن عبد البر، ۱۳۲۸هـ.ق، ذیل نوله).

پرسش‌هایی دربارهٔ نماز

فاطمه سادات لنگرانی

چه کنیم خاشع باشیم تا نماز بر ما سنگین نباشد؟

قرآن می‌فرماید: «نماز جز بر خاشعان سنگین است».

پاسخ اول

آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم در ذیل آیات «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ* الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» ۴۵ و ۴۶ از سوره بقره می‌نویسد:

«قرآن کریم در آیه ۴۶ به منشأ خشوع خاشعان اشاره کرده است و می‌فرماید: یاد مرگ و قیامت، همهٔ توان انسان را می‌گیرد، قلب او را می‌لرزاند و وی را خاشع می‌سازد؛ زیرا همهٔ غرورها و «من و ما» گفتن‌ها از این‌روست که مرگ و عذاب قیامت از یادها رفته است و گر نه آنان که به حساب و میزان و بهشت و جهنم یقین دارند، یا دست‌کم گمانش را می‌برند و از حال احتضار و احوال قبر غافل نیستند، خاکسار و خاشع و دل‌شکسته می‌شوند و به نماز و استعانت از دعا و بُکا رومی‌آورند» (تفسیر تسنیم، ج ۱۷۳: ۴).

پاسخ دوم

علامه طباطبائی (قُدّس سرّه) در تفسیر آیه ۴۵ و ۴۶ سوره بقره می‌نویسد:

«تعبیر به ظن در آیه ۴۶ به جای یقین، اشاره به این است که برای حصول خشوع در انسان کافی است که متوجه شود خدایی دارد که ممکن است به‌سوی او بازگردد و او را ملاقات کند».

پاسخ سوم

در استفتائات عرفانی از حضرت آیت‌الله العظمی بهجت (رَحِمَهُ‌الله) سؤال شده:

«برای اینکه در انجام دادن فرمان الهی، خصوصاً نماز، با خشوع باشیم چه کنیم؟»

ایشان پاسخ فرموده‌اند: «در اول نماز، توسل حقیقی به امام زمان (عج) پیدا کردن که عمل را با تمامیت مطلقه انجام بدهید» (فریادگر توحید، ۲۳۳).

پاسخ چهارم

در قرآن کریم راه حصول خشوع در اعراض و ترک اعمال لغو و بیهوده معرفی شده است، آنجا که می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ* الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ* وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (المؤمنون ۱-۳)

چنان که برخی از بزرگان عرفا از جمله حضرت آیت‌الله بهجت (رَحِمَهُ‌الله) نیز در برخی از نصایحشان به این مطلب تصریح کرده‌اند که راه به‌دست آوردن خشوع، کنار گذاشتن کارهای لغو بی‌فایده است؛ یعنی ترک آن کارهایی که نه فایده دنیوی دارد و نه فایده اخروی.

پاسخ پنجم

در روایتی به ویژگی‌های انسان خاشع و راه‌های به‌دست آوردن خشوع به‌خوبی

اشاره شده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در روایتی فرموده‌اند: «تَشَانَةُ خَاشِعٍ فِي چَهار چیز است: ۱. مراقبت از نفس و حساب بردن از خدا در نهان و آشکار؛ ۲. انجام دادن کارهای نیک؛ ۳. اندیشیدن به روز قیامت؛ ۴. مناجات و راز و نیاز با خداوند». (میزان الحکمة، ج ۳: ۱۴۰۷)

با اینکه خداوند مکان و جهت خاصی ندارد، چرا باید به سمت قبله نماز خواند؟

پاسخ اول: «به سبب آنکه رو به سمت خانه خدا کردن ظواهر بدن انسان، مقدمه و وسیله و محرکی است برای روی کردن بواطن انسان به سوی جهت واحدی که همان خانه خدا باشد. همین امر باعث می شود که قلب انسان از حالت التفات به جهات مختلف خارج شود و تنها به یک سمت که خانه خداست ملتفت شود و این خود مقدمه‌ای است برای توجه به صاحب خانه، که خداوند متعال است.»

پاسخ دوم: حکمت امر به روی نمودن به سمت خاصی (سمت کعبه)، امتحان کردن بندگان بوده است با اینکه آیا به هر سمتی که خدا بگوید و به هر نحوی که او بگوید عبادت می کنند یا نه؟ از این رو خداوند بندگان را تشویق و ترغیب کرد تا کعبه را زیارت کنند و آن را بزرگ بشمرند و به وسیله آن خدا را عبادت کنند تا روشن گردد که چه کسی مطیع و چه کسی نافرمان است.

اقامه نماز یا اقامه نماز جماعت؟

پای صحبت محمدرضا عاقلزاده، معاون ستاد اقامه نماز آموزش و پرورش

رمضانعلی ابراهیمزاده گرجی
یونس باقری

با محمدرضا عاقلزاده، معاون ستاد اقامه نماز وزارت آموزش و پرورش درباره برنامه‌ها، هدف‌ها و دستاوردهای اقامه نماز در مدراس به گفت‌وگو نشستیم. ضمن اینکه برخی از نارسایی‌ها نیز مطرح شد. حاصل این گفت‌وگو را پیش‌رو دارید.

۲۰۳

● ستاد اقامه نماز با اداره‌های کل استان و مدارس چه رابطه‌ای دارد و این

رابطه بر چه اساسی برقرار می‌شود؟

○ این ستاد، متناظر تشکیلات خود، در استان‌ها همکارانی را به عنوان کارشناس مسئول و کارشناس اقامه نماز دارد. در تمام استان‌ها هم در گروه قرآن، نماز و عترت همکارانی داریم. مسئولیت نماز، قرآن و عترت با رئیس گروه است. ارتباط ما در ستاد اقامه نماز وزارتخانه با مناطق از طریق کارشناس مسئول و کارشناس اقامه نماز برقرار می‌شود.

ما با ستاد مرکزی اقامه نماز هم ارتباطی داریم. طبق مصوبه هیئت دولت، بالاترین مقام هر دستگاه، مسئول اقامه نماز در آن دستگاه است. بدین ترتیب، مسئول اقامه نماز در وزارت آموزش و پرورش هم وزیر است. این مصوبه طبق تبصره‌ای به وزیر اجازه می‌دهد یکی از معاونان خود را به عنوان جانشین خود و مسئول ستاد اقامه نماز معرفی کند. در آموزش و پرورش معمولاً معاون پرورشی به این سمت منصوب می‌شود. اکنون با ابلاغ وزیر، معاون پرورشی، مسئول ستاد مرکزی، اقامه نماز است.

● شما چگونه به ترویج و توسعه فرهنگ نماز می‌پردازید؟ آیا مبحث و

موضوع مشخصی دارید؟ آیا این کار در اوقات خاصی صورت می‌گیرد؟

○ فعالیتهای معاونت پرورشی فوق برنامه است. برای مثال، در حوزه قرآن — که حوزه تخصصی مجله رشد آموزش قرآن است — در آموزش و پرورش دو بخش داریم؛ بخشی جزو متن برنامه است که در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در فضای آموزش رسمی دنبال می‌شود و بخش دیگر، در حوزه فعالیتهای پرورشی قرار می‌گیرد که در فوق برنامه‌های مربوط به حوزه قرآن پیگیری می‌شود. من اصرار دارم که فعالیتهای پرورشی، فوق برنامه بماند؛ زیرا ایجاد جذابیت می‌کند. تا گفته می‌شود: «باید بخوانی»، «باید امتحان بدهی»، دافعه به وجود می‌آورد. اگر داوطلبانه باشد، علاقه‌مندان با میل و رغبت می‌آیند. اکنون فعالیت ستاد اقامه نماز در وزارت آموزش و پرورش، حداقل در حوزه فعالیت معاونت پرورشی، فعالیتی فوق برنامه است.

بدین ترتیب تمام مسابقات، برنامه‌های آموزشی و طرح‌های ملی اقامه نماز با عنوان «فعالیت فوق برنامه» اجرا می‌شوند.

● لطفاً درباره «برنامه ملی» اقامه نماز هم توضیح دهید.

○ ما شش برنامه ملی تعریف کرده‌ایم که همکاران ما در سطوح متفاوت اجرای آن را به صورت وظیفه به عهده دارند. در کنار این شش برنامه ملی، امکان دارد برنامه‌های ابتکاری و پراکنده زیادی نیز اجرا شود. شش برنامه ملی عبارت‌اند از:

■ آموزش عملی نماز در دوره ابتدایی؛ در این طرح ستاد اقامه نماز در میان آموزگاران پایه‌های ابتدایی فراخوان داده است که نماز را به صورت عملی به دانش‌آموزان یاد بدهند. معلمان داوطلبانه برای اجرای این برنامه ثبت‌نام می‌کنند و در پایان سال، پس از ارزیابی، به آنانی که عملکرد بهتری داشته‌اند، هدایایی به همراه لوح تقدیر تقدیم می‌شود.

البته ادعا نمی‌کنیم که در تمام مدارس آموزش عملی نماز رواج دارد. در این برنامه، معلمان آنچه را درباره نماز در کتاب درسی دارند، به صورت کامل اجرا می‌کنند. مثلاً بچه‌ها را کنار شیر آب مدرسه می‌برند و وضو گرفتن را با رعایت ترتیب کار یاد می‌دهند.

چگونگی خواندن نماز در کتاب‌های درسی اول ابتدایی تا کلاس‌های بالاتر آمده است که همان آموزش نظری است. اما در کار عملی، معلم دانش‌آموزان را به نمازخانه مدرسه — در صورت وجود — و در غیر این صورت به مکان مناسبی می‌برد و اگر هیچ کدام از این فضاها را ندارد، در همان کلاس درس و با پهن کردن سجاده، نماز را به طور عملی آموزش می‌دهد. ابتدا خودش نماز را با ترتیب کامل انجام می‌دهد و بعد، از دانش‌آموزان می‌خواهد نماز را برگزار کنند.

در برنامه ستاد اقامه نماز مقرر است که ان شاءالله دانش‌آموزان در دوره ابتدایی نماز را به صورت کامل یاد بگیرند و قدم به پایه‌های بالاتر بگذارند.

■ آشنا کردن دانش‌آموزان با مرجعیت و تقلید؛ به اعتقاد ما اگر دانش‌آموزان با موضوع مرجعیت آشنا شوند و با مرجعیت پیوند بخورند، به فرایض و مسائل

دینی‌شان توجه می‌کنند. به نظر می‌رسد، در حال حاضر در مسائل تربیتی کشور، حلقه مفقوده بزرگی داریم. موضوع مرجعیت دینی در کتاب درسی دانش‌آموزان آمده است. برای آشنایی با این موضوع، طرحی را آماده کرده‌ایم با عنوان «در مسیر شکوفایی»، برای دانش‌آموزانی که در آستانه سن تکلیف قرار دارند. کتابی هم با همین عنوان چاپ می‌شود که در آن فلسفه تقلید و مرجعیت، علت وجود مرجعیت، و اهمیت و ضرورت تقلید از مرجع دینی آمده است. همچنین به سؤال‌های مربوط در این حوزه پاسخ لازم و در سطح درک دانش‌آموزان داده شده است. این کتاب هر سال با شمارگان یک میلیون و ۲۰۰ هزار نسخه چاپ و رایگان به دانش‌آموزان در سن تکلیف اهدا می‌شود.

■ برگزاری «جشن شکوفایی» یا «جشن عبادت»؛ این جشن برای دانش‌آموزان دختر سوم ابتدایی و دانش‌آموزان پسر سوم راهنمایی برگزار می‌شود؛ گرچه زیاد گسترده نیست. سعی ما این است که آن را از حالت تشریفاتی کنونی درآوریم و متوجه هدف‌هایی کنیم که از روز اول برای جشن عبادت تعریف شده است.

■ اجرای سه مسابقه در میان دانش‌آموزان؛ الف) مسابقه اذان؛ ویژه پسران؛ ب) مسابقه احکام؛ ج) مسابقه انشای نماز.

این سه مسابقه در طول سال برای دانش‌آموزان دو دوره راهنمایی و متوسطه برگزار می‌شود. آخرین آمارها نشان می‌دهند که بین ۲ تا ۲/۵ میلیون دانش‌آموز در مرحله آموزشگاهی در این مسابقه‌ها شرکت می‌کنند.

هر مسابقه هم در چهار مرحله برگزار می‌شود؛ آموزشگاهی، منطقه‌ای، استانی و کشوری. مسابقه در دو رشته احکام و انشای نماز را در مرحله کشوری، در قالب جشنواره برگزار می‌کنیم و رقابتی نیست، اما مسابقه اذان رقابتی است و دانش‌آموزان مؤذن از رتبه اول تا پنجم انتخاب و معرفی می‌شوند.

■ طرح پیوند مدارس با مساجد و نمازهای جمعه؛ این طرح از گذشته در خیلی از

مدارس اجرا شد. جاهایی که مدارس در جوار مسجد قرار دارند، مدیران علاقه‌مند، بچه‌ها را به مسجد می‌برند، اما براساس پیام سال گذشته مقام معظم رهبری به اجلاس نوزدهم اقامه نماز که فرمودند پیوند بین مدرسه و مسجد دقیق‌تر و عمیق‌تر شود، دستورالعملی تهیه کرده و به مدارس فرستاده‌ایم که در آن چگونگی پیوند مدرسه و مسجد و نماز جمعه مشخص‌تر تعریف شده است.

■ برگزاری جلسات گفت‌وگوی دینی؛ این جلسات به صورت پرسش و پاسخ برگزار می‌شود و موضوع آن‌ها نیز دینی و با شبهه‌ها و پاسخ به آن‌ها همراه است. حوزه‌های علمی سراسر کشور در برگزاری این جلسات همکاری خوبی با آموزش و پرورش دارند. این برنامه‌ها رسمی و ملی‌اند. برای اجرای برنامه گفت‌وگوی دینی، اعتبار تعریف شده است و ابلاغ اعتبار می‌شود.

این برنامه مراحل مختلف دارد؛ مرحله کشوری آن را ستاد مستقر در وزارتخانه برگزار می‌کند. از استان‌ها هم گزارش کار می‌خواهیم. در استان‌ها، مناطق و مدارس، این برنامه را در حوزه اقامه نماز اجرا می‌کنند و جلسه پرسش و پاسخ در کنار اقامه نماز مدارس برگزار می‌شود.

● در چند مدرسه نماز جماعت به صورت مرتب برگزار می‌شود؟ چه تعداد از نماز جماعت‌ها را روحانیون اقامه می‌کنند؟

۲۰۷

○ در حال حاضر در طول سال تحصیلی، بیش از ۱۸ هزار نفر امام جماعت با آموزش و پرورش همکاری دارند. علاوه بر این عده، ۳۵ هزار نفر معلم نیز در مدارس امامت جماعت دانش‌آموزان را به عهده دارند. این عده از همکاران فرهنگی در مدارس نماز را اقامه می‌کنند که امام جماعت روحانی نداریم. بیش از ۳۵ هزار باب از مدارس نمازخانه دارند. در سال ۱۳۸۸ بیش از ۱۰ هزار باب از نمازخانه‌ها بهسازی و تجهیز شده‌اند. برای امامان جماعت و معلمان مجری طرح آموزش عملی نماز، دوره‌های آموزشی در

مجموعه آموزش‌های ضمن خدمت برگزار کرده‌ایم. تاکنون پنج دوره آموزش ضمن خدمت با موضوع نماز تعریف و تشکیل شد. این راه‌راهایی هستند که برای ترویج و توسعه فرهنگ نماز در سطح آموزش و پرورش کشور دنبال می‌شوند.

● شما شرکت در نماز جماعت را تشویق و ترویج می‌کنید یا اقامه نماز را؟

○ در درجه اول شرکت در نماز جماعت را ترویج می‌کنیم.

● به نظر شما این روش، رویکرد مناسبی است؟

○ اساس کار، نهادینه کردن اقامه نماز است، ولی باید از جایی شروع کرد که پیامبر اکرم (ص) آغاز کرد. پیامبر خدا (ص) تبلیغ علنی خود را ابتدا از نماز جماعت شروع کرد. برای اینکه بچه‌ها با نماز مأنوس شوند و انس با نماز در آن‌ها نهادینه شود، باید بچه‌ها را در فعالیت‌های عمومی اقامه نماز ببینید. با حضور در مسجد و شرکت در نماز جماعت است که انس با نماز نهادینه می‌شود.

● در حقیقت، شما جمع‌گرایی را در ترویج و تثبیت اقامه نماز در بین

دانش‌آموزان (نسل جوان به طور کلی) مؤثر می‌دانید.

○ قطعاً! در بچه‌ها جمع‌گرایی و شرکت در جماعت ایجاد انگیزه می‌کند. خداوند سبحان هم مشوق اقامه نماز جماعت است و اصل اقامه نماز هم برگزاری به جماعت است. رویکرد آموزش و پرورش همین است؛ توجه به اقامه نماز به جماعت و ایجاد انس با آن در درجه اول. اگر کسی با نماز جماعت خو گرفت، آیا در جایی که نماز به جماعت ممکن نشد، نمازش را فرادا نمی‌خواند؟ حتماً می‌خواند. «چون که صد آید نود هم پیش ماست.» اما معلوم نیست فردی که فرادا نماز می‌خواند، در نماز جماعت شرکت کند.

● آمارهایی که برخی از مدیران مدارس می‌دهند، خیلی مطمئن نیست. آیا ستاد اقامه نماز پژوهش آکادمیک، مدون و مستقلی در رابطه با تعداد دانش آموزان شرکت کننده در نماز جماعت مدارس انجام داده است؟
○ عاقل زاده: بفرمایید پژوهش مدون چیست؟

● یعنی ستاد اقامه نماز، پس از پژوهش میدانی، نتیجه بگیرد این تعداد از دانش آموزان در نماز شرکت می‌کنند. چقدر از دوره راهنمایی و چند نفر از متوسطه. نسبت میان پسران و دختران نمازگزار چنین است و آمار دقیق بدهد.

شما را به بانک تحقیقات ستاد مرکزی اقامه نماز ارجاع می‌دهم.

● آیا آمار مربوط به مدارس را هم دارند؟

○ اکثر آمارها به آموزش و پرورش مربوط است. ستاد مرکزی اقامه نماز، بانکی به نام «بانک پژوهش‌های نماز» دارد. حجم بسیار وسیعی آمار از دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، از پسران و دختران دانش آموز، در مناطق گوناگون، به تفکیک ذخیره شده است.

باید در نظر داشت که امام جماعت‌ها هم در جذب نمازگزاران تأثیر دارند. این موضوع به مدرسه و بیرون از آن ربطی ندارد. بلکه باید ویژگی هر امام جماعتی باشد که در هر مکانی اقامه نماز می‌کند؛ اگر امام جماعت قادر به برقراری رابطه حسنه با نمازگزاران و به طور کلی افراد اجتماع باشد و بتواند به پرسش‌ها و شبهه‌های احتمالی آن‌ها به صورت منطقی، مستدل و همراه با صبر و حوصله و براساس فهم هر کس پاسخ بگوید، به طور قطع در جذب نمازگزاران برای اقامه نماز جماعت و رجوع افراد بیشتر به مسجد موفق تر خواهد بود.

● ستاد اقامه نماز در آموزش و پرورش چه ویژگی‌هایی را برای انتخاب امام جماعت‌ها در نظر می‌گیرد؟ و با چه شرط‌هایی آنان را برای اقامه نماز وارد مدارس می‌کند؟

○ طرحی را با عنوان «طرح ساماندهی ائمه جماعت مدارس» نوشته‌ایم. در این طرح مشخص است که امام جماعت دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در مدارس دخترانه و پسرانه باید چه کسی و با چه سابقه و توانایی‌ها باشد. بعد هم از همه همکاران در تمام سطوح خواسته‌ایم ضوابط را رعایت کنند. البته درصدی از مدارس این ضوابط را رعایت نمی‌کنند و نادیده می‌گیرند.

● مفادی از ضوابط را بیان فرمایید.

○ برای نمونه، روحانی جوانی که قدرت قصه‌گویی دارد و برای دوره ابتدایی مناسب است، نباید برای رفتن به متوسطه انتخاب شود. نیز آن روحانی که توانایی پاسخگویی به شبهات را دارد، باید در متوسطه پسرانه اقامه نماز کند. روحانی صاحب اثر یا محقق در زمینه‌ای خاص مناسب متوسطه است. ما طلبه‌ها و روحانیون آشنا با زبان خارجی و رایانه داریم. اینان نباید به دوره ابتدایی بروند. بلکه باید در دوره متوسطه اقامه نماز کنند؛ زیرا داشتن این ویژگی‌ها خود ایجاد جاذبه می‌کند.

ما سن و سال امام جماعت را هم در طرح ساماندهی تعریف کرده‌ایم تا روحانی مسن را به پایه ابتدایی نفرستیم.

یادآور شوم برای امام جماعت‌های مدارس، سه دوره آموزشی (مقدماتی، تکمیلی و پیشرفته) تعریف کرده‌ایم. تا به حال ۲۰۰۰ نفر از امام جماعت‌های مدارس در دوره‌های آموزشی که در مشهد برگزار شده است، شرکت کرده‌اند. از ۱۸۰۰۰ نفری که در سلک روحانی، نماز جماعت را در مدارس برگزار می‌کنند،

۴۰۰۰ هزار نفرشان رسمی آموزش و پرورش‌اند، یعنی مثلاً هم معلم عربی و هم امام جماعت هستند. فقط برای روحانیانی که آموزش و پرورش نیستند و اقامه نماز را به عهده دارند، این سه سطح آموزش را تعریف کرده‌ایم. تا به حال ۲۰۰۰ نفر از این گروه، آموزش دوره مقدماتی را دیده‌اند. ۸۰۰ نفر هم در دوره تکمیلی شرکت کرده‌اند، اما تا به حال دوره پیشرفته برگزار نشده است. در این دوره‌ها قصد این است که توان طلاب و روحانیان را به سطح نیازهای آموزش و پرورش نزدیک کنیم. اینان متخصص در علم دین‌اند. پس بهتر است با فضا و نیازهای محیط آموزش و پرورش هم آشنا شوند تا عملکردشان موفق‌تر باشد.

● آیا فکر کرده‌اید که چگونه می‌توانید عده‌ای از مسئولان مدارس را که دانش‌آموزان را به اجبار به نماز می‌برند از این کار بازدارید؟

○ مادر تمام دستورالعمل‌ها، گردهمایی‌ها و همایش‌ها تأکید می‌کنیم که دانش‌آموزان را اجباری به نماز نبرند. بر آگاهی‌بخشی، فرهنگ‌سازی و تشویق و ترغیب تأکید داریم. همکاران ما در استان‌ها و مناطق موظف‌اند اگر تشخیص دادند که این اتفاق در جایی می‌افتد با خاطی برخورد کنند.

در شیوه‌نامه‌ای که امسال به استان‌ها ابلاغ شد، کاملاً بر این نکته که نماز دانش‌آموزان باید بدون اجبار و اکراه اقامه شود، تأکید شده است؛ اما اگر در مدرسه‌ای این اتفاق (بردن اجباری به نماز) سه بار تکرار شود، مسئولان اداره باید با مدیر آن مدرسه برخورد کنند. ستاد اقامه نماز منتقد جدی چنین روش‌هایی است.

● از امامان جماعت زن هم در مدارس استفاده می‌کنید؟

○ بله! حدود ۲۰۰۰ نفر از امامان جماعت مدارس، طلبه‌های خواهرند. در مناطقی که طلبه روحانی مرد نیست، از طلبه‌های حوزه‌های علمیه خواهران برای اقامه

نماز مدارس دخترانه دعوت می‌کنیم. برای این کار، ستاد اقامه نماز از مراجع عظام تقلید، استفتا کرده است. خیلی از مراجع با شرایطی اقامه نماز از سوی خواهران را پذیرفتند و چند نفر هم گفتند اگر روحانی مرد نیست، اشکالی ندارد.

● می‌توانید داشتن امام جماعت خانم را به دوره متوسطه دخترانه تعمیم بدهید.

○ در بعضی از مدارس دخترانه امام جماعت خانم را نمی‌پذیرند. برای این که اقتدا به امام جماعت خانم فرهنگ نشده و به آن عادت نکرده‌اند. البته بیشتر به مشی امام جماعت بستگی دارد.

● در مسابقه اذان چند نفر شرکت می‌کنند؟

○ در مرحله آموزشگاهی بین ۷۰۰۰ تا ۸۰۰۰ نفر.

● یعنی از هر مدرسه یک نفر به منطقه معرفی می‌شود؟

○ این کار می‌شود، اما اجباری در آن نیست؛ زیرا فعالیت فوق برنامه به حساب می‌آید.

● احساس می‌کنم در سطح مدرسه مسابقه برگزار نمی‌شود. مربی تربیتی

یکی دو نفر را که صدای خوب دارند، معرفی می‌کند.

○ بنده به این کار نقد دارم، ولی این کار هم بشود عجیب نیست.

● خب! هر سال این کار تکرار می‌شود.

○ این اتفاق نمی‌افتد. امسال بیستمین دوره مسابقه اذان را در مشهد با عنوان یادواره مرحوم آقاسی برگزار کردیم. خیلی از متخصصان، اذان آقاسی را نمی‌شناسند. یک

کلیپ هم دربارهٔ ایشان ساخته نشده است. می‌توان گفت بعد از مرحوم مؤذن‌زاده، ایشان دومین مؤذن ایران است. اذان وی در حرم حضرت امام رضا(ع) پخش می‌شود.

● مناطق به اصطلاح توسعه‌یافته، مدارس با امکانات بیشتر دارند، اما در مناطق دور و محروم، محرومیت‌ها به مدارس هم تسری می‌یابد. آیا برای این مناطق برنامهٔ ویژه‌ای دارید؟

○ کاملاً! عرض کردم که برنامهٔ ملی اعتبار دارد. اگر برخی اعتبارها را به شهر تهران اختصاص بدهیم، دردی از آن دوا نمی‌کند. با دو میلیون تومان هر برنامهٔ ملی، در تهران چه می‌توان کرد؟ اما اگر همین اعتبار را به ایلام، یاسوج، خراسان شمالی، خراسان جنوبی بدهید، خوب است.

ما در بخش تخصیص اعتبار، برخی از پول‌ها را به برخی از مناطق برخوردار اصلاً نمی‌دهیم. در موضوع فرش در سال ۸۸ که مطرح کردم، به برخی از استان‌ها و مناطق یارانه‌ای اختصاص ندادیم. اما در برخی از استان‌ها، کل هزینهٔ فرش نمازخانه‌های مدارس را آموزش و پرورش تأمین کرد. یعنی بخشی را ستاد اقامهٔ نماز و بخشی را ادارهٔ کل استان تأمین کرد. ما باید جدول پلکانی داشته باشیم و با توجه به طیفی از محرومیت‌ها که با آن‌ها مواجهیم و اساس این جدول، به مناطق محروم برسیم. ما برنامه‌ای را مهیا کرده‌ایم — گرچه اعتراف می‌کنم تا به حال فعال برخورد نکرده‌ایم — اما اجرای این برنامه را به ویژه در استان هرمزگان شروع کرده‌ایم.

● آیا از تعداد نمازخانه‌هایی که در مناطق دورافتاده و محروم شهری و روستایی دایر کرده‌اید، آماری دارید؟

○ در تأسیس نمازخانه، اولویت اول ما ساختن نمازخانه در دوره‌های متوسطهٔ پسرانهٔ

با جمعیت بالاست. تا وقتی چنین مدرسی وجود دارند، کمتر نوبت به غیر آن‌ها می‌رسد؛ به ویژه که روستاها کمتر دوره متوسطه را دارند. بیشتر مجتمع‌های آموزشی و پرورشی در روستاها، ابتدایی‌اند و جمعیت دانش‌آموزی آن‌ها هم زیاد نیست. در این وضعیت، نوبت به روستاها نمی‌رسد.

● منظور من فقط روستاها نیست، بلکه هدف مناطق محروم؛ اعم از شهری و روستایی؛ شهرهای کوچک یا بزرگ مورد نظر هستند.

○ برای اطلاع می‌گویم که با آمارگیری، رتبه استان‌ها را در نیاز آن‌ها به نمازخانه مشخص کرده‌ایم. اولین استانی که برای ساختن نمازخانه اعلام بی‌نیازی کرده است، استان یزد است. این استان بالاترین سرانه نمازخانه را در کشور دارد و استان تهران پایین‌ترین را. لذا ما به این نیازها توجه می‌کنیم.

● همه از معلمان دینی و قرآن انتظار دارند که در زمینه اقامه نماز و ترویج فرهنگ نماز پیشتاز باشند. آیا در کارهایتان از جمله نماز، با این گروه از معلمان ارتباط دارید؟

○ این موارد در حوزه استان‌ها تعریف می‌شود.

● برنامه‌ریزی متمرکز ندارید؟

○ نداریم! برنامه‌های ملی برنامه متمرکز ماست. از موضع ستاد وارد جزئیات کار استان‌ها نمی‌شویم.

● به نظر شما چه ضعف‌هایی در آموزش و پرورش وجود دارد که ستاد اقامه نماز را در رسیدن به اهدافش با مشکل مواجه می‌کند؟

○ ترویج و گسترش فرهنگ نماز دغدغه همه نیست و این مهم‌ترین مشکل است.

● جناب عالی به حضور داوطلبانۀ ۱۵ درصد از دانش آموزان در نماز اشاره کردید. این آمار به چند سال پیش مربوط است؟
○ دو سال پیش؛ سال ۱۳۸۸.

● برای تعیین تغییرات حضور دانش آموزان در نماز، هر چند سال می خواهید آمار بگیرید؟
○ ما باید برای تعیین اثربخشی فعالیت ها برنامه ای را تعریف کنیم.

● ستاد اقامۀ نماز نشریه هم دارد؟
○ فقط پایگاه اطلاع رسانی داریم که زیرمجموعۀ پُرتال وزارتخانه است. سایت فعال و به روزی است. همکاران ما در استان ها در رساندن اخبار به ما کمک می کنند. نشانی پایگاه اطلاع رسانی ستاد اقامۀ نماز چنین است:

WWW.NAMAZ.MEDU.IR

من از مخاطبان عزیز مجله وزین رشد آموزش قرآن استدعا دارم بیش از گذشته به حوزه اقامۀ نماز آموزش و پرورش عنایت داشته باشند. بهترین ذخیره ای که برای ما می ماند، همین است که دانش آموزان عزیز را هر چه بیشتر و بهتر با خدا و نماز آشنا کنیم. این کار هم فقط از راه رفتار احسن عملی می شود.

به دلیل اهمیت نقش خانواده در تربیت دینی فرزندان، خداوند پیامبر اسلام (ص) را موظف کرد که خانواده اش را به نماز سفارش کند و بر این امر پایداری ورزد: وَ أَمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا (طه، ۱۳۲): خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش. امام رضا (ع) فرمود: پس از نزول این آیه پیامبر (ص) تا نه ماه هنگام هر نماز که می شد در خانه علی (ع) و دخترش حضرت فاطمه (س) را می زد و نماز را یادآوری می فرمود. و آن گاه که به حکومت رسید خداوند نماز را در صدر برنامه های حکومت صالحان قرار داد: الَّذِينَ إِن مَكَنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج، ۴۱): کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند، و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و پایان همه کارها از آن خداست.

